آمار ساخت‌وساز نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد ۲۷ درصدی داشته اما هنوز تا وعده‌ها فاصله دارد

در سال حدود نیم میلیون مسکن می‌سازیم

صفحه ۱۶

فرهیختگان

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رادیو مضمون: روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۴۸۱۹
پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
۵ شعبان ۱۴۴۵
۱۵ فوریه ۲۰۲۴
شماره ۴۰۸۱

ولادت امام سجاد(ع) را تبریک می‌گوییم

www.Fdn.ir | Thu | 15 Feb 2024 | vol.15 | No. 4081 | 16 Pages

بهروز افخمی در گفت‌وگو با اکبر نبوی در مجله تصویری «قاف» مطرح کرد

با این سانسور و هدایت فیلم‌ها انگار نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاده است

۱۲ و ۱۳

اسم	فامیل	میوه	غذا	شهر یا کشور	رنگ	ماشین	مشاهیر	اشیاء	جمع کل
								جمنا	×
								مبنا	×
								شانا	×
								شریان	×
								جریان	×
								امنا	×

چرا هرچه بیشتر در کنشگری سیاسی جریان موسوم به اصولگرایان جست‌وجو می‌کنیم کمتر اثری از ایده‌های حکمرانی می‌بینیم؟

انتخابات بازی اسم ـ فامیل نیست

صفحه‌های ۱ و ۲

«فرهیختگان» از وضعیت مدیریت تکنولوژی در نظام آموزش عالی گزارش می‌دهد

π رادیان تاخیر فاز داریم

۴,۵

«فرهیختگان» گزارش می‌دهد

انرژی‌های پاک؛ موتور محرک اقتصاد چین در ۲۰۲۳

۶

تحولات دفاعی اخیر در خلیج فارس هم پیام روشنی برای غربی‌ها دارد هم کشورهای عربی

بازی دوسر برد در بوموسی

۷

اصولگرایان چه می‌گویند؟ به ما هم بگویید!

سرمقاله

مسعود فروغی
قائم‌مقام مدیرمسئول

در فاصله کوتاه باقی‌مانده تا انتخابات مجلس دوازدهم «کمی» بیشتر از ماه‌های اخیر موضوع انتخابات داغ شده است، اما نه آنقدر که برای برگزاری یک رویداد سیاسی مهم مثل انتخابات به گرم شدن فضای سیاسی نیاز داریم. بالاگرفتن بحث‌های انتخاباتی به مشارکت بدنه عمومی جامعه کمک می‌کند و منطقا هر قدر مشارکت سیاسی بالاتر برود، مجلس آینده قدرت بیشتری برای کار دارد. قدرتی که مشارکت سیاسی به نهادهای انتخابی می‌دهد حداقل دو وجه دارد؛ یکی پشتوانه رای اکثریت جامعه و دیگری تنوع انتخاب. در مشارکت پایین علاوه بر اینکه مجلس شکل‌گرفته رای بخش کمتری از جامعه را در سبد دارد، ترکیب ضعیف‌تری خواهد داشت. در همین کاندیداهای تایید صلاحیت شده که از نظر کمی قابل توجه هستند، تنوعی از دیدگاه‌ها دیده می‌شود، یا حداقل می‌توان تنوعی از دیدگاه‌ها را به مجلس فرستاد تا بخش‌های مختلف جامعه صدای خودشان را از مجلس بشنوند. اما اینکه مجلس دوازدهم چگونه خواهد بود در حال حاضر بیشتر از هر چیزی به مشارکت رای دهندگان مربوط است. به هر حال در چند روز اخیر به واسطه بیانیه ۱۱۰ نفر از اصلاح‌طلبان، تنور انتخابات کمی گرم‌تر شد. آنچنان‌که امضاکنندگان نامه نوشته‌اند آنها موافق مشارکت در انتخابات هستند و کناره‌گیری از آن را خلاف مصالح ملی می‌دانند. چون در روزهای اخیر مواضع تحلیلی روشنی درخصوص این نامه در «فرهیختگان» منتشر کردیم، علی‌الحساب از آن نامه و نتایجش عبور می‌کنیم. اما آن سوی سیاست در جمع نیروهایی از فعالان سیاسی ایران که به اصولگرایی معروف هستند، چه خبر است؟ اصولگرایان که اکثریت مطلق مجلس فعلی را در اختیار دارند گویا امیدوار به انتخاباتی بدون رقیب اصلاح‌طلب بودند و در شهری مثل تهران که ارزش نمادین فوق‌العاده‌ای دارد، چندشعبه‌ای هستند. اصولگرایان برخلاف تجربه انتخابات شورای دوم و مجلس هفتم معمولا از اسامی عجیبی برای حضور در انتخابات استفاده می‌کنند. اسامی‌ای که نه بار معنایی سیاسی خاصی دارند نه فضای اجتماعی می‌سازند. در همین انتخابات فعلی حفظ کردن اسم گروه‌های شب انتخاباتی که برای امتیازگیری خلق می‌شوند، انصافا کار سختی است. درحالی‌که در تجربه ابتدای دهه ۸۰ این طیف سیاسی و درحالی‌که دولت اصلاحات در اوج قدرت‌نمایی بود، «راست»های سابق دو حرکت جدید برای جذب رای انجام دادند. اول در پیشانی کار از لفظ «آبادگران» استفاده کردند و دوم تا آنجا که می‌شد، چهره‌های جدیدی که جامعه حس منفی درباره آنها نداشت به لیست وارد کردند. آبادگران، متولد راست سیاسی در ایران آن زمان بود و این ایده را پیگیری می‌کرد که درصورت انتخاب توسط مردم «بدون سیاسی‌کاری» برای ایران کار می‌کنند. این ایده در اتمسفری شکل گرفت که اصلاح‌طلبان ساخته بودند، آنها عملا از نهادهای انتخابی ازجمله وزارت کشور دولت خاتمی، شورای اول شهر تهران و مجلس ششم به‌عنوان توپخانه سیاسی استفاده می‌کردند. بیانیه «آشتی با انتخابات» که ۱۱۰ اصلاح‌طلب اخیرا امضا کردند عملا در تقابل با «هم‌خون»هایی از اصلاح‌طلبان صادر شده که در آن زمان هم رادیکال بودند. منظور اینکه اتاق فکر آن زمان اصولگرایی فهمیده بود باید برای ورود به انتخابات «ایده»ای بسازد و آن ایده توان موج اجتماعی داشته باشد. اما در انتخابات فعلی که پس از تجربه بازی در زمین یکطرفه انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ درحال وقوع است، اصولگرایان «بدعادت» شدند. تمرکز اصلی در پشت صحنه اصولگرایی روی گرفتن سهمیه بیشتر در دو یا سه لیست اصلی این جریان است. دور میز لیست اول به‌طور خاص بدنه قالیباف، زاکانی و پایداری درحال رایزنی هستند. این میز به خودشان «شانا» می‌گویند. در میز لیست دوم که به خودشان «امنا» می‌گویند نزدیکان بذرپاش، بخشی از پایداری‌های سابق مثل رسایی و رائفی‌پور هستند. امنا، درواقع خروج بخشی از اصولگرایان از ائتلاف مجلس یازدهم است و با کنایه به آنها موضع می‌گیرند. لیست سوم شاید شامل بخشی از سنتی‌ها باشد. نقطه مرکزی بحث در این «یارکشی»ها در اصولگرایان اطمینان از پیروزی در غیاب رقیب قدرتمند و گرفتن سهم بیشتر در لیست نهایی است. درواقع چالش نیروهای سیاسی اصولگرا هیچ ارتباطی با سوال و ابهام و نیاز جامعه ندارد. حتی بدنه اجتماعی خود اصولگرایان کمتر به این فکر می‌کنند. تفاوت این لیست‌ها در اسامی انتخابی و سهمیه‌بندی درون آن است. به‌عنوان یک رسانه نمی‌دانیم تفاوت دیدگاه این افراد در موضوعات اصلی اقتصادی و سیاسی کشور چیست؟ نمی‌دانیم ایده جدید آنها برای چالش‌های اجتماعی ما چیست؟ آنها واقعا چه می‌گویند؟ انصافا نمی‌دانیم! ضربات پی‌درپی که در فضای رسانه‌ای به چهره‌های اصلی این لیست‌ها وارد می‌شود احتمالا بیشتر از سوی رقبای درون جناحی طراحی می‌شود، ضرباتی که هیچ پاسخ قانع‌کننده‌ای به جامعه درباره آنها داده نشده و انباشت ناامیدی را بیشتر می‌کند. اصولگرایان عادت دارند از سبد ارزش‌ها وام انتخاباتی می‌گیرند و تا الان ابربدهکار انتخاباتی به ارزش‌های انقلابی محسوب می‌شوند. آن سوی سیاست در میان اصلاح‌طلبان عادت بالا رفتن از دیوار «آزادی‌های اجتماعی و سیاسی» مد است، این سو وام از ارزش‌ها بدون ضمانت بازپس دادن!

هیچ‌کدام از سیاسیون حرف حسابی برای ایجاد موج اجتماعی به‌منظور مشارکت سیاسی ندارند، حتی حنای «شفافیت» اصولگرایان دیگر رنگی ندارد، مثل شوخی اصلاح‌طلبان با آزادی. جامعه اما تشنه ایده‌های جدید است، جامعه با سیاست و مشارکت سیاسی قهر نیست، چه آنکه اگر امید به تغییر باشد رقم مشارکت سیاسی بالا می‌رود. انسداد طلبان ضدایران که قاتل منافع ملی هستند، دوست دارند مشارکت سیاسی پایین باشد تا از لجن‌زار ضدایرانی سردرآورند، ولی کسانی که تعیین سرنوشت کشور در مسیر کنش سیاسی قانونمند را قبول دارند، می‌دانند کلید مشارکت سیاسی در ایجاد رقابت بر سر موضوعات اصلی کشور است. هر گروه سیاسی که ملزومات رقابت سیاسی سالم را رعایت نکند، ضد منافع ملی عمل کرده است. از بدیهی‌ترین ملزومات رقابت شکل دادن انتخابات بر سر چالش‌های کشور است. این «لیست‌کشی» اصولگرایان ضد مشارکت و بیشتر شبیه بازی انتخاباتی است. گروه‌های سیاسی‌ای که بلد نیستند فضای انتخاباتی واقعی بسازند، چگونه می‌خواهند درباره مسائل کشور فکر کنند؟

برای درخشش سیمرغ‌های بلورین

یادداشت

فاطمه دیندار
خبرنگار

جشنواره فیلم فجر مهم‌ترین و معتبرترین رویداد سینمایی ایران است و شاید آرزوی هر کدام از اهالی سینما- چه در پشت دوربین، چه در جلوی آن- باشد که روزی در پردیس جشنواره قدم بزند و روی سن اختتامیه آن برود و یکی از آن بلورهای مستطیلی منقوش به سیمرغ را روی دست بگیرد. همچنین امروز بعد از گذشت ۴۲ دوره از این رویداد می‌توان به این موضوع نیز شهادت داد که این جشنواره یک میراث فرهنگی هنری مهم برای ایران اسلامی است که حفظ و حراست از آن از سوی سه ضلعی (متصدیان و مدیران، هنرمندان و اهالی رسانه، مخاطبان) حائز اهمیت است. اما در طول سال‌های اخیر، خاصه پس از پاییز ۱۴۰۱ که تاکنون دو جشنواره برگزار شده است، جریان‌هایی تمام تلاش‌شان این بوده که به اصل این میراث گران‌سنگ لطمه وارد کنند. گزارش حاضر با آن دو گزاره مقدماتی کوتاه به تشریح گروه‌هایی می‌پردازد که تلاش‌شان آگاهانه یا ناآگاهانه به جشنواره فیلم فجر لطمه می‌زند.

دبیر و دبیرخانه

شاید این ضرب‌المثل معروف که «حرمت امامزاده به متولی‌اش است!» بتواند کامل حق این بخش را ادا کند. هر جشنواره‌ای یک متولی دارد و جشنواره فیلم فجر نیز صاحب یک دبیرخانه دائمی و دبیری است که از سوی رئیس سازمان سینمایی منصوب می‌شود. طبیعتا حراست و حفاظت از نام «جشنواره فیلم فجر» در درجه نخست برعهده این نهاد است و هرچه دبیرخانه در کمیت و کیفیت برگزاری جشنواره موفق‌تر باشد، جایگاه این پدیده در نظر اهالی آن والاتر می‌رود. اما جشنواره فجر امسال از این ناحیه بیشترین لطمات را دیده است. نامعلوم بودن محل برگزاری و شرایط برگزاری جشنواره تا چند روز مانده به زمان برگزاری، عدم سعه صدر در پذیرش آثار در هیات انتخاب، مصاحبه‌های پیاپی ناصواب از سوی برخی اعضای هیات انتخاب -که حتی در طول جشنواره نیز ادامه یافت- همه باعث ایجاد حاشیه‌های پررنگ‌تر از متن شد. کیفیت آثار پذیرش شده در این دوره در برخی موارد مورد انتقاد عموم منتقدان، اصحاب رسانه و مخاطبان قرار گرفت اما ناباورانه این آثار در لیست برگزیدگان سیمرغ نیز قرار گرفت؛ البته این انتخاب‌های اشتباه صرف امسال نیست، کمااینکه صحبت‌های جواد عزتی پشت تریبون فجر بعد از دریافت سیمرغ کارگردانی اولی ناظر به اینکه «دوست داشت این سیمرغ را در سال‌های پیش برای بازیگری دریافت می‌کرد» نشان از این موضوع است. اشتباهات و خطاها و لجبازی‌هایی از این جنس یا آنچه درمورد خاص فیلم «بی‌بدن» از سوی دبیر و دبیرخانه رخ داد، بر تنزل شأن و جایگاه جشنواره اثرگذار بوده است.

رادیکال‌های ماهی‌گیر سیاسی

جشنواره فیلم فجر برای بعضی در فضای تولید معنا می‌شود؛ آنهایی که چندین ماه شبانه‌روز درگیر ساخت یک اثر سینمایی می‌شوند و قرار است ماحصل زحمت چندماهه‌شان را روی پرده نقره‌ای جشنواره ببینند. برای عده‌ای این موضوع در صف‌های سینماهای مردمی تداعی یک انبوه خلق می‌کند که یک هدف مشترک دارند و آن لذت از سینماست اما در مواجهه با فجر گروه دیگری نیز هستند که فکر می‌کنند؛ آب گل‌آلود شده و می‌توان از این طریق ماهی سیاسی‌شان را دشت کنند. این گروه که اتفاقا هیچ نسبتی با کم‌وکیف سینما نیز ندارند، مواجهه‌شان با این پدیده کاملا سیاسی است و براساس کیفیت برگزاری یا حضورها و عدم حضورها تحلیل‌سازی‌های سیاسی خودشان را بر جشنواره منطبق می‌کنند. فی‌المثل نگاه بکنید به کنش مصطفی تاج‌زاده. او که در سیاست این سال‌ها نمادی از رادیکالیسم است و در برابر مشارکت مردم در انتخابات نسخه تحریم را می‌پیچد، درباره جشنواره فیلم فجر یادداشتی نوشته تا با مقایسه فجر و عمار ارزش جوایز برگزیدگان را زیر سوال ببرد و تلاش کند حلاوت و شیرینی این جایزه که مزد زحمت چندماهه یک تیم بزرگ سینمایی است را برایشان بی‌معنی کند. امثال تاج‌زاده اساسا سختی کار تولید اثر سینمایی را نیز نمی‌فهمند و عامدانه و آگاهانه روی روان اهل هنر می‌روند که مواجهه آنها با جشنواره جدی نباشد.

ما بردیم، باقی به درک...

دسته سوم آنهایی هستند که روزگاری با ابهت روی فرش جشنواره قدم زده‌اند، برای عکاسان ژست گرفته‌اند و در نشست‌های خبری جشنواره گوی سبقت از دیگران را می‌ربودند که حتما بالا پشت میکروفن باشند یا روی سن اختتامیه رفته‌اند و موفق به کسب سیمرغ شده‌اند و امروز دلایل مختلف از اختلافات صنفی تا انشقاقات سیاسی باعث شده از فجر روی‌گردان باشند. این جماعت اما در یک خودخواهی کامل نمی‌خواهند دیگرانی از هم‌صنف‌هایشان طعم جذاب حضور در جشنواره را بچشند و از بیرون نه‌فقط به قطار فجر بلکه حتی به همه سرنشینان قطار نیز سنگ می‌زنند. مانند آن زن بازیگر سیمرغ گرفته که یکی از تهیه‌کنندگان می‌گفت به تک‌تک عوامل فیلمش زنگ زده بود تا آنها را از حضور در فیلمی که قرار است به فجر بیاید منصرف کند! بخشی از این گروه بعد از اتفاقات سال گذشته مواضع رادیکالی گرفتند که حالا بعضا پشیمان و بعضا ناچارند و سعی می‌کنند با بی‌اهمیت جلوه دادن این جایزه رغبت دیگر همکاران‌شان به این جایزه را کاهش دهند. عقبه رسانه‌ای و تولید محتوای تحریم‌کنندگان جشنواره در فضای مجازی نیز ساکت ننشسته‌اند و در این ۱۰ روز و به‌خصوص پس از اختتامیه مستمرا در حال تولید ویدئوکلیپ‌هایی بودند که بین سیمرغ گرفته‌های قدیم و سیمرغی‌های جدید تفکیک قائل بشود و در یک رفتار غیراخلاقی، غیرحرفه‌ای و ناجوانمردانه دسته دوم را بی‌ارزش و حکومتی خطاب کنند. حال آنکه تا چندی پیش که خودشان میدان‌دار بودند، همیشه داعیه‌شان این بود که فجر یک جشنواره هنری است و هنر منفک از سیاست است!

آنهایی که از اول هم فجر را برای انقلاب نمی‌دانستند!

در این بین یک گروه دیگری نیز داریم که همیشه نسبت به جشنواره فیلم فجر موضعی سلبی داشته و حتی در سال‌هایی تلاش کرده برای آن جایگزین‌هایی هرچند نازل را شکل دهد. این دسته که عموما از رادیکال‌ها و تندروها هستند همواره با این گزاره کلیشه‌ای که «فقط اسم این جشنواره فجر است و نسبتی با انقلاب اسلامی ندارد» در برابر آن می‌ایستاده‌اند و بر این میراث گران‌بها لطمه وارد می‌کردند. روزگاری به سراغ راه‌اندازی جایزه‌های تقلیدی از اسم سیمرغ می‌رفتند و روزگاری نشست‌های اصطلاحا نقد و نظر بر آثار فجر برگزار می‌کردند که با ایده‌های نمادگرایی و نشانه‌شناسی به جنگ آثار اکران شده در فجر می‌آمدند. جالب آنکه مسیر این گروه هیچ‌گاه به تولید اثر نیز ختم نمی‌شده و همواره مواجهه به صورت سلبی و از جایگاه نقد در مورد اصل پدیده فجر و آثار آن بوده است. در این میان بعضا رسانه ملی هم به دام همین گزاره غلط گرفتار می‌آمده است و جشنواره فیلم فجر که روزگاری جایگاه مهمی در تلویزیون داشت و به واسطه آن مردم نیز اشتیاق بیشتری برای حضور در این رویداد داشتند، کم اهمیت جلوه داده می‌شود.

چیست یاران سینما بعد از این تدبیر ما؟!

همه گروه‌هایی که به اجمال در بالا توضیح‌شان رفت به یک نقطه می‌رسند؛ «تضعیف جشنواره فیلم فجر» که یک میراث ملی برای ایرانیان است، لطمه زدن به ارزش و اعتبار سیمرغ فجر و بی‌انگیزه کردن اهالی سینما برای رسیدن به آن و بی‌انگیزه کردن اصحاب رسانه برای آنکه با اشتیاق به این پدیده هنری بپردازند. این گروه‌ها خواسته یا ناخواسته انسجام اجتماعی را هدف قرار می‌دهند و هر پدیده‌ای که امکان انسجام اجتماعی و نشاط عمومی را در جامعه ایجاد می‌کند و دست آخر فاصله انداختن بین مردم و آن پدیده که این حتی فراتر از رفتار این چهار گروه، هدف کلی گروهی بیرون از ایران است؛ گروهی که اساسا با ایران یکپارچه و بانشاط مخالف است! به واسطه این مهم است که باید مسیرهایی پیش روی اهل خرد در مواجهه با جشنواره فجر قرار گیرد؛ طرد کردن رادیکال‌ها و تندروها از معادله فرهنگی هنری کشور و توجه نسبت به پوست‌اندازی نسلی که چه در عوامل پشت دوربین و چه در بازیگران جلوی دوربین در حال رقم خوردن است، تشویق چهره‌ها و استعدادهای نوظهوری که امروز در جشنواره فجر به جامعه معرفی شده‌اند و حراست و حفاظت از آنها که مانند دیگران مورد سوءاستفاده‌ها و مصرف‌های سیاسی و حزبی قرار نگیرند و حفظ حریم هنر از بازی‌های سیاسی و همچنین ایجاد پیوندی دوباره بین مردم و سینما و خلق چهره‌های جدید برای آنکه سینما با آنها برای مردم شناخته شود.

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

چرا هرچه بیشتر در کنشگری سیاسی جریان موسوم به اصولگرایان جست‌وجو می‌کنیم کمتر اثری از ایده‌های حکمرانی می‌بینیم؟

انتخابات بازی اسم - فامیل نیست

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

امنا، مبنا، شانا، جمنا، اسم‌های مخففی که در شب و روزهای نزدیک به انتخابات مجلس، بیشتر از درون جناح اصولگرایی بیرون می‌آید و اعضای آن از انتشار لیست اجماعی خبر می‌دهند و بعد از گذر انتخابات مجلس آن دوره هم این اجماع‌ها به طور کلی محو می‌شود، تا در برگزاری انتخابات‌ها در دور بعدی مجلس با اسامی جدیدی در انتخابات حضور پیدا کنند. در این دوره نیز اجماع‌هایی تحت عنوان مبنا و امنا بار دیگر در فضای سیاسی کشور مورد توجه قرار گرفته است. اجماع امنا بیشتر ذیل جریان شریان به فعالیت می‌پردازد و میثم نادی، مدیر روابط عمومی دیوان محاسبات و مقداد زکی‌زاده، مدیر فعلی روابط عمومی دیوان محاسبات ازجمله افرادی بودند که این ائتلاف انتخاباتی را تحت عنوان امنا ایجاد کردند. در سمت دیگر نیز اعضای شورای ائتلاف نیروهای انقلاب با حضور قالیباف و حداد عادل، اجماعی تحت عنوان مبنا را شکل دادند. تا اینجا و برمبنای آنچه اعضای این اجماع‌ها گفتند، قرار است لیست‌های جدایی نیز منتشر کنند. فارغ از لیست‌بندی و اختلافاتی که در این حوزه میان اصولگرایان وجود دارد، موضوعی که شاید بیش از اینها مورد توجه قرار دارد این است که اساسا چقدر این گروه‌بندی و اجماع‌ها برای مردم و افکارعمومی موضوعیت دارد و آیا اصلا تفاوت خاصی میان این گروه‌بندی قائل هستند یا خیر. در واقع می‌توان گفت این گروه‌بندی تنها در میان خود آنها موضوعیت دارد و افکار عمومی را چندان درگیر نمی‌کند. با این همه اما برخلاف تاکیدات زیادی که نسبت به نگرانی در باب افزایش مشارکت وجود دارد، گروه‌های سیاسی همچنان روی ریل سیاسی‌کاری و باندبازی‌های سیاسی حرکت می‌کنند؛ امری که در شرایط فعلی علاوه بر اینکه تاثیر مثبتی روی افزایش مشارکت نخواهد داشت، حتی در مواردی منجر به گذاشتن اثر منفی روی آن خواهد شد. موضوعی که در میان اظهارنظرهای انتخاباتی مورد غفلت قرار گرفته این است که اساسا این گروه‌های سیاسی با اسم‌ها و عنوان‌های مختلف چه برنامه‌ای برای بهتر شدن عملکرد مجلس دوازدهم دارند و قرار است کدام یک از دغدغه‌های فعلی مردم را در مجلس مورد توجه قرار بدهد، امری که به نظر می‌رسد چندان مورد توجه احزاب و گروه‌های سیاسی قرار ندارد و در میان دغدغه‌ها برای تشکیل لیست با سرلیستی نمایندگان مجلس، اساسا مورد غفلت قرار می‌گیرد.

تکثر در تعدد لیست‌ها محقق نمی‌شود

نگاهی که درمورد تعدد این نام‌ها از جانب افراد درون جبهه اصولگرایی وجود دارد، این است که تعدد این نام‌ها و اجماع‌های مختلف ذیل این نام‌ها در قالب تکثر در کارزار انتخاباتی تحلیل می‌شود که در این نگاه اتفاقا امر مثبتی نیز به شمار می‌رود. این نگاه یکی از اشتباهات جریان اصولگرایی به شمار می‌رود؛ چراکه اساسا تکثر در انتخابات در قالب تعدد اجماع‌ها و اسم‌های مخفف تعریف نمی‌شود؛ این امر آنجا معنا پیدا می‌کند که مردم به وضوح این را درک کنند که فضا برای حضور همه شخصیت‌ها و افراد از سلایق مختلف سیاسی فراهم است و آنها امکان حضور و نقش‌آفرینی دارند و افراد می‌توانند با توجه به سلایق سیاسی که دارند به افراد مورد نظر خود رای بدهند و اصطلاحا با بحران نمایندگی مواجه نیستیم. موضوع دیگر اینکه اساسا تعدد اجماع‌ها بدون داشتن ایده‌ای متفاوت از دیگری معنایی ندارد؛ تکثر ناظر به ایده‌های مختلف برای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری برای کنش و اقدام سیاسیون معنا پیدا می‌کند، مانند آنچه که در نگاه اصولگرایی و اصلاح‌طلبی وجود دارد، در واقع این تفاوت ایده‌هاست که منجر به جدایی این دو گروه سیاسی از یکدیگر می‌شود، در حالی که وجه مشخص و متفاوتی که در میان این اجماع‌ها درون جبهه اصولگرایی وجود دارد، اختلاف نظرها در قالب باندبازی‌های سیاسی است که میان این افراد و شخصیت‌ها وجود دارد، براین اساس در این قالب، نمی‌توان تکثر را در این اجماع‌ها جست‌وجو کرد، درواقع تعدد این اجماع‌ها چیزی بیشتر از ادامه اختلافات درون جناحی اصولگراها برای سهم‌خواهی و ورود به مجلس را به افکارعمومی منتقل نمی‌کند. به همین بهانه به سراغ برخی از نمایندگان و اعضای گروه‌های سیاسی رفتیم و با ابوالقاسم جراره، دبیر کل حزب شریان و امیر ابراهیم رسولی، سخنگوی شورای ائتلاف، گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

ابوالقاسم جراره، دبیرکل جبهه شریان: یکی از آغازکننده‌های شکل‌گیری این اجماع‌ها، شریان بوده است

ابوالقاسم جراره، دبیرکل شریان در ابتدا درباره اینکه اساسا چه تفاوتی میان این اسامی و نام‌های مختلفی که از جانب اصولگرایان مطرح می‌شود وجود دارد، گفت: «در جبهه اصولگرایان و به‌صورت عمده، دو ائتلاف بزرگ داریم که یکی شورای ائتلاف نیروهای انقلاب است که در حال انجام کار خود است و اعلام کردند که لیست ما در حال نهایی شدن است و به زودی اعلام خواهیم کرد. در یک سمت دیگر نیز ائتلاف امنا قرار داد؛ ائتلاف مردمی نیروهای انقلاب که متشکل از مجموعه شریان است و خود ما یکی از بنیانگذاران این حوزه هستیم که چون به دنبال ائتلاف فراگیر نیروهای جبهه انقلاب بودیم، تصمیم گرفتیم این اقدام را انجام بدهیم و دنبال کنیم که ائتلاف امنا شکل گرفت که متشکل از چهار پنج جبهه است. نگاه شریان از روز اول هم همین بود که بتواند یک ائتلاف فراگیری را ایجاد کند که با گفتمان انقلابی یک لیست واحد منتشر شود. شریان تقریبا این مسیر را دنبال کرد و الان به آنچه می‌خواست تا حدودی رسیده و ائتلاف امنا شکل گرفته است. در این سمت هم با توجه به شاخصه‌ها و اصول جریان انقلابی به دنبال آن هستیم که لیست خوبی شکل بگیرد و جبهه انقلاب لیست را براساس شاخص‌محوری و نه شخص‌محوری ببیند و با اعتماد مردم شاهد تشکیل مجلس شاخص محور باشیم.»

جراره در پاسخ به این سوال که چرا در هر دوره انتخابات اسامی جدیدی از این اجماع‌ها منتشر می‌شود، گفت: «خوب استارت کار را یک مجموعه می‌زند، مثلا در اینجا یکی از مجموعه‌هایی که آغازکننده این موضوع بود، شریان بوده است و وقتی کنار مجموعه‌های دیگر می‌نشیند می‌خواهد اینها نسبت به آن موضوع یک اجماعی شکل بدهند. بالاخره هرکدام از آنها برای خود یک نامی دارند و هرکدام دیدگاهی دارند و بناست که حول یک شاخصی قرار بگیرند و نامی را ایجاد کنند، الان ما در کنار مجمع‌رزمنا، مجمع جبهه انقلاب و دیگر مجامع قرار گرفته و توافق کردیم که اسم این ائتلاف امنا گذاشته شود که مخفف نیروهای مردمی جبهه انقلاب است، اما به هر صورت مجمع شریان کار و برنامه خود را شروع کرده است و کسانی که علاقه‌مند بودند با شریان کار کنند را درون خود دارد و بیش از هزار نفر در سامانه شریان ثبت‌نام کردند که بنا داشتند با نام مجموعه شریان در انتخابات کشور حضور پیدا کنند. اما وقتی شما کنار اعضا و گروه‌های مختلف می‌نشینید باید روی یک نام توافق کنید، در آن طرف هم می‌توانید مبنا و جمنا را ببینید و همه متشکل از احزاب و گروه‌ها و جریان‌هاست که کنار هم قرار گرفته‌اند.»

قطعا سرلیست ما آقای قالیباف نیست

جراره در ادامه درباره اینکه سرلیست احتمالی لیستی که قرار است امنا منتشر کند چه خواهد بود، گفت: «ما روی این موضوع اجماع داریم که قطعا سرلیست ما آقای قالیباف نیست و روی گزینه‌های دیگر در حال صحبت هستیم که بتوانیم به یک جمع‌بندی برسیم.»

جراره در پاسخ به اینکه امنا برای ورود به مجلس چه برنامه‌ریزی‌ای دارد و قرار است کدام دغدغه مردم برطرف شود نیز توضیح داد: «در بحث برنامه‌ها قطعا باید نسبت به نیازهای جامعه برنامه‌ریزی بشود، قطعا مردم نگاه‌هایی به موضوعات دارند. مثلا همین شفافیت، باید مبنا داشته باشد و به آن اعتقاد داشته باشیم و عمل کنیم، اما واقعیت الان آن چیزی که مردم و جامعه به آن اعتقاد دارند و نگرانی دارند در حوزه مسائل اقتصادی است، من فکر می‌کنم یکی از موضوعات و برنامه‌هایی که باید دنبال کنیم، این است که ریل‌گذاری کشور را براساس اقتصاد مقاومتی برنامه‌ریزی کنیم و مردمی‌سازی اقتصاد به شکل واقعی اتفاق بیفتد، تا اقتصاد را مردمی نکنیم و آن را به مردم واگذار نکنیم، قطعا مشکل اقتصادی ما حل نمی‌شود چون نقش مردم در اقتصاد کمرنگ است ما اقتصاد فعالی نداریم، لذا یکی از برنامه‌هایی که مجموعه ما دنبال خواهد کرد، این است که در حوزه اقتصادی برنامه‌ریزی خوبی بکند و بتواند کشور را در ریل‌گذاری واقعی خود در حوزه اقتصاد قرار بدهد. موضوع دیگر تقویت پول ملی است؛ یکی از راهکارهایی که برای تقویت پول ملی لازم است این است که باید جلوی نقدینگی را بگیریم، نقدینگی‌هایی که در اقتصاد کشور ما سرگردان هستند؛ حالا یک روز در سکه است، یک روز در ارز است، یک روز در ساختمان است، این بی‌ثباتی اقتصادی می‌آورد و تورم‌زاست فلذا باید هدایتگری لازم را در حوزه اقتصاد ایجاد کنیم. موضوع دیگر، حوزه بانک‌هاست و ما نیاز به برنامه جامعی در حوزه اقتصاد داریم که بانک‌ها نقش اثرگذار و نه مخرب داشته باشند. مثلا در حوزه اقتصادی، بانک‌ها خود عامل بی‌ثباتی و ایجاد تورم هستند و اگر در حوزه قانون‌گذاری اشکالاتی وجود دارد، باید اصلاح شود. در حوزه فرهنگی هم دچار اشکالاتی هستیم و با توجه به نیاز روز جامعه قطعا اقداماتی شکل می‌گیرد. این نکات در موضوعات کلان است. الان یکی از موضوعاتی که رهبری هم روی آن تاکید دارند، حوزه مسائل زیست محیطی است و نمی‌توانیم در این حوزه بی‌تفاوت باشیم، موضوع آب مهم است و باید نسبت به تنش آبی که در کشور وجود دارد، توجه لازم را داشته باشیم؛ باید مجلسی را ایجاد کنیم که این موضوعات را مورد توجه قرار دهد. ان‌شاءالله برنامه‌هایمان در این حوزه‌ها را اعلام خواهیم کرد. البته نگاه ما این است که آدم‌هایی که انتخاب می‌شوند، با این نگاه معرفی و انتخاب می‌شوند.»

اعلام کردیم که بنا نیست پدرخوانده‌ها برای ما تعیین تکلیف کنند

جراره در پاسخ به این سوال که اساسا چقدر این اجماع‌هایی که در هردوره با اسمای جدید مطرح می‌شوند، برای مردم موضوعیت دارند و میان آنها تفکیک قائل می‌شوند، گفت: «اینکه تنوع داشته باشیم که بد نیست، که مردم بچرخند، مطالعه کنند و ببینند که نگاه هرکدام از این گروه‌ها چیست، اصول و مرام‌شان چیست و اعتقاد و باورشان چیست. شریان به دنبال این بود که لیستی شاخص‌محور منتشر کنیم و تفاوت ما در همین است، اعلام کردیم که بنا نیست پدرخوانده‌ها برای همه ملت تعیین تکلیف کنند و دیگر پدرخواندگی را نمی‌پذیریم و می‌گوییم باید، به جای شخص‌محوری و پدرخوانده‌محوری به سمت شاخص‌محوری برویم و این شاخص‌ها متجلی در افراد و اشخاص خواهد بود.

کسی که وارد مجلس می‌شود باید این شاخص‌ها را داشته باشد، تفاوت لیست‌ها در همین است. تفاوت جریان اصلاح‌طلبی و اصولگرایی در همین موضوعات است در همین حوزه نیروهای انقلاب این تفاوت‌ها وجود دارد، ما می‌گوییم لیستی که قرار است منتشر کنیم و مجلسی که شکل می‌گیرد باید براساس شاخص‌ها در مجلس حضور پیدا کند. ممکن است فردی بگوید آقای فلانی هست و او برای بقیه افراد و اعضا تعیین می‌کند. ما اما این موضوع را نمی‌پذیریم. طرف مقابل اما می‌گوید که فرد برای ما تعیین می‌کند البته او هم ممکن است در شعار از اصول و چهارچوب، صحبت به میان بیاورد اما در عمل همان پدرخواندگی اجرا می‌شود. اما ما در اعلام و اعمال و اجرا می‌گوییم که بر مبنای شاخص‌ها خروجی می‌دهیم و مردم قطعا این را درک خواهند کرد و با تیزبینی که دارند، لیستی را انتخاب خواهند کرد که شاخص‌محور باشد و بهتر از این است که افراد با نسبت‌های خانوادگی، دفتری انتخاب بشوند.»

امیرابراهیم رسولی، سخنگوی شورای ائتلاف: مردم وقتی سردرگم می‌شوند که در روز انتخابات با لیست‌های متعدد از جناح اصولگرایی مواجه شوند

امیرابراهیم رسولی، سخنگوی شورای ائتلاف در ابتدا درباره فضای انتخاباتی مجلس دوازدهم گفت: «به نظر می‌آید با روندی که شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها انجام داد، شاهد یک فضای باز انتخاباتی به لحاظ تعدد کاندیداها هستیم. کاندیداهایی که بعضا دچار مشکل شده بودند یا تصور بروز مشکل داشتند، مشکلاتشان حل شد و امروز تایید صلاحیت شدند و صحنه انتخابات در کشور به صحنه پرشوری تبدیل شده که کاندیداهای مختلف در کشور از سلایق مختلف حضور دارند و جوسازی‌هایی هم که بعضا اتفاق می‌افتد، شاید در یک شهر و استان این جوسازی نمود داشته باشد اما وقتی به کل کشور نگاه می‌کنیم، همه طیف‌ها و سلایق مختلف آمدند و در انتخابات حضور پیدا کردند، بنابراین تصور ما این بود که این تنوع سلیقه حتی در جریان نیروهای انقلاب دیده می‌شود.»

رسولی، درباره فعالیت شورای ائتلاف توضیح داد: «شورای ائتلاف نیروهای انقلاب، روندی را از سال گذشته شروع کرده و امسال درحال ادامه دادن همان روند است، از ماه‌ها قبل شورای کمیته هیات نظارت را تشکیل دادیم و عملکرد کنونی که با اسم شورای ائتلاف، حضور پیدا کردند، مورد ارزیابی قرار دادیم و برای هرکدام کارنامه درست کردیم و در نهایت به بازه ثبت‌نام‌ها رسیدیم و بعد از ثبت‌نام‌ها هم فراخوانی داده شد و دعوت کردیم هرکس دوست دارد با اسم شورای ائتلاف در انتخابات شرکت کرده و ثبت‌نام کند. در سایت ما حدود دو هزار نفر ثبت‌نام کردند و واقعیت این است که بعد از بررسی صلاحیت‌ها حدود ۱۴۰۰ نفر باقی ماندند که از این افراد باقی‌مانده همایشی را در حدود سه هفته قبل برگزار کردیم و اعتقاد داریم مجلس آینده باید مجلس کارآمدتری شود و به همین خاطر این افراد را در کارگروه‌های تخصصی بردیم و مصاحبه‌هایی گرفتیم و بنابر رزومه و تحصیلاتی که این افراد داشتند، این کار انجام شد و الان تقریبا همه مصاحبه‌ها انجام شد و نمره‌ها را جمع می‌کنیم و حدود ۲۰۰ و خرده‌ای نماینده خواهیم داشت که در کانون‌های تخصصی ما بالاترین نمره‌ها را آوردند و این جمع را وارد شورای انتخاب خواهیم کرد و ادامه روند ان‌شاءالله طی خواهد شد. شورای انتخابی که تشکیل دادیم، شامل شورای ائتلاف و منهای کاندیداها یعنی کسانی که به‌عنوان کاندیدا حضور داشتند، از آنها خواسته شد که جلسه را ترک کنند و در عین حال ۱۰ چهره اجتماعی و سیاسی را در سطح جامعه داریم که در حوزه‌های مختلف، مقبولیت دارند. خروجی کانون‌های تخصصی ما وارد شورای انتخاب می‌شوند تا بررسی و ارزیابی انجام شود و بتوانیم طبق این روند به لیست نهایی‌مان نزدیک شویم.»

در ظهور و بروز اجماع‌های مختلف اشکالی نمی‌بینیم

رسولی در پاسخ به این سوال که چرا در هر دوره اسم‌های تازه‌ای منتشر می‌شود و آیا این منجر به سردرگمی بیشتر مردم نمی‌شود، توضیح داد: «ما در فضای سیاسی کشور، از حضور و تعدد و وجود گروه‌های مختلف و شور انتخاباتی به عنوان شورای ائتلاف استقبال می‌کنیم که مثلا شما یک گروه سیاسی تشکیل دهید و طیفی را پای کار جریان انقلاب بیاورد، اینها به نظر من، تشویق به مشارکت و حضور سلایق و گروه‌های مختلف می‌کند. ما امیدواریم درنتیجه بتوان از این تشکیلات‌هایی که وجود دارد به خروجی‌ای برسیم و اگر نقصی هم قبلا وجود داشته، برطرف شود، به همین خاطر ما نگرانی از حضور گروه‌های مختلف نداریم و فکر می‌کنیم همه آنها باید فعال باشند و مشارکت کنند. مردم وقتی سردرگم می‌شوند که در روز انتخابات با لیست‌های مختلف و متنوعی مواجه شوند و گرنه قبل از آن شما نمی‌توانید بگویید که کسی ورود نداشته باشد و کار سیاسی انجام ندهد، همه اینها در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. مردم از طیف‌های مختلف انتظار دارند در روز انتخابات بدانند جریانی که به آن علاقه‌مندند کدام جریان است و چه لیستی دارد؟ در انتخابات گذشته هم همین بوده و فقط نتیجه آن انتخابات نشان داده، مثلا انتخابات شورای شهر تهران آخرین انتخابات تهران بود. در تهران لیست‌های متعدد و مختلفی وجود داشت اما درنهایت لیست شورای ائتلاف نیروهای انقلاب برنده شد. ممکن است این بار انتخاب نکنند و مردم خود تصمیم می‌گیرند. ما فعالیتی را شروع کردیم و سعی می‌کنیم همه افراد و نیروهای انقلاب را در این طیف قرار دهیم که همه دوستان حضور پیدا کنند و قائل به کار جمعی هستیم، حالا اگر کسی نمی‌خواهد حضور پیدا کند و می‌خواهد کار انفرادی انجام دهد که نمی‌توانیم جلویش را بگیریم، او هم مختار است.»

رسولی درباره اینکه چرا در هر دوره اسم‌های جدیدی از این ائتلاف‌ها منتشر می‌شود، گفت: «ما اینجا اشکالی نمی‌بینیم، سلایق مختلف است. الان در جریان اصلاح‌طلبی هم یک گروه حضور ندارد، یک گروه اتحاد ملت است، دیگری مردم‌سالاری است، آنها هم اسم‌های مختلف دارند، این چیزی است که در کشور ما وجود دارد، حتی در جریان اصلاحات افراد مختلف با گروه‌های مختلف حضور دارند، اما ممکن است برای انتخابات یک لیست دهند. ما هم در انتخابات مجلس یازدهم یک لیست دادیم و به یک لیست رسیدیم، در انتخابات پیش‌رو هم امیدواریم با جریان‌های اصلی انقلاب، به توافق برسیم. ممکن است دوستان لیست‌های مختلفی دهند اما باید مقداری جلوتر برویم چون مذاکرات مختلف درحال انجام است.»

رسولی در ادامه درباره حضور برخی افراد مثل رائفی‌پور برای انتشار لیست هم گفت: «ما می‌گوییم هر کس که دلسوز انتخابات است به صحنه نگاه کند و ببیند چه چیزی به نفع انقلاب است و آن را انجام دهد، البته ما حرفی داریم و همه را باید تحت عنوان قانون انجام دهیم، بالاخره قانونی به اسم قانون انتخابات وجود دارد و باید سعی کنیم به آن تمکین کنیم و هر فرد و جریانی که بخواهد کار انجام دهد، باید براساس قانون در انتخابات مشارکت کند اما فکر می‌کنیم افرادی که دلسوز انقلاب هستند در تلاشند که مجلس کارآمدی شکل بگیرد، بیشتر از اینکه به‌دنبال منافع شخصی و نفع شخصی خود از این جریان باشند.»

ارائه نکردن برنامه از جانب داوطلبان اشکالی است که سال‌ها مورد توجه قرار داشته است

رسولی درباره اینکه چرا ارائه برنامه از جانب گروه‌های سیاسی مورد غفلت قرار می‌گیرد، گفت: «این اشکال در طول سال‌ها بوده است، اما شورای ائتلاف به اندازه خودش سعی کرد این اشکال را حداقل در این دوره برطرف کند. ما گفتیم با کسی عقد اخوت نبسته‌ایم، آقایان نماینده‌ای که به اسم شورای ائتلاف به مجلس رفتید، ما یک کارگروه ارزیابی و نظارت درست کرده و کارنامه درست کردیم و این کارنامه شامل مسائل کمی و کیفی است، یعنی گفتیم فلان فرد نماینده‌ای بوده که در لیست ائتلاف وارد مجلس شده است. گفته شد که در کمیسیون‌ها چطور ورود کردید، حتی حضور و غیاب در حصن چطور بوده، نماینده منظمی بودید، غیبتت زیاد بوده، تاخیر زیاد بوده، در کدام طرح و لوایح فعال بودید، آیا موضوع خاصی را پیگیری کردید؟ در مواقع حساس موضع رسانه‌ای‌تان چه بوده؟ سعی کردیم با این کار این اشکال را تا حدی برطرف کنیم و بگوییم شما نمره خوبی نگرفتید و اگر از شما بهتر وجود داشته باشد، جایگزین خواهیم کرد.»

رسولی درباره فعالیت و اقدامات گروه‌های سیاسی درون اصولگرایی با اسم‌های مختلف، گفت: «هر کسی که می‌تواند اقدام خودش را انجام بدهد و با هر کسی می‌خواهد رقابت کند، اسم‌های مختلفی هم وجود دارند، هرکسی که می‌خواهد خارج از جریان جمع نیروهای انقلاب عمل کند، باید وزن‌کشی کند و مسئولیت خارج از جمع حرکت کردن را هم بپذیرد و بپذیرد که اگر نخواست، برمبنای خواست اکثریت عمل کند، هزینه انفرادی عمل کردنش را هم بپذیرد.»

رسولی در تحلیل کنش انتخاباتی اصلاح‌طلبان نیز گفت: «به‌نظرم جریان اصلاح‌طلبی در تابلوهای دیگری رفته و تلاش دارد، با آن تابلوها وارد مجلس شود اتفاقا به‌نظر ما فعال هستند، شاید استراتژی‌شان این باشد که بگویند ما در یک شهرهایی نیستیم، اما در کشور فعال هستند و با اسم‌های مختلف ازجمله اعتدال و مستقلین تلاش می‌کنند خود را به مجلس برسانند و قابل مشاهده نیز هستند.»

بررسی روند تولید مقالات کاربردی نشان از افت کمی آن در بازه ۱۰ ساله دارد

دانشگاه آزاد دومین ناشر مقالات کاربردی ایران

فرهیختگان
دانشگاه
پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲ | شماره ۴۰۸۱ | WWW.FDN.IR

سهم سرمایه‌گذاری روی فناوری‌های انرژی پاک چین
سال گذشته ۱۳ درصد بوده که نسبت به ۲۰۲۲ رشد ۹ درصدی داشته است

انرژی‌های پاک موتور محرک اقتصاد چین در ۲۰۲۳

«فرهیختگان» از وضعیت مدیریت تکنولوژی در نظام آموزش عالی گزارش می‌دهد

π رادیان تاخیر فاز داریم

بررسی روند تولید مقالات کاربردی نشان از افت کمی آن در بازه ۱۰ ساله دارد

دانشگاه آزاد دومین ناشر مقالات کاربردی ایران

فاطمه طاری‌بخش
خبرنگار گروه دانشگاه

تعداد بالای استناد و مقالات، در کشورهای مختلف از آنجایی که به عنوان یکی از مولفه‌های افزایش علم و تولید علم کشور به شمار می‌رود، همیشه مورد توجه بوده است. همین اهمیت دلیلی است تا اساتید دانشگاه‌ها تلاش کنند تا نتایج فعالیت‌های پژوهشی خود را در قالب مقاله منتشر کنند. شاید در این بین محققانی حضور دارند که لزوما مقالات زیادی منتشر نکرده‌اند اما در عرصه‌های دیگر بسیار اثرگذار هستند. مثلا ممکن است محققی با وجود انتشار کم مقالات، بتواند سمت و سوی فرمان‌دهی علم و فناوری را در یک کشور تغییر دهد. توجه کردن به این بعد از تاثیرگذاری، می‌تواند به شناسایی مقالات، نویسندگان، موسسات و دانشگاه‌های فعال در تولید با برون‌داد و اثربخشی کاربردی کمک کند. در این گزارش نگاهی به بررسی آمار مقالات کاربردی، مقالات پراستناد و عملکرد دانشگاه‌ها که توسط بنیاد ملی علم در دی‌ماه امسال منتشر شده، می‌اندازیم.

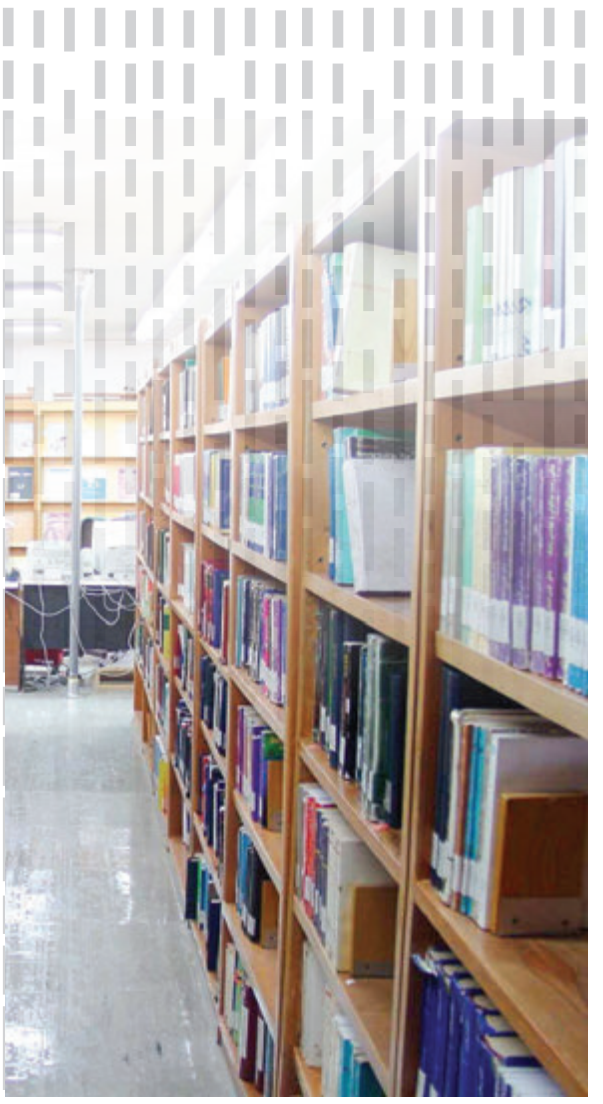

ایران در کمیت اول و در کیفیت ششم

تعداد مقالات استنادشده کشورها که به اختراع منتج شده، نشان می‌دهد در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، ایران با بیش از هشت هزار مقاله رتبه اول را دارد. بعد از آن عربستان سعودی با بیش از هفت هزار مقاله و ترکیه با شش هزار و ۷۰۰ مقاله در رتبه‌های بعدی قرار دارند. با این وجود که ایران در بحث کمیت مقالات از آمار به نسبت خوبی برخوردار است، اما بعد از بررسی تعداد استنادات دریافتی از سمت پتنت‌ها، نسبت به کل انتشارات، متوجه می‌شویم که وضعیت مقالات کاربردی کشور چندان هم خوب نیست. ایران در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در این شاخص با نسبت ۲۹٫۹ در رتبه پنجم قرار دارد. درواقع به زبان ساده‌تر باید گفت که هر مقاله منتج به اختراع، ۲۹ استناد داشته است. رتبه اول این بخش، عربستان سعودی با نسبت ۷۰ است و هر مقاله منتج به اختراع در این کشور ۷۰ استناد داشته است. پس از آن کشورهای امارات، مصر، مالزی قرار دارند.

آمریکا اول در کمیت و کیفیت مقالات ثبت اختراع

در بحث تعداد مقالات استنادشده در کشورهای جهان برای ثبت اختراعات و نسبت مقالات استنادی به تعداد کل مقالات، کشور آمریکا، با ۳۳۱ هزار مقاله در رتبه اول قرار دارد. بعد از آن و با فاصله‌ای ۵۰ درصدی، کشور چین با ۱۴۶ هزار مقاله و کشور آلمان با ۷۷ هزار مقاله قرار گرفته است. اگر بخواهیم مانند گروه قبلی نسبت استناد مقالات از ثبت اختراع را به کل انتشارات کشورهای پیشرو بسنجیم، باز هم کشور آمریکا با امتیاز ۱۷۶٫۸ در رتبه اول قرار دارد، یعنی به صورت میانگین هر مقاله منتج به اختراع آن ۱۷۶ استناد دریافت کرده است. بعد از آن کشور آلمان با نسبت ۱۳۶ ژاپن با نسبت ۱۲۵ قرار دارند.

کاهش بیش از ۹۰ درصدی نشر مقالات کاربردی

روند نشر مقالات ایرانی استنادشده در پروانه‌های ثبت اختراع در بازه ۱۰ ساله، نشان می‌دهد که مقالات کاربردی، از سال ۲۰۱۴ به بعد، با افت کمی روبه‌رو بوده است. مقالاتی که در بحث ثبت اختراعات نقش داشته و عملا به فناوری کشور کمک کرده‌اند هم با افت همراه بوده و با کاهش بیش از ۹۰ درصدی مقالات کاربردی در ۹ سال اخیر تا سال ۲۰۲۲ در کشور مواجه بوده‌ایم.

دانشگاه آزاد رتبه دوم انتشار مقالات کاربردی در کشور

در شاخص تعداد مقالات استنادشده در ثبت اختراعات و نسبت به کل استنادات، دانشگاه علوم پزشکی تهران، با هزار و ۱۵۴ مقاله کاربردی در رتبه اول قرار دارد. بعد از آن دانشگاه آزاد با هزار و ۴۹ مقاله در رتبه دوم و دانشگاه تهران با ۷۷۰ مقاله در رتبه سوم قرار می‌گیرد. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با ۵۸۱ مقاله، در رتبه چهارم و دانشگاه تربیت مدرس با ۴۹۲ مقاله در رتبه پنجم قرار دارند.

۲۱۶ استناد به مقاله‌ای از دانشگاه شیراز

در شاخص بعدی قرار است تا به بررسی مقالاتی که بیشترین استناد را داشته‌اند، بپردازیم. این شاخص نشان می‌دهد که از بین بیش از هشت هزار مقاله منتشرشده، ۲۴ مقاله بیش از ۳۰ استناد داشته‌اند. بیشترین استناد به مقاله منتشرشده در سال ۲۰۱۸ است که ۲۱۶ استناد از ثبت اختراعات دریافت کرده است. مقاله مذکور، توسط محققان دانشگاه شیراز تالیف شده است. مقاله دومی که بیشترین استناد را با ۱۹۱ استناد داشته، توسط ۴ محقق از کشورهای آلمان، کانادا و ایران تالیف شده است. مهدی صالحی که جزء یکی از محققان این مقاله است، با دو وابستگی سازمانی از کانادا و دانشگاه شهید بهشتی، جزء مولفان ایرانی محسوب می‌شود که بیشترین تعداد استناد را از پتنت‌ها داشته است.

مهندسی و پزشکی حوزه‌ای پراستناد برای ایران

بررسی بیشترین مقالات استنادشده در ثبت اختراعات نشان می‌دهد که از بین هشت هزار و ۶۰۹ مقاله، بیشترین مقالات مربوط به حوزه مهندسی بوده است. بعد از آن رشته پزشکی پراستنادترین مقالات را در پتنت داشته است. علم مواد، فارماکولوژی و سم‌شناسی در رتبه‌های بعدی حوزه‌های پراستناد قرار دارند.

تنها ۳ مجله ایرانی در جمع مجلات منتشرکننده مقالات ایرانی

بررسی مجلات برتر ایرانی منتشرکننده مقالات فناورانه، می‌تواند در راستای شناسایی فعالیت این مجلات کارآمد باشد. در این بخش مجلات منتشرکننده مقالات ایرانی تا آستانه ۲۰ مقاله مورد بررسی قرار گرفتند. از میان ۴۱ مجله دارای بیشترین انتشارات ایرانی، تنها سه مجله از کشور ایران بودند. اولین مجله که رتبه ۵ را در این بین به دست آورد؛ iranian Research Pharmaceutical of Journal است. این مجله در بازه ۱۰ ساله ۵۶ مقاله کاربردی منتشر کرده است. بعد از آن مجلات Bulletin Pharmaceutical Advanced و Iranian Sciences Medical Basic of Journal به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند که این دو مجله از دانشگاه‌های علوم پزشکی تبریز و علوم پزشکی مشهد هستند.

بیش از ۲ هزار و ۱۰۰ استناد از پتنت برای مقالات دانشگاه آزادی

از دیگر شاخص‌هایی که قابل توجه است، تعداد کل مقالاتی است که در روند یک اختراع به آنها استناد می‌شود. در این بخش گزارش نگاهی به آمار دانشگاه‌ها می‌اندازیم. مقالات منتشرشده در دانشگاه علوم پزشکی تهران، بیش از دو هزار و ۸۰۰ استناد از پتنت‌ها دریافت کرده‌اند. مقالات دانشگاه آزاد در رتبه بعدی با دریافت دو هزار و ۱۰۰ استناد از پتنت‌ها قرار دارند. در رتبه سوم، دانشگاه علوم پزشکی تبریز با ۱۴۰۰ استناد از پتنت‌ها را می‌بینیم.

بنیاد علم؛ حامی اول مقالات کاربردی

در بین موسسات حمایت‌کننده مالی مقالات کاربردی، بنیاد علم بیشترین نقش را در این تامین مالی داشته است. به طوری که ۲۷۱ مقاله ایرانی استناد شده در این بنیاد حمایت شده‌اند. بعد از آن دانشگاه علوم پزشکی تهران با ۱۴۷ و موسسه ملی بهداشت با حمایت ۱۳۲ مقاله وجود دارند. دانشگاه آزاد در بخش حمایت‌های مالی با حمایت ۶۰ مقاله در رتبه پنجم قرار دارد.

ریل حمایت از مقالات کاربردی را تعمیر کنید!

در پایان و با بررسی اجمالی بر آمار و ارقام مقالات کاربردی، به نظر می‌رسد که بهتر است تا در راستای بهبود شاخص‌ها، تدوین و بهره‌برداری از شاخص‌های کیفی صورت گیرد. ایجاد شاخص‌هایی برای ارزیابی کیفیت مقالات به جای تمرکز بر تعداد می‌تواند به بهبود آمار استناد مقالات کمک کند. مورد دیگر، حمایت مستقیم از محققان و موسسات فعال است که باید فراهم‌آوری تسهیلات و بودجه در جهت حمایت از محققان و موسسات فعال در تولید مقالات کاربردی صورت گیرد. در بحث مجلات علمی داخلی، پیشرفت چشمگیری صورت نگرفته و آمار قابل قبولی نداشتیم. به نظر می‌رسد بهتر است در راستای تقویت مجلات علمی داخلی، از مجلاتی که بیشترین انتشار را از مقالات کاربردی داشته‌اند صورت گیرد. تمرکز بر حوزه‌های موضوعی برتر، ترویج همکاری‌های بین‌المللی، آموزش و تحقیقات چندرشته‌ای و ترویج و پشتیبانی از تحقیقات کاربردی نیز باید در بین سیاستگذاری‌ها وجود داشته باشد.

خبر

دانشنامه الکترونیکی جایگزین مدرک موقت فارغ‌التحصیلی دانشگاه آزاد می‌شود

جلسه شورای آموزشی دانشگاه آزاد استان هرمزگان با حضور معصومه طباطبایی، رئیس مرکز سنجش، پذیرش و فارغ‌التحصیلی دانشگاه آزاد در واحد بندرعباس برگزار شد. طباطبایی در این جلسه با تبریک ایام‌الله دهه فجر و و اعیاد شعبانیه از وضعیت جذب، ثبت‌نام و فارغ‌التحصیلان دانشجویان در مراکز و واحدهای دانشگاه آزاد استان هرمزگان ابراز خرسندی کرد و ضمن تشکر از دست‌اندرکاران حوزه‌های مرتبط گفت: «دانشگاه آزاد استان هرمزگان سکاندار بالاترین تعداد فارغ التحصیل ماهر و متخصص در استان هرمزگان است که دلیل توسعه و پیشرفت استان شده است.» رئیس مرکز سنجش، پذیرش و فارغ‌التحصیلی دانشگاه آزاد با اشاره به ظرفیت‌های خاص استان هرمزگان در حوزه‌های صنعتی، نفتی، تجاری و اقتصاد دریامحور اظهار کرد: «یکی از قوانین جاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، برای تصویب رشته‌های تحصیلی دانشگاهی نسبت تعداد دانشجو به استاد و ظرفیت‌های صنعتی، تجاری، اقتصادی و... این استان است که خوشبختانه براساس آمایش آموزشی این توانمندی‌ها مورد بررسی و ارزیابی واقع شده و در فرآیند دریافت مجوز از شورای گسترش وزارت علوم قرار دارد.» طباطبایی در ادامه ضمن اعلام انجام مراحل صدور دانشنامه به صورت الکترونیکی گفت: «از این پس صدور مدرک موقت دانش‌آموختگان نیز از فرآیند فراغت از تحصیل حذف و صدور مدرک موقت متوقف می‌شود و صدور مدرک دانشنامه اتمام دوره تحصیلات دانشگاهی با سرعت بیشتری برای فارغ‌التحصیلان صادر می‌شود.»

محمدحسین رنجبر، رئیس دانشگاه آزاد استان هرمزگان نیز در این نشست با اشاره به توانمندی این استان در جذب و پذیرش دانشجو گفت: «دانشگاه آزاد اسلامی با تکیه بر توانمندی خود با ۱۴ هزار دانشجوی فعال در واحد بندرعباس و نزدیک به ۳۰ هزار دانشجوی فعال در استان هرمزگان و همچنین ۱۳۰ هزار دانش‌آموخته مسئولیت بیش از نیمی از بار آموزشی استان را برعهده گرفته است و بیش از ۷۰ در صد مدیران، کارشناسان و کارکنان سازمان‌ها، ادارات، موسسات و نهادهای دولتی و غیردولتی دانش‌آموخته این دانشگاه هستند.»

واحدهای دانشگاه آزاد با توجه به شرایط آمایشی دانشکده‌های موضوعی را ایجاد کنند

بیستمین جلسه هیأت‌امنای دانشگاه آزاد استان کهگیلویه‌وبویراحمد با حضور محمد علی‌اکبری معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد و سایر اعضا در واحد یاسوج برگزار شد. علی‌اکبری در این جلسه با تبریک اعیاد شعبانیه و با اشاره به روند جذب دانشجو در دانشگاه آزاد گفت: «با مدیریت دکتر طهرانچی تعداد دانشجویان از ۹۵۰ هزار دانشجو به یک میلیون و ۳۵۰ هزار نفر رسیده است.» وی با تأکید بر توسعه درآمدهای غیرشهریه‌ای در دانشگاه آزاد اظهار کرد: «واحدهای دانشگاهی باید با برنامه‌ریزی، جذب درآمدهای غیرشهریه‌ای را در اولویت قرار دهند.» معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد به سامانه‌ای شدن تمامی امور در این دانشگاه اشاره و تصریح کرد: «حوزه‌های حسابرسی، مالی، آموزش، پژوهش و... در دانشگاه آزاد بسیار شفاف و به‌روز شده است.» علی‌اکبری با اشاره به فعالیت دانشکده‌های موضوع‌محور در دانشگاه آزاد خاطرنشان کرد: «با استفاده از دانشکده‌های موضوعی باید دانشجویان را به سمت رشته‌های جدید و مطابق با شرایط اقتصادی و علمی جامعه هدایت کنیم. واحدهای دانشگاه آزاد نیز باید با توجه به شرایط آمایشی و توانمندی‌های منطقه دانشکده‌های موضوعی را ایجاد کنند.»

«فرهیختگان» از وضعیت مدیریت تکنولوژی در نظام آموزش عالی گزارش می‌دهد

ما رادیان تاخیر فاز داریم

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

دنیای امروز، دنیای فناوری و نوآوری است؛ عصر جدیدی که ربات‌ها جایگزین انسان در بخش‌های مختلف شده و حالا با توسعه هوش مصنوعی، جهان در آستانه انقلابی جدید قرار دارد. انقلابی که پای این حوزه و ربات‌ها را در همه ابعاد زندگی باز خواهد کرد. شاید در وهله اول، زندگی در دنیای متفاوت که یکی از دستاوردهای آن آسان شدن فعالیت‌ها، دقیق‌تر شدن محاسبات و کاهش خطاهای انسانی خواهد بود، جذابیت زیادی داشته باشد، اما واقعیت این است که با توجه به سرعت بالای رشد تکنولوژی امروز، اگر کشوری نتواند به سرعت خود را با واقعیت این روزهای دنیا تطبیق دهد، طبیعتا فاصله زیادی با مسابقه فناوری و نوآوری امروز پیدا می‌کند که شاید جبران آن دیگر کار آسانی نباشد. از این رو مدیریت این حوزه اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. در این میان هماهنگی سرفصل‌های دروس نظام آموزش عالی کشور که بازوی اصلی تربیت نیروی متخصص به شمار می‌رود، با نیاز واقعی میدانی کاری است که متولیان بخش‌های مختلف باید توجه جدی به آن داشته باشد. سرفصل‌هایی که می‌تواند خروجی دانشگاه‌ها را نیروهای نوآور و فناور تربیت کرده و کشور را از حیث نیروی متخصص مورد نیاز این حوزه بیمه کند. در پنل «تحول در برنامه‌های درسی مدیریت فناوری و نوآوری در ایران» پنج تن از فعالان دانشگاهی به همراه مدیر کل برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم به تشریح واقعیت‌های این حوزه و لزوم تغییر در سرفصل‌های درسی پرداختند که در ادامه مشروحی از آن را می‌خوانید.

کیارش فرتاش، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی و مجری:

جامعه مدیریت تکنولوژی و جامعه مدیریت نوآوری به نسبت سن و جمعیتش بالنده شده است؛ با این حال وقتی از دریچه برنامه‌های درسی به آن نگاه می‌کنیم، چند مساله وجود دارد. اولین سوال این است که واقعا تصویر بیرونی رشته ما برای آدمی که یک فارغ‌التحصیل برتر در مقطع لیسانس از نظر آینده کاری و اینکه تحصیل در آن قرار است چه آورده‌ای برای فرد داشته باشد، تا چه میزان جذاب است؟

بنده همیشه در پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری از دانشجویان می‌پرسم که شما با چه انگیزه به مقطع کارشناسی ارشد آمدید؟ یک مساله دیگر اینکه تا چه میزان زنجیره مقاطع دانشگاهی باید در رشته مدیریت تکنولوژی تکمیل شود؟ چراکه امروز مثال‌های نقضی در بحث تکمیل زنجیره مقطع تحصیلی در رشته‌های دانشگاهی داریم. به طور مثال رشته‌هایی مثل MBA اصولا فقط در مقاطع تحصیلات تکمیلی پذیرش دانشجو دارد، درحالی‌که این رشته امروز جزء رشته‌های جذاب و به‌اصطلاح پرمشتری کشور است. البته اینکه تکمیل نبودن این زنجیره بر روی جذاب بودن رشته اثرگذار بوده یا خیر، موضوع قابل بحثی است. به موضوع مدیریت تکنولوژی برگردیم؛ سوال این است که امروز تا چه میزان به صورت جدی و خاص به هوش مصنوعی فکر می‌کنیم؟ این را هم می‌دانیم که این حوزه تا ۱۰ سال آینده خیلی جدی‌تر خواهد بود. مساله دیگر اینکه چقدر تمایزهای دانشگاه‌ها در تربیت نیروی این رشته مدنظر قرار می‌گیرد؟ تا چه میزان برنامه‌های درسی امروز مهارت‌محور بوده و باعث افزایش مهارت دانشجو و در نهایت بالا رفتن اشتغال‌پذیری آنها می‌شود؟ در ابتدا از محمدحسین شجاعی، عضو هیات‌علمی دانشکده مطالعات و فناوری و معاون پژوهشی مرکز پژوهشکده مطالعات فناوری بحث را آغاز می‌کنیم که برای بازنگری سرفصل‌های دروس که حدود دو سالی از ابلاغ آن می‌گذرد، چه اتفاقاتی دنبال شده است.

فرآیند اداری پویایی را از بازنگری سرفصل‌های دروس می‌گیرد

محمدحسین شجاعی، عضو هیات علمی دانشکده مطالعات و فناوری و معاون پژوهشی مرکز پژوهشکده مطالعات فناوری:

همان‌طور که مطلع هستید ما اولین برنامه آموزشی که برای مدیریت تکنولوژی در کشور تصویب کردیم مربوط به سال ۱۳۷۷ بود که با همت سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی در وزارت علوم انجام شد؛ ولی تا سال ۸۰ اقدام عملیاتی روی آن رخ نداد. در سال ۸۰ دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد واحد علوم‌وتحقیقات جزء اولین دانشگاه‌هایی بودند که در مقطع ارشد این برنامه را پیاده‌سازی کرده و عملا آموزش‌های مدیریت تکنولوژی در کشور شروع شد و چهار سال بعد هم این برنامه برای مقطع دکتری آغاز شد. همچنین در سال ۱۴۰۱ برنامه جدید این حوزه را تصویب کردیم که در مقطع ارشد سه گرایش همکاری و انتقال فناوری، گرایش نوآوری و کسب و کارهای فناورانه را شامل می‌شد، در مقطع دکتری هم یک رشته تحت عنوان مدیریت فناوری تصویب کرده‌ایم.

حالا اگر بخواهیم روند طی‌شده در موضوع بازنگری را بازخوانی کنیم، باید بگویم سال ۱۳۹۳ ایده‌ای توسط انجمن مدیریت مدیریت فناوری و نوآوری مطرح و اجلاسی تحت عنوان نشست مدرسان مدیریت تکنولوژی با حضور اساتید مختلف از دانشگاه‌ها برگزار شد که طی آن درباره اینکه سرفصل‌های آموزشی شامل چه محورهایی بوده، دروس چه خلائی داشته و در مقابل نیاز صنعت و دولت چیست، تبادل نظر شد. نشست دوم در سال ۱۳۹۵ و اگر اشتباه نکنم به همت شاخه دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد و در نهایت طی همین دو جلسه و رفت‌وآمدهایی که با این انجمن صورت گرفت، تیمی تحت عنوان تیم بازنگری برنامه آموزشی به صورت متمرکز این حوزه در انجمن فعال شد، در نهایت در سال ۹۷ تلاش‌های این تیم باعث برگزاری اولین جلسه کارگروه مدیریت شورای تحول و ارتقای علوم انسانی شد. اینها را گفتم تا توجه‌تان را به مسیری که طی شده، جلب کنم.

در اولین قدم تغییراتی در رشته مدیریت صورت گرفت؛ چراکه اعلام شد همه رشته‌های مدیریت باید یک سرفصل‌های مشترکی داشته باشند و به همین دلیل به صورت اجباری یک سرفصل درسی به برنامه درسی اضافه شد که البته برای آن مجبور بودیم بعضی از سرفصل‌هایی که دوستان انجمن روی آن توافق کرده بودند؛ حذف کنیم. این موضوع دنبال شد تا در سال ۱۴۰۰ این موضوع در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و از مهر ۱۴۰۱ برای اجرا به مدت پنج سال ابلاغ شد. موضوع مهم اینکه همه می‌دانید این رشته دائم در حال تغییر است ولی فرآیندهای اداری باعث می‌شود که پویایی لازم در این حوزه رخ ندهد.

آن زمان ما ایده‌مان این بود که دانشجو حتی بتواند خودش انتخاب دروس را داشته باشد، درحالی که این انتخاب امروز محدود به انتخاب خود دانشگاه است. یعنی این دانشگاه است که به تشخیص دانشکده، یک سری دروس را در اختیار دانشجو می‌گذارد که این اتفاق نیفتد.

در کارشناسی ارشد شاهد عدم تجانس دروس امتحانی با رشته تحصیلی هستیم

آرنوش شاکری، عضو هیات علمی واحد علوم‌وتحقیقات و عضو هیات مدیره انجمن فناوری و نوآوری:

صحبت‌هایم را در دو سرفصل ارائه خواهم کرد. اول اینکه بخشی از مسائل مربوط به مشکلاتی است که باید اسم آن را قبل از ورود به دوره گذاشت؛ چراکه این مشکلات شاید مستقیما به بحث سیلابس‌های درسی مدیریت تکنولوژی مرتبط نباشد، اما بر روی کیفیت فرآیند آموزشی که در دانشگاه‌های طی می‌شود، تاثیر می‌گذارد. در اینجا باید از فرصت حضور آقای نقی‌زاده استفاده کنم و نکاتی را بگویم که شاید همه آن هم به وزارت علوم برنگردد. اگر دفترچه ثبت‌نام کارشناسی ارشد را برای سال ۱۴۰۲ نگاه کنید، می‌بینید ذیل کد ۱۱۴۲ که مجموعه مدیریت است، مدیریت فناوری با سه گرایش تعریف شده که ضرایب دروس مختلف هم در این دفترچه قید شده که بر اساس آن عناوین دروس امتحانی زبان عمومی،

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

نیمکت

تلاش برای افزایش سقف بودجه آموزش عالی

بیست‌وششمین نشست مجمع پژوهشگاه‌های ملی کشور با حضور غلامرضا خواجه‌سروی، رئیس امور آموزش سازمان برنامه و بودجه، علی‌باقر طاهری‌نیا، دبیر مجمع و روسای پژوهشگاه‌های عضو در محل سالن فجر سازمان برنامه و بودجه برگزار شد. خواجه‌سروی در این نشست گفت: «اساس کارکرد سازمان برنامه و بودجه کمک به پیشرفت کشور در زمینه‌های مادی و معنوی است؛ یعنی همان مفهومی که مقام‌معظم‌رهبری در بیانات خود اعلام می‌کنند.» وی ادامه داد: «وظیفه سازمان، برنامه‌ریزی برای پیشرفت مادی و معنوی کشور و نظارت بر حسن اجرای این موارد است.» خواجه‌سروی افزود: «توقع از اتاق‌های فکر نظام اسلامی این است که برای تحقق پیشرفت کشور مشارکت فعال داشته باشند و از روزمرگی فاصله بگیرند. استفاده از ظرفیت مجمع پژوهشگاه‌های ملی کشور یکی از موضوعاتی است که حتما در سازمان مورد توجه قرار می‌گیرد.» این مسئول سازمان برنامه و بودجه همچنین بر افزایش سقف بودجه آموزش عالی از بودجه کل کشور تاکید کرد.

تمایل برای درس خواندن افت پیدا کرده است

محمدعلی زلفی‌گل، وزیر علوم گفت: «کسی که دانش دارد، با شخصی که تخصص معلمی دارد فرق می‌کند؛ در نتیجه دانشگاه فرهنگیان باید چتر خود را باز کند. شاید در آینده لازم شود برای افرادی که می‌خواهند وارد دانشگاه شوند، دوره‌های آموزشی حرفه استادی و معلمی برگزار شود که باید دانشگاه فرهنگیان به ما کمک کند و از ظرفیت آن استفاده کنیم.» زلفی‌گل بر تصمیم‌گیری با استفاده از نظرات جمعی برای رفع مشکلات تاکید و اظهار کرد: «دانشگاه فرهنگیان بایستی با حساب و کتاب رشد کند، زیرا مهارت‌محور است. دانشگاه فرهنگیان باید به گونه‌ای رشد پیدا کند که علوم انسانی و علوم پایه آسیب نبینند. در علوم پایه مانند ریاضی و فیزیک تمایل برای درس خواندن افت پیدا کرده و این مساله فاجعه است.» وزیر علوم، تاکید کرد: «دانشگاه فرهنگیان باید با وزارت علوم برای رشته علوم‌پایه وارد تفاهم شوند، زیرا علوم‌پایه در حال نابودی است. مقام‌معظم‌رهبری فرمودند «علوم‌پایه معدن است»، من درخواست می‌کنم نسبت به این مساله حساس باشید و شمع علوم پایه را روشن نگه دارید تا آسیبی وارد نشود.»

تعیین سرانه تغذیه دانشجویان علوم پزشکی

احد بنار، مدیرکل دانشجویی وزارت بهداشت در گفت‌وگو با مهر افزود: «با توجه به اینکه ارائه سهم دانشجو در هزینه تغذیه در لایحه برنامه هفتم توسعه رد شده است، با سازمان برنامه و بودجه محاسبات لازم انجام شده است تا بتوانیم سرانه تغذیه‌ای که در دانشگاه‌های علوم پزشکی هزینه می‌شود را استخراج کنیم.» او با اشاره به تعیین سرانه تغذیه دانشجویان علوم پزشکی با همکاری سازمان برنامه و بودجه گفت: «می‌خواهیم غذاهای سبز و چند منویی را در دانشگاه‌ها فعال کنیم.» بنار گفت: «متوسط هزینه‌کرد وزارت بهداشت برای هر دانشجوی خوابگاهی که سه وعده غذایی مصرف دارد حدود ۲۰۰ هزار تومان است که این میزان برای تک‌وعده‌ای‌ها که ۱۰۰ تا ۱۰۵ هزار دانشجو را شامل می‌شوند حدود ۱۰۰ هزار تومان هزینه می‌شود.» وی افزود: «با توجه به هزینه‌ای که برای سرانه غذای دانشجویان علوم پزشکی صورت می‌گیرد دانشگاه‌های وزارت بهداشت ۸.۷ همت یا ۸ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان سالانه برای غذای دانشجویی هزینه می‌کنند. از این میزان ۴.۷ همت برای دانشجویان خوابگاهی و حدود ۴ همت برای غیرخوابگاهی‌ها هزینه می‌شود.»

ادامه در صفحه ۵

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، ریاضی و آمار، تئوری‌های مدیریت و اقتصاد خرد و کلان است که به ترتیب ضریب ۳، ۲، ۲، ۳ و ۲ را دارد بعد از آنها دروس تحقیقات در عملیات و مدیریت تولید است. فارغ از اینکه گرایش‌هایی که ما در کارشناسی ارشد داریم چیست؟ در درس‌ها عملا درس مرتبطی با حوزه تکنولوژی وجود ندارد. درست است که دکتر فرتاش اشاره کردند در این رشته مقطع لیسانس نداریم و این مهم جای بحث دارد که اصلا بودن یا نبودن مقطع لیسانس چه فرصت و چه تهدیدهایی دارد، ولی اجالتا می‌بینیم برای کسی که می‌خواهد وارد مقطع کارشناسی ارشد این رشته شود، در دانشگاه‌ها با دروسی آشنا می‌شوند که قبلا درباره آنها نخوانده بود و این یک ضعف است. مشخصا ما در زمینه برنامه‌ریزی برای آزمون‌های مربوط به کارشناسی ارشد این عدم تجانس را به وضوح می‌توانیم ببینیم.

مساله بعدی عدم همخوانی برنامه‌های وزارت علوم با دفترچه آزمون در مقطع دکتری است؛ یعنی عملا بین ارشد و دکتری یک ناهمگونی دیده می‌شود. به عنوان مثال سیاستگذاری علم و فناوری در دفترچه کارشناسی ارشد ذیل مدیریت دولتی تعریف شده ولی در دکتری ذیل مدیریت فناوری است که عملا دو تا گروه کاملا متفاوت از یکدیگر هستند. یا به طور مثال در دفترچه ثبت‌نام آزمون ما گرایش کسب و کار فناورانه را داریم اما در دفترچه انتخاب رشته اصلا ظرفیتی برای آن وجود ندارد و اینها اشکالاتی است که بین دفترچه‌های کنکور ارشد و دکتری وجود دارد و باعث سرگردانی افراد می‌شود. همچنین بین دانشگاه آزاد با سراسری هم در رشته‌های دکتری شاهد عدم هماهنگی هستیم؛ درست است که مجموعه مدیریتی دانشگاه آزاد با مجموعه مدیریتی دانشگاه سراسری تفاوت دارد ولی وقتی ما به جامعه مدیریت تکنولوژی فکر می‌کنیم این ناهمگونی اصلا پذیرفته نیست. این در حالی قابل پذیرش است که ما بخواهیم کاملا دانشگاه را در حوزه پذیرش دکتری خودمختار کنیم که به شخصه موافق آن هستم، ولی وقتی این‌طور نیست باید همخوانی را در میان همه دانشگاه‌ها شاهد باشی که عملا این‌گونه نیست.

مدیریت تکنولوژی می‌تواند سرآغاز تحول سایر رشته‌ها باشد

رضا نقی‌زاده، مدیرکل برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم:

یک سال و نیم تقریبا اصرار می‌کنم روی این مساله کلونی رشته مدیریت فناوری در کشور دچار اشکال است. در اینجا باید بگویم که اولا رشته مدیریت تکنولوژی و ام‌بی‌ای چطوری ایجاد شدند؟ درباره این مساله بنده جمع‌بندی مطالعات خودم را می‌گویم، هرچند شاید هم درست نباشد؛ چراکه نقطه نظرات متفاوت است. اولا اینکه هر دو رشته عمدتا از ایالات متحده آمده‌اند. مساله آنها این بود که می‌خواستند هم به مدیران صنعت را یاد بدهند هم به مهندسی‌ها مدیریت را آموزش بدهند، در همین راستا دانشگاهی مانند ام‌آی‌تی به حوزه ورود کرد و به مدیران صنعتی که عمدتا مهندس بودند، در مقاطع کوتاه، مباحث مدیریتی را آموزش داد و رشته مدیریت تکنولوژی وام‌بی‌ای و... زاییده این تفکر بود. از این بگذریم باید بگویم کارکرد برخی رشته‌ها را در مقطع کارشناسی ارشد شخصا متوجه نمی‌شوم، یعنی نمی‌دانم کارکرد رشته سیاستگذاری علم و فناوری در مقطع کارشناسی ارشد چیست؛ چراکه مگر چند تا پست در این حوزه داریم و اصلا چه میزان نیروی انسانی در این رشته و این مقطع می‌خواهیم تربیت کنیم.

در حوزه مدیریت دولتی هم همین سوال را دارم. مگر دولت چقدر نیرو در این سطح می‌خواهد؟ این وظیفه انجمن علمی است که در این حوزه‌ها ورود کند و تعادل را ایجاد کند. سوال اصلی این است که رشته کشاورزی یا برق ما چطور دچار آسیب شد؟ قطعا وقتی شما یک رشته‌ای داشته باشید که ۶۰-۵۰ درصد فارغ‌التحصیلان آن بیکار باشند، طبیعتا ورودی آن رشته ضعیف و در نتیجه کیفیت رشته کاهش پیدا می‌کند. عملا وقتی دانشجویی را با نمره صفر مرتبط با این رشته پذیرش می‌کنی، نمی‌توانی بعدا آن را به این دلیل بیندازی، چراکه به دلیل کیفیت پایین باید همه یک کلاس را انداخت و اصلا مگر می‌شود در یک دانشگاه دانشجویان یک کلاس را انداخت؟ این امکان‌پذیر نیست. پس ما احتیاج داریم در انجمن مدیریت فناوری و نوآوری، گروه‌های مختلف را جمع کنیم تا جلوی عطش‌های بی‌رویه به این حوزه را بگیریم.

نکته دوم هم که اساسی‌تر است، اینکه من فکر می‌کنم رشته‌مان کهنه شده و با بازنگری مساله‌اش حل نمی‌شود، یعنی احساس می‌کنم و حتی وقتی به سایت‌های مختلف سر می‌زنم، می‌بینم رشته‌مان کهنه شده است. با وجود اینکه کانادا دانشگاه‌های ما را در ۱۱ رشته فناوری پیشرفته انرژی، مواد و تولید پیشرفته، تکنولوژی پیشرفته حسگری و نظارت، فناوری هوافضا و ماهواره، هوش مصنوعی و تکنولوژی داده‌های بزرگ، ادغام و ماشین، تکنولوژی علوم سرآمد، علم و تکنولوژی کوآنتوم، رباتیک و سامانه خودرو، تحریم کرده است، اما سوالم این است که ما در بحث مدیریت تکنولوژی برای این مباحث چه اقدامی انجام داده‌ایم؟ معتقدم در گام اول باید خودمان را از گروه مدیریت جدا کنیم؛ چراکه این یک اشتباه راهبردی است. هرچند عنوان مدیریت داریم، اما جنس ما مدیریت منابع انسانی و بازرگانی نیست، بلکه جنس‌مان مدیریت فنی است و یک مقوله بین‌رشته‌ای هستیم که اتفاقا باید به حوزه فنی نزدیک‌تر باشیم. در حالی که می‌بینیم سیلابس درسی این حوزه بیشتر مدیریت است تا تکنولوژی. اگر با این مدل پیش برویم ما احتمالا یک رشته مدیریت شویم که گرایش تکنولوژی دارد و عملا تکنولوژی در این رشته کمرنگ می‌شود.

امروز ما یک فرصت استثنایی داریم و تا زمانی که بنده در این سمت هستم، می‌توانم این گرایش را از تله مدیریت بیرون بیاوریم و البته اینکه بخواهیم بخش‌های مختلف تکنولوژی را از حالت فعلی در بیاوریم، وظیفه انجمن است. واقعیت این است که آموزش عالی ۱۰ سال آینده اصلا نمی‌تواند مانند امروز باشد؛ چراکه ما با یک آموزش عالی جهانی روبه‌رو خواهیم بود؛ نقش اساتید و انتقال محتوا، به طور کلی متفاوت خواهد شد و در این میان رشته مدیریت تکنولوژی می‌تواند سرآغاز تحول برای سایر رشته‌های آموزشی باشد. ما الان در شورای عالی برنامه‌ریزی با پیگیری مستقیم بنده این مهم را برای کل رشته‌ها اجباری کرده‌ایم که درس عمومی اختیاری هوش مصنوعی و تحول دیجیتال در تمام رشته‌ها ارائه شود. البته امروز این مهم را اختیاری کرده‌ایم؛ چراکه برخی از دانشگاه‌ها توان برگزاری آن را ندارند. اما این کارها کافی نیست و نیاز به یک‌سری گروه‌ها مانند همین انجمن مدیریت تکنولوژی و نوآوری داریم تا کارهای بزرگ کنند.

نمی‌توان تنها با اصلاح سیلابس‌ها درسی وضعیت را تغییر داد

مهدی گودرزی، عضو هیات‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس مرکز رشد و کارآفرینی دانشگاه:

نگاهی که من در این بحث دارم بحث فرآیندی است. یک بخش ورودی این رشته است که دکتر شاکری دقیق صحبت کردند که اولا ورودی به این رشته وضعیتش چه طوری است و می‌تواند چطور باشد. یک بحث هم، فرآیند و طرح درس است. دکتر شجاعی به نوعی درباره محتوای جدیدی که دو سال است تولید شده، صحبت کرد. نکته دیگر بحث خروجی دانشگاه است، اینکه دانشجویی مدرک گرفت، قرار است چگونه جذب بازار کار شود؟ موضوع دیگر اینکه ارزیابی گرفتن از این حوزه‌ها برعهده کیست؟ آیا یک انجمن علمی می‌تواند این حوزه را ارزیابی و کنترل کیفیت کند؟ قطعا دانشکده‌ای که یک استاد متخصص این حوزه را ندارد وقتی دانشجویی در این حوزه تربیت کرده عملا هم به خود دانشگاه ظلم می‌کند و هم به آن بندگان خدایی که به‌عنوان دانشجو به آنجا می‌روند. بنده ترجیح می‌دهم در این حوزه یک‌سری سوال مطرح کنم که برای به پاسخ رسیدن نیاز داریم تا درباره آن با هم بحث کنیم. نکته‌ای که دکتر نقی‌زاده مطرح کردند کاملا درست است. یک بحث در دانشکده ما مطرح شد تحت عنوان تدوین استراتژی. بعد به رئیس دانشکده گفتم اینکه ما می‌خواهیم علم مدیریت را پیش ببریم یا مدیر پرورش دهیم؟ این دو تا چیز کاملا مجزاست، البته می‌تواند مکمل هم باشد. یعنی وظیفه من در آن دانشکده این است که یک مدیر خوب پرورش بدهم که برود یک بنگاه یا یک بخش دولتی را اداره کند یا اینکه وظیفه‌ام این نیست و باید یک‌سری مفاهیم را به این دانشجو آموزش بدهم و دیگر کار و شغلش هم به من هیچ ربطی ندارد؟ متاسفانه این مساله هنوز حل نشده است. برای اینکه اهمیت این موضوع را ببینید، یک مثال بزنم. چند سال پیش یکی از اساتید ایرانی یکی از دانشگاه‌های آمریکا آمده بود دانشگاه ما که خودش هم رئیس یک دانشکده‌ای در کشور آمریکا بود که در حوزه بیزینس اسکول فعالیت می‌کرد. از او دعوت کردیم تا به دانشکده آمده و سخنرانی برایمان داشته باشد. او بحث جالبی برای ما کرد مبنی بر اینکه چطور به دانشجوی ترم یک ۱۸ ساله آموزش می‌دهند. او عنوان کرده بود در ابتدا دانشجویان را به چند گروه تقسیم می‌کنیم. درحالی‌که هنوز هیچ اطلاعاتی از بیزینس و کسب‌وکار ندارد، ۵۰۰۰ دلار در اختیارشان قرار می‌دهیم و می‌گوییم شما باید بروید شرکت ثبت کنید، درحالی‌که این دانشجو هنوز نمی‌داند شرکت چیست اما به او پول می‌دهیم تا در گام اول شرکت ثبت کند. بعد از آن به او می‌گوییم که باید مدیر توسعه محصول، مدیر مالی و مدیرعامل شرکت را مشخص کرده و یک محصول هم در آخر طراحی کنند و گزارش بدهند که با این پول ورشکست شده یا خیر. حالا ما در کشور دوستانی داریم که تا دکتری درس می‌خواند اصلا نمی‌داند اساسنامه یعنی چه، نمی‌داند مسائل مدیریتی یعنی چه، اصلا حسابداری و بحث مالی چیست؟ حالا آمده دکتری مدیریت تکنولوژی یا مدیریت دولتی هم می‌خواند. می‌خواهم عرض کنم اساسا این یک مساله کلیدی است که ما قرار است مهارت را توسعه بدهیم یا علم مدیریت را؟ باید تکلیف این مشخص شود. تا تکلیفش مشخص نشده، مساله‌ای حل نمی‌شود.

یکی از موضوعاتی که باید به آن توجه شود اینکه اشتغال در حوزه علوم پزشکی خوب است. با این حال بنده خبر دارم که بحث رشته مدیریت تکنولوژی جزء ساختار وظیفه‌ای وزارت بهداشت قرار نگرفته است. معتقدم باید این کار را کرد و اینکه وظیفه چه کسی است که این رشته را در ساختار وزارت بهداشت نهادینه کند، نمی‌دانم. آیا انجمن باید این مسیر را هموار کند یا من استاد دانشگاه یا دکتر نقی‌زاده باید برود با آنها لابی کند. نکته آخرم این دوگانه‌ای است که اینجا مطرح شد که آیا ما به سمت بحث‌های مهندسی برویم یا بحث‌های مدیریتی؟ مساله اصلی این است که باید درباره همه این موضوعات فکر شود و این‌طور نیست که بگوییم تنها یک طرف این حوزه را درست می‌کنیم، یعنی تنها سیلابس و طرح درس را باید اصلاح کنیم. البته ما این کار را کرده‌ایم و در این مهم دیگر ایراد از خود ماست که سیستمی نگاه نکردیم، درحالی‌که باید کل مجموعه را ببینیم.

بخش خصوصی هیچ‌گاه در بازنگری دروس نقشی نداشته است

کامران باقری، فارغ‌التحصیل مدیریت نوآوری و مالکیت فکری دانشگاه سانتانو ایتالیا و عضو هیات‌مدیره انجمن مدیریت فناوری ایران:

من تخصصم مدیریت نوآوری و مالکیت فکری بود، سالیان سال و هنوز هم هست. عضو هیات علمی هم بودم. دوستی داشتم که ایشان در صنعت خودرو مدیرعامل نگین خودرو بود که می‌شود نمایندگی رنو در ایران. در اوج دوره‌ای که رنو در ایران خیلی طرفدار داشت من را به دفترش دعوت کرد و گفت بیا اینجا مدیر مارکتینگ شو. برای من خیلی عجیب بود چون در صنعت خودرو کار نکرده بودم و رشته‌ام مارکتینگ نبود و می‌گفتم من که بلد نیستم. من مدیریت نوآوری بلدم. درنهایت قبول کردم و برای همان از هیات‌علمی بودن استعفا داده و چندین سال در صنعت خودرو مدیر مارکتینگ دو برند نیسان و رنو در ایران بودم. حضورم در این بخش نگاهم را به رشته خودمان تغییر داد. انگار که برای خودمان یک زمین بازی درست کردیم فارغ از واقعیت. برداشت خودم را می‌گویم شاید اشتباه باشد. در صورتی که قرار بوده فارغ‌التحصیلان رشته ما به نوآوری در مارکتینگ کمک کنند، به نوآوری در امور مالی و تکنولوژی کمک کنند، ولی ما اصلا این را به یک زمین بازی تبدیل کردیم و دیوار دورش کشیدیم. علی‌رغم اینکه در دانشگاه درس می‌دهم ولی الان می‌خواهم با کلاه صنعت صحبت کنم. من در فناب مدیرعامل یک مجموعه هستم و مشاور مدیرعامل هلدینگ که نزدیک به ۶، ۷ هزار نفر از بچه‌های خوب این کشور آنجا کار می‌کنند. در شرکت‌های دیگر هم فکر کنم یکی دو هزار نفر باز از همین تیپ بچه‌ها هستند که من با آنها کار می‌کنم. ما الان مصاحبه می‌کنیم نیرو می‌گیریم، یعنی عملا مدرک دانشگاهی فرد برای ما مهم نیست که کجا درس خوانده و حتی مهم نیست که اصلا مدرک دانشگاهی دارد یا خیر. می‌خواهم بگویم ممکن است اگر اقدامی نکنید شما بزرگواران چون ریش و قیچی کم و بیش دست‌تان است، این رشته تا ۲۰ سال دیگر بماند ولی دنیا از کنار شما گذشته و رفته است. یعنی ممکن است سه سال دیگر هم این رشته باشد و اساتیدش هم سر کلاس خوشحال می‌روند و می‌آیند ولی دنیا اصلا آن سمتی که ما در دانشگاه تدریس می‌کنیم، نرفته باشد بلکه مسیر دیگری را دنبال کند. البته ضرورتا اینکه دنیا از ما می‌گذرد به این معنی نیست که رشته تعطیل شود، نه ممکن است ۱۰ سال دیگر هم باشد. مساله مهم اینکه وقتی به لیست افرادی که در بازنگری دروس شرکت داشتند، نگاه کردم دیدم حتی یک نفر هم از بخش خصوصی در آن وجود ندارد. مگر می‌شود حتی یک نفر را هم از حوزه بیزینس نداشته باشیم؟ ۲۰ دانشگاه، ۲۰ استاد دانشگاه، فرض کنید به نمایندگی از این دانشگاه‌ها آمدند در جلسات شما درباره سرفصل تصمیم گرفتند و بستید و رفته است. پس من بخش خصوصی چه می‌شوم؟ موضوع بعدی این است که امروز دانشگاه تبدیل به چیزی شده که اصلا راه به صنعت نمی‌دهد. اصلا مدیر صنعتی را قبول ندارد. مدیری که در بیزینس موفق است را قبول ندارد. درحالی‌که این فرد یک سازمان چند هزار نفری را در همین کشور با همه سختی‌های کسب‌وکار مدیریت می‌کند. شروع همین ترم در دانشگاه تهران دانشکده برق و الکترونیک اگر اشتباه نکنم دعوت کرده بودند از آقای دکتر جوانمردی، مدیرعامل فناب که در مراسم آشنایی با بچه‌های جدید صحبت کند و بعد ایشان یک مشکلی برایش پیش آمد. شب قبلش به من زنگ زد که کامران جای من برو. من رسیدم امیرآباد. آدرس را هم بلد بودم. نزدیک درب زنگ زدم به رئیس گروه که من الان اینجا هستم باید چه طوری داخل بیایم هماهنگ شده یا خیر. گفت راستش باید از سه روز قبل هماهنگ می‌کردید و الان نمی‌توانم ولی برو دم در ببین راهت می‌دهند یا خیر. خدا شاهد است، من رفتم دم در. نگهبان گفت که خانم دکتر هنوز نمی‌داند اینجا چه طوری کار می‌کند و نمی‌توانم راهت بدهم. هرچند درنهایت به دلیل آشنا بودن فرد توانستم وارد شوم اما واقعیت این است که ما در دانشگاه، صنعت را در این حد قبول داریم و نظرش را می‌پرسیم. عرضم را خلاصه کنم. سوال این است که نه در حد کسب‌وکار، بلکه در سیاستگذاری و سیاست‌پژوهی دیتامان کجاست؟ این همه دوستان به لایه سیاستگذاری و سیاست‌پژوهی رفتند و از فارغ‌التحصیلان این رشته کار می‌کنند. آیا آموزه‌های این رشته به دردشان خورده است؟ الان از آنها استفاده می‌کنند؟ پیشنهادشان چیست؟ حتی وقتی می‌خواهیم بازنگری هم کنیم مبتنی‌بر دیتا بازنگری نمی‌کنیم. در کسب‌وکار هم همین‌طور است. آن تصمیم‌گیری و اصلاح مبتنی‌بر دیتا را به نظرم باید خیلی جدی و صریح بگیریم؛ چراکه دنیا منتظر ما نمی‌ماند.

مجری: قلب دعوای چین و آمریکاست.

باقری: فکر می‌کنم شاید مدلی که باید به آن فکر کنیم، مدلی است که صددرصد با قالب‌های سختی که الان ما در دانشگاه و وزارت علوم برای موضوع مدیریت تکنولوژی بنیان گذاشتیم همخوانی ندارد و البته اجرای آن جسارت زیادی هم می‌خواد.

نیاز داریم تا رشته‌هایمان را فنی‌تر دنبال کنیم

شجاعی: من باز اجازه شما چون وقت کم است یکی دو تا نکته را مرتبط با فرمایشات بزرگواران عرض کنم. یک نکته اینکه با توجه به فرمایشات اساتید، یک ضرورت این است که ما به سمت فناوری‌های جدید برویم و رشته‌مان را فنی‌تر کنیم ولی این سوال مهم که دکتر گودرزی هم مطرح کردند که آیا با این سرفصل‌ها و ساختار آموزشی امکانش هست یا خیر، به نظر می‌آید غیر از بحث محتوای آموزشی که بحث امروز ماست در ساختارها هم باید تغییر ایجاد کنیم. از ظرفیت وجود دکتر نقی‌زاده هم استفاده کنیم. مثلا در بحث دکتری صنعتی که در دنیا هم مطرح است، باید یک پژوهش مشخص، یک فناوری مشخص با مساله‌ای که از جانب صنعت می‌آید را داشته باشیم و دانشگاه بتواند در آن مشارکت کند. یعنی باید دانشگاه دانشجویانش را وارد میدان کرده، تامین هزینه‌ها صورت بگیرد و حتی دولت هم در برخی موارد آن ورود کند تا کار جلو برود. درحقیقت چنین انعطاف‌هایی لازم است. به هر حال یک مسیر تعریف ساختارهای جدید آموزشی است. یکی دیگر هم بحث دوره‌های غیررسمی است مثل summer schoolها که البته باز دانشگاه‌ها باید روی این حوزه کار کنند و در این حوزه اقداماتی مثل کمپ‌های کارآفرینی که تجربه‌هایش در دنیا هم وجود دارد را در کشور داشته باشیم. اینها می‌تواند کمک کند که یک مقدار از این ساختار رسمی که داریم و به آن خو کردیم خارج شویم و تجربه‌های جدیدی کنیم. در انجمن هم به نظر می‌آید گفت‌وگوی ما با همدیگر، گفت‌وگوی ما با صنعت، با دولت و نشست‌های مدرسان مدیریت تکنولوژی و گفت‌وگو با هم، حتی نشست انجمن‌های مرتبط کارآفرینی و آینده‌پژوهی انجمن‌هایی که داریم، می‌توانند هم‌افزایی ایجاد کنند. من به همین دو نکته بسنده می‌کنم.

باید طرح تا تصویب بازنگری دروس در کمترین زمان رخ دهد

شاکری: یکی و دو نکته را عرض می‌کنم خیلی تفاوت هم ندارد با فرمایشات دوستان. یکی اینکه بحث صنعت است. قطعا در بازنگری دوره‌هایی مثل مدیریت تکنولوژی لازم است و امیدوارم در وزارت علوم فکری برای حضور صنعت در بازنگری شود و در آینده این اتفاق را شاهد باشیم. موضوعی که باید به آن اشاره کنم، اینکه بنده در دانشگاه حقوق و قراردادهای انتقال تکنولوژی درس می‌دهم. برای یکی از درس‌ها اگر من قرارداد نبسته باشم چه طور می‌خواهم این را درس بدهم؟ چه شکلی می‌خواهم بگویم در قرارداد، انتقال تکنولوژی مهم است اگر خودم این کار را انجام نداده باشم؟ باید به این مساله اشاره کنم که تحقیق خوبی را دکتر شجاعی انجام داده بودند. ۱۰، ۱۲ دانشگاه را بررسی کرده بودند که در آنها گرایش معنی ندارد ولی حوزه تمرکز داشتند. بگذارید این مهم را با یک مثال توضیح دهم. مثلا شما دکتری مدیریت تکنولوژی می‌گیری در صنعت نفت و گاز، دکتری تکنولوژی در حوزه پزشکی می‌گیری، بعد این آدم وقتی فارغ‌التحصیل می‌شود می‌تواند در آن صنعت دردی را دوا کند. اما وضعیت در کشور ما این‌طور نیست؛ چراکه مثلا نگاه کنید مدیری که ۱۵ یا ۲۰ سال در یکی از بخش‌های صنعتی مدیریت کرده و حالا دیگر مفهوم و کانسپت ذهنی او شکل گرفته، عملا به دلیل نوع مدیریتش، به هیچ ایده نوآورانه‌ای اجازه نمی‌دهد که وارد شود و کاری را به او بسپارد. آن طرف دانشجوی فارغ‌التحصیل مدیریت تکنولوژی هم آن دانشی را ندارد که به این مدیر بتواند اثبات کند که این ایده من به نتیجه می‌رسد و دردی را از این صنعت دوا می‌کند. در پایان هم باید دو نکته عرض کنم. اینکه امروز سرعت تغییر تکنولوژی بسیار زیاد شده و اگر از زمانی که بازنگری یک درس را استارت می‌زنیم تا زمان تصویب آن ۹ سال زمان ببرد، عملا فایده‌ای نخواهد نداشت. امیدواریم که وزارت علوم برنامه‌های زمانی کوتاه مثلا سیلابس رشته‌ای مثل مدیریت تکنولوژی را الزام کند که هر دو سال یکبار بازنگری شود و متولی برایش بگذارد و حتما در بازنگری‌اش از متخصصان صنعت استفاده کند.

وزارت علوم برنامه درسی نمی‌نویسد

نقی‌زاده: نکته اولی که باید به آن اشاره کنم اینکه مگر وزارت علوم برنامه درسی می‌نویسد؟ مگر نقی‌زاده می‌نویسد؟ این‌طور نیست و قطعا این کار را شما انجمنی‌ها باید انجام دهید. درحالی‌که امروز وضعیت برعکس شده و من باید بگویم آقای آرنوش، شما در هیات‌مدیره انجمن نشستی هوش مصنوعی در حال فتح دنیا است. حالا شما چه پیشنهادی برای من مدیرکل در وزارت علوم در راستای تقویت این حوزه داری؟ حتی من خودم پیشنهاداتی را به شما اعلام می‌کنم. درحالی‌که بنده از وزارت علوم به همه انجمن‌های سطح الف نامه مستقیم زدم که پیشنهادات‌شان را بفرستند. واقعیت این است که هوش مصنوعی دارد از روی ما رد می‌شود. بنده این مسائل را از شما مطالبه می‌کنم اما واقعیت اینکه، مشخص نیست بنده تا چه زمانی در این سمت قرار دارم. انجمن باید طرح روی میز بگذارد. اصلا من نمی‌فهمم کسی که فارغ‌التحصیل می‌شود و هوش مصنوعی ندارد می‌خواهد چه کار کند. من چون دوزیست هستم، یعنی هم بخش خصوصی هستم و هم دولتی، می‌گویم که متاسفانه بنده متوجه نمی‌شوم که می‌خواهند در کسب‌وکار چه کاری انجام دهند. رشته سیاستگذاری که مساله‌اش بیشتر و پیچیده‌تر است. اولا چند درخواست ویژه دارم. عناوین رشته جدید بیاورید، روی همین ۱۱ حوزه راهبردی بلافاصله تصویب می‌کنم. کمتر از سه ماه با رویکرد برنامه‌محوری که خود دکتر فرتاش گفتند. مجوزش هم یکم مهر ۱۴۰۳ به همه دانشگاه‌هایی که فعال باشند می‌دهیم، البته قرار است کنسرسیومی هم در این زمینه تشکیل دهیم. ولی سوال این است که چه کار می‌کنید برای هوش مصنوعی. بین فنی، تکنیکال و تکنولوژی فرق است اینها با هم قاطی نشود؛ چراکه تکنولوژی خودش ماهیت‌هایی دارد. خودش مساله است. اینکه کانادا می‌آید در این ۱۱ رشته ما را تحریم می‌کند معنی دارد. چرا نیامده روی فلان رشته ساده ما را تحریم کند؟ چرا روی اینها ما را تحریم کرده؟ وقتی ما جزء این رشته‌های تحریمی نیستیم باید از خودمان بپرسیم چرا نیستیم. این رشته‌ها رشته‌های راهبردی است. آیا ما به راهبرد گره خورده‌ایم؟ البته بنده نقص‌های وزارت علوم را هم می‌پذیریم، با این حال می‌گویم شما پیشنهادتان را بیاورید، ما آن را تصویب می‌کنیم.

مساله مهمی که باید مدنظر قرار دهیم، اینکه ما همه مباحث را به سمت تربیت مدیر سوق دادیم، درحالی‌که اصلا هدف این نبود بلکه می‌خواستیم تکنولوژی را مدیریت کنیم و امروز هم باید این حوزه را اصلاح کنیم. ما آمادگی کامل داریم که سریع کارگروه را تشکیل دهیم. من خودم هم شخصا در آن کارگروه حضور دارم تا به سرعت به جمع‌بندی رسیده و به نتیجه برسیم. در مورد ورودی‌ها و اینکه در کدام حوزه امتحانی باشند، آن هم اگر خواستید اصلاحیه‌ای بدهید. انجمن بدهد تا به سرعت آن را به طرح تبدیل کنیم. فقط من نکته آخر را بگویم. این نکته‌ای هم که آقای باقری گفت این رشته، رشته تاپی است و باید در آن استعدادهای درخشان جذب کنیم. یک مشکل قانونی هم داریم و آن قانون کنکور است که مصوب مجلس است. ما نمی‌توانیم آزمون اختصاصی بگیریم و تنها ظرفیت بدون کنکور را در اختیار داریم که به استعداد درخشان اختصاص دارد. البته معتقدم کار دیگری هم می‌توان کرد و آن هم اینکه بحث ارشد پیوسته و دکتری مستقیم و دکتری حرفه‌ای است. ارشد پیوسته یعنی از کارشناسی می‌آید تا ارشد. این برای برخی از رشته‌هاست، یعنی نرویم دنبال کارشناسی ارشد پیوسته ۵ ساله؛ چراکه این‌طوری دانشجو دو سال و چهار سال که در مجموع ۶ سال می‌شود را باید درس بخواند، درحالی‌که با این کارشناسی ارشد یک سال زمان کمتر می‌شود. در این میان یک دوره پژوهشی که بیشتر باید مهارتی باشد از سال سوم شروع می‌شود. یعنی دانشجو در سال سوم وارد فاز مهارتی می‌شود. الان من می‌دانم در هوش مصنوعی کشور دارد گرفتار می‌شود. تعدادی هم که تربیت می‌کنیم، در مهندسی کامپیوتر همه در حال مهاجرت هستند. البته در برنامه درسی جدید اعلام شده که یک دانشگاه محوری داریم، دو تا دانشگاه همکار، دو تا دانشگاه غیردولتی، یک انجمن علمی و یک ذی‌نفع صنعت و جامعه و همه آنها حتما باید در طراحی برنامه باشند.

طرح مسکن نخبگان همچنان روی کاغذ

مهدی صفاری‌نیا، رئیس پارک علم و فناوری پردیس در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجو با اشاره به مسکن نخبگان و متخصصانی که در پارک پردیس فعالیت می‌کنند، گفت: «در بازدیدی که رئیس جمهورسال گذشته از پارک پردیس داشتند دستور تسریع در ایجاد شهرک نخبگانی را دادند، ما بر این اساس توافقنامه با وزارت مسکن و شهرسازی منعقد کردیم.» او با اشاره مذاکرات انجام‌شده با سرمایه‌گذاران افزود: «در حال پیگیری هستیم که بتوانیم موضوع شهرک نخبگانی را به مرحله انعقاد قرارداد اجرایی برسانیم. همچنین موازی با این اقدامات مذاکره با سه مجموعه سرمایه‌گذاری انجام شده و اعلام آمادگی کرده‌اند.»

به گفته صفاری‌نیا، مسکن نخبگان یکی از اولویت‌های کشور است و لازم است دستگاه‌های متولی همکاری داشته باشند.

رئیس پارک علم و فناوری پردیس گفت: «تفاهمنامه طرح مسکن نخبگان انجام شده و مذاکرات شفاهی نیز مثبت بوده، ولی هنوز به انعقاد قرارداد نرسیده است.»

حل مسائل کشور گرفتار مقاله‌نویسی شده است

عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: «ما امروز در حل مسائل کشور از جمله معنویت، گرفتار مقاله‌نویسی شده‌ایم؛ درحالی‌که مهم حل مسأله است و حکمرانی یعنی حل مسائل. قصد ندارم کارهای پژوهشی را نادیده بگیرم و زحمات محققان، نویسندگان و نخبگان جامعه را بی‌اثر بشمارم، ولی همگی باید این دغدغه را داشته باشیم که این حجم از تولیدات علمی چقدر به حل مسائل جامعه منجر می‌شود. در واقع باید خط اثرگذاری مقاله‌های علمی را در سیاستگذاری‌ها دنبال کنیم تا منجر به عمل شود و در حد پژوهش باقی نماند.» وی گفت: «اگر از من بپرسند که چرا برخی مسائل در کشور حل نمی‌شود پاسخم این است که به‌خاطر فقر معنویت است؛ نمی‌گویم مسئولان‌مان افراد کم‌کار یا بی‌تقوایی هستند، ولی معنویت بیش از این‌ها به اهتمام ما نیاز دارد. اگر مسئولان کشور معنویت را در جان خود تقویت کنند قطعا بر جوانان و مردم هم موثر خواهد بود؛ وقتی حاکمان اصلاح شوند، مردم هم اصلاح می‌شوند. ارتقای معنویت در مشی مسئولان، به مرام مردم بدل می‌شود و ما را از بسیاری از بن‌بست‌ها خارج می‌کند.»

تخمین ۵۰ هزار ازدواج دانشجویی در سال

مهدی فاطمی‌پور، معاون فرهنگی و سیاسی نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری در دانشگاه‌ها در گفت‌وگو با ایسکانیوز درباره آمار ازدواج دانشجویی اظهار کرد: «آمار ازدواج دانشجویی به‌صورت دقیق قابل تخمین نیست؛ چراکه این آمار شامل دانشجویانی که در برنامه همسفر نهاد رهبری شرکت کرده‌اند و افرادی که به صورت معمولی با مراجعه به ثبت تقسیم می‌شود.»

وی گفت: «بنابراین ما آمار دانشجویانی را داریم که در سایت نهاد رهبری ثبت‌نام کرده‌اند و سایر دانشجویان به ما اطلاع نمی‌دهند که ازدواج کرده‌اند یا خیر.»

معاون فرهنگی و سیاسی نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری در دانشگاه‌ها تاکید کرد: «حدود ۱۴ هزار زوج دانشجو امسال در طرح «همسفر تا بهشت» نهاد رهبری ثبت‌نام کردند. بسیاری از دانشجویان نیز ازدواج می‌کنند ولی در برنامه ما ثبت‌نام نمی‌کنند. لزوم ثبت دانشجو بودن ضروری است تا بعدا بتوان براساس آن آمار گرفت.» فاطمی‌پور بیان کرد: «برآورد ما ۵۰ هزار ازدواج دانشجویی در سال است.»

ادامه از صفحه ۴

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سهم سرمایه‌گذاری روی فناوری‌های انرژی پاک چین سال گذشته ۱۳ درصد بوده که نسبت به ۲۰۲۲ رشد ۹ درصدی داشته است

انرژی‌های پاک موتور محرک اقتصادی چین در ۲۰۲۳

ندا اظهری
مترجم

گزارش‌هایی که در سال‌های اخیر منتشر شده حکایت از آن دارد که چین از ناسامانی‌های اقتصادی رنج می‌برد. اگرچه چین یک سال دیگر از مشکلات اقتصادی را در سال ۲۰۲۳ پشت سر گذاشت، اما چشم‌انداز آن روشن‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. تا زمانی که پکن به تشدید محرک‌های مالی گرایش نشان دهد، همچنان می‌تواند در مسیر رسیدن به هدف رشد تولید ناخالص داخلی سالانه ۵ درصدی خود حرکت کند. از این رو، دولت چین در نظر دارد با توجه به موقعیت فعلی اقتصادی، در سال ۲۰۲۴ رکورد اقتصادی یک دهه گذشته خود را معکوس کند و رشد قدرتمندانه خود را برای سال‌های آینده حفظ کند. چین در سال ۲۰۲۳، حدود ۸۲٫۵ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی خود را هزینه کردد اما از آنجایی که بعید به نظر می‌رسد این شتاب باقی بماند و رشد خالص صادرات چین نیز در حال حاضر رو به کاهش است، پکن باید سرمایه‌گذاری زیرساختی خود را تا بیش از ۱۰ درصد افزایش دهد.

رشد ۴۰ درصدی روی سرمایه‌گذاری انرژی‌های پاک

به گزارش carbonbrief، انرژی‌های پاک در سال ۲۰۲۳ با احتساب کل رشد سرمایه‌گذاری، بالغ بر یک هزار و ۶۰۰ میلیارد دلار به اقتصاد چین تزریق کرد که نسبت به سال ۲۰۲۲ حدود ۳۰ درصد افزایش داشت و در مقایسه با سایر بخش‌ها، سهم بیشتر از رشد اقتصادی را از آن خود کرد. حوزه‌های مختلف فناورانه مرتبط با تولید انرژی پاک، فناوری‌هایی چون خورشیدی، برق، وسایل نقلیه الکتریکی و باتری‌ها را در برمی‌گیرد که بیشترین تمرکز اصلی سرمایه‌گذاری چین را روی انرژی‌های پاک در سال ۲۰۲۳ تشکیل می‌دادند. به طورکلی، بخش انرژی‌های پاک، فناوری‌هایی چون انرژی‌های تجدیدپذیر، انرژی هسته‌ای، شبکه‌های برق، ذخیره انرژی، خودروهای برقی و راه‌آهن را شامل می‌شود. این فناوری‌ها و زیرساخت‌ها از جمله الزامات برای کربن‌زدایی از محصولات چین و استفاده از انرژی است. سرمایه‌گذاری روی انرژی‌های پاک چین نسبت به سال قبل از آن رشد ۴۰ درصدی داشته و به ۸۹۰ میلیارد دلار رسید که این رشد کل رشد سرمایه‌گذاری در سراسر اقتصاد چین در سال ۲۰۲۳ را شامل می‌شود. درمجموع، انرژی پاک ۱۳ درصد از حجم عظیم سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت چین در سال ۲۰۲۳ را تشکیل می‌دهد که نسبت به سال ۲۰۲۲ رشد ۹ درصدی را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری ۸۹۰ میلیارد دلاری چین در بخش‌های انرژی پاک تقریبا به اندازه کل سرمایه‌گذاری‌های جهانی در تأمین سوخت فسیلی در سال ۲۰۲۳ است که مشابه تولید ناخالص داخلی سوئیس یا ترکیه است. طبق این آمار، بخش‌های انرژی پاک بزرگ‌ترین محرک رشد اقتصادی چین بودند و ۴۰ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۳ را به خود اختصاص دادند. بدون رشد اقتصادی حاصل از بخش‌های انرژی پاک، تولید ناخالص داخلی چین از هدف دولت مبنی بر رسیدن به رشد ۵ درصدی دور خواهد شد و به جای تحقق رشد ۵٫۲ درصدی، تنها رشد ۳ درصدی را تجربه خواهد کرد. افزایش سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک درحالی رخ می‌دهد که بخش املاک و مستغلات چین برای دومین سال متوالی کاهش یافته است. این تغییر، صنعت انرژی پاک را نه‌تنها به عنوان بخش مهمی از تلاش‌های انرژی و آب‌وهوای چین، بلکه در سیاست اقتصادی و صنعتی گسترده‌تر این کشور قرار می‌دهد.

تا ۲ سال آینده ۵۰ درصد خودروها در چین برقی می‌شوند

به گزارش carbonbrief، تولید خودروهای برقی چین در سال ۲۰۲۳ با ۳۶ درصد رشد سالانه به ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار دستگاه رسید که ۳۲ درصد از کل خودروهای تولید شده در این کشور را شامل می‌شود. یارانه خرید خودروهای برقی که از سوی دولت اعمال شد، به مدت ۱۳ سال توانست بازار این خودروها را رونق دهد. بازار خودروهای برقی چین بسیار رقابتی است و حداقل ۹۴ برند بیش از ۳۰۰ مدل ارائه می‌دهند. سرمایه‌گذاری در تولید خودروهای برقی در چین در سال ۲۰۲۱ حدود ۹۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار گزارش شد. این رقم سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۱۶۷ میلیارد دلار رسید. تولید این قبیل خودروها تا حدی رشد خواهد کرد که طبق پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته، تا سال ۲۰۲۶ بیش از ۵۰ درصد از کل خودروهای سواری در چین برقی خواهند شد؛ این درحالی است که شمار خودروهای برقی سواری در آمریکا به یک‌چهارم این رقم می‌رسد. اصلی‌ترین فناوری به‌کاررفته در این خودروها، استفاده از سلول سوختی برای تولید برق موردنیاز جهت حرکت خودروست. انرژی شیمیایی این سلول سوختی به‌طور مستقیم به انرژی برق تبدیل می‌شود.

سرمایه‌گذاری ۱۹۵ میلیارد دلاری در زیرساخت‌های انرژی پاک

جدیدترین تجزیه و تحلیل‌ها، انرژی‌هایی چون انرژی خورشیدی، خودروهای برقی، بهره‌وری انرژی، راه‌آهن، ذخیره انرژی، شبکه‌های برقی و بادی، انرژی هسته‌ای و برق آبی را در دسته وسیعی از انرژی‌های پاک بررسی می‌کند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در تولید برق پاک و ظرفیت ذخیره‌سازی انرژی در سال ۲۰۲۳ به حدود ۲۳۷ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال قبل با رشد ۴۸ درصدی همراه بود درحالی‌که سرمایه‌گذاری در ظرفیت تولید انرژی خورشیدی، خودروهای برقی و باتری‌ها به ۳۴۹ میلیارد دلار و رشد بیش از ۶۰ درصدی رسیده است. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی پاک به ۱۹۵ میلیارد دلار رسید که ۹ درصد آن سهم شبکه‌ها، نقاط شارژ خودروهای برقی و راه‌آهن شد. سرمایه‌گذاری در بهره‌وری انرژی نیز با رشد بیش از ۱۵ درصدی به حدود ۸۳ میلیارد و ۵۴۰ میلیون دلار رسید. در عین حال، تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ارزش تولید کالاها و خدمات در بخش‌های فناوری پاک به ۷۱۰ میلیارد دلار افزایش یافت که در مقایسه با سال گذشته رشد ۲۶ درصدی را نشان می‌دهد.

تسریع ذخیره‌سازی برق و هیدروژن برای تامین نیاز به برق

چین به سرعت در حال افزایش ظرفیت ذخیره‌سازی برق است و پتانسیل این را دارد که اتکای چین را به نیروگاه‌های زغال‌سنگ و گاز به میزان قابل‌توجهی کاهش دهد تا به اوج تقاضای برق پاسخ دهد. ساخت ظرفیت ذخیره‌سازی آب پمپاژشده در سال گذشته به طور چشمگیری افزایش داشته و ظرفیت در دست ساخت به ۱۶۷ گیگاوات رسیده است که نسبت به سال قبل ۱۲۰ گیگاوات رشد نشان می‌دهد. ساخت ظرفیت ذخیره‌سازی آب پمپاژشده در سال ۲۰۲۳ بالغ بر ۴۲ میلیارد دلار برآورد شده است. همچنین ساخت ظرفیت تولید باتری‌های جدید از دیگر محرک‌های اصلی سرمایه‌گذاری عنوان شده است. یکی از فناوری‌هایی که در این راستا مورد استفاده قرار می‌گیرد، الکترولیزهاست که در تولید هیدروژن سبز به کار می‌رود و سرمایه‌گذاری روی الکترولیزها در سال ۲۰۲۳ تقریبا دوبرابر شد و به حدود ۱۲ میلیارد و ۵۳۶ میلیون دلار برآورد شد. سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید ذخیره‌سازی انرژی بیشتر روی باتری‌ها صورت می‌گیرد که در سال ۲۰۲۳ بیش از دوبرابر شد و به ۱۰ میلیارد و ۴۴۷ میلیون دلار رسید. صنعت انرژی هیدروژنی در سال ۲۰۲۳ نوآوری‌های فناوری را آغاز خواهد کرد. الکترولایزرهای قلیایی با خروجی بیش از ۱۰۰۰ متر مکعب استاندارد در ساعت و الکترولایزرهای غشایی مبادله پروتون در سطح مگاوات به جریان اصلی تبدیل و الکترولایزرهای مستقل اکسید جامد در سطح کیلووات وارد بازار خواهند شد. به دلیل کاهش هزینه‌ها و تقاضای تولید هیدروژن، فناوری اصلی در ذخیره‌سازی و حمل‌ونقل در مقیاس بزرگ مانند شبکه‌های خط لوله و هیدروژن مایع، پیشرفت‌ها را تسریع می‌کنند و ساخت خطوط لوله هیدروژن خالص سرعت می‌گیرد.

بهبود راندمان سلول‌های خورشیدی راهکار کاهش هزینه برق

انرژی خورشیدی را به جرأت می‌توان بزرگ‌ترین عامل محرک رشد اقتصاد فناوری پاک در چین در سال ۲۰۲۳ دانست. رشد این حوزه از فناوری به ارزش کلی ۱۳۹ میلیارد دلاری در بخش کالا و خدمات جدید به ثبت رسید؛ چراکه ارزش آن از ۲۰۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ در مقایسه با افزایش ۳۴۹ میلیارد دلاری در سال ۲۰۲۳ تا ۶۳ درصد نسبت به سال قبل رشد کرده است. درحالی‌که چین سال‌ها بر تولید و نصب پنل‌های خورشیدی تسلط داشت، رشد این صنعت در سال ۲۰۲۳ بی‌سابقه بوده است. طبق قانون وضع‌شده در چین در بهار ۲۰۲۳، حدود ۱۵ استان، توسعه صنعت خورشیدی را در اولویت خود قرار دادند. رشد تأسیسات خورشیدی چین به گونه‌ای است که ۲۰۰ گیگاوات در کل کشور در سال ۲۰۲۳ اضافه شد که بیش از دو برابر رکورد ۸۷ گیگاوات ثبت شده در سال ۲۰۲۲ بوده است. به گزارش globaltimes، بخش بزرگی از ظرفیت انرژی خورشیدی نصب‌شده در چین به شکل نیروگاه‌های سلول‌های فتوولتائیک (PV) در غرب این کشور است که منابع خورشیدی فراوانی را در اختیار دارد. شرکت LONGi که غول انرژی خورشیدی در چین شناخته می‌شود، رکورد جهانی ۳۳٫۹ درصدی را برای بازده سلول‌های خورشیدی کریستالی سیلیکون- پروسکایت به ثبت رسانده است که نشان می‌دهد چین بار دیگر به دلیل سبز بودن در زمینه سلول‌های خورشیدی در جهان پیشتاز است. دبیرکل انجمن صنعت فتوولتائیک چین معتقد است از آنجایی که کاهش هزینه و راندمان بالا، هسته اصلی توسعه صنعت PV است، بهبود مستمر راندمان تبدیل سلول‌های خورشیدی یکی از ابتکارات مؤثر برای کاهش هزینه برق در این کشور است.

رشد ۲۲ درصدی در خطوط ریلی

وزارت حمل‌ونقل چین گزارش داده است که سرمایه‌گذاری در ساخت راه‌آهن از ژانویه تا نوامبر ۲۰۲۳ تا هفت درصد رشد داشته است که به معنای سرمایه‌گذاری ۱۱۱ میلیارد دلاری در کل سال بوده است که بخش اعظم این سرمایه‌گذاری را حمل‌ونقل باری و مسافری به خود اختصاص داد و سرمایه‌گذاری در جاده‌ها نیز کاهش داشت. به طورکلی، سرمایه‌گذاری در راه‌آهن به طورکلی ۲۲ درصد رشد داشته است. یکی از اهداف این سرمایه‌گذاری، توسعه ریل‌های پرسرعت است. از نمونه این خطوط پرسرعت ریلی، «شانگهای ماگلو»، اولین خط شناور مغناطیسی تجاری پرسرعت در جهان است که قطارهای آن روی ریل‌هایی غیرمعمول حرکت می‌کنند که حداکثر سرعت آن به ۴۳۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد. در نوامبر ۲۰۲۰، ریل‌های راه آهن پرسرعت چین برای نخستین بار به راه‌آهن سریع‌السیر اندونزی صادر شد. تا پایان سال ۲۰۲۲، مسافت پیموده‌شده راه‌آهن‌های سریع‌السیر چین از ۴۲۰۰۰ کیلومتر فراتر رفت. در سال‌های گذشته، تولیدکنندگان خطوط ریلی در چین به بهینه‌سازی و ارتقای فناوری‌های تولید ریل مانند کربن‌زدایی از ریل، پالایش، تصفیه و عیب‌یابی از خطوط ریلی پرداخته‌اند.

توربین‌های بادی شناور برای استفاده حداکثری از انرژی باد

به گزارش carbonbrief، چین طی ۱۱ ماه نخست ۲۰۲۳ حدود ۴۱ گیگاوات ظرفیت برق بادی نصب کرده است که افزایش ۸۴ درصدی را نسبت به سال گذشته نشان می‌دهد. دولت چین با حمایت از سیاست‌هایی مانند جایگزینی توربین‌های کوچک‌تر و قدیمی‌تر با توربین‌های بزرگ‌تر در نظر دارد استفاده از انرژی‌های بادی را افزایش دهد. پیشرفت در ساخت نیروگاه بادی فراساحلی در سال ۲۰۲۳ به‌کندی آغاز شد اما انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۴ تحویل پروژه‌های مشابه سرعت بیشتری به خود بگیرد. از سال ۲۰۲۱، پروژه‌های جدید بادی در چین دیگر از دولت مرکزی یارانه دریافت نمی‌کند. به‌رغم پیشرفت‌های فناورانه‌ای که هزینه‌ها را کاهش می‌دهد، افزایش قیمت مواد خام منجر به سود کمتر در مقایسه با صنعت خورشیدی شده است که منجر به کاهش سرمایه‌گذاری‌های کلی در انرژی باد نسبت به انرژی خورشیدی می‌شود. توربین‌های بادی شناور که در آب‌های عمیق‌تر قرار می‌گیرند، باعث قوی‌تر و ثابت‌تر شدن سرعت باد می‌شود که درنهایت به افزایش تولید انرژی در مقایسه با توربین‌های بادی زمینی منجر می‌شود.

سومین تولیدکننده برق دنیا از انرژی هسته‌ای

چین یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی هسته‌ای در دنیاست و از نظر ظرفیت نصب نیروگاه‌های هسته‌ای و برق تولیدشده حاصل از آن رده سوم دنیا را از آن خود کرده است به طوری که یک‌دهم انرژی هسته‌ای تولیدشده را بر عهده دارد. در سال ۲۰۲۳، حدود ۱۰ واحد انرژی هسته‌ای در چین تصویب شد که از نرخ پیش بینی ۶ تا ۸ واحد در سال که در سال ۲۰۲۰ تعیین شده بود هم فراتر رفت. در حال حاضر ۷۷ واحد نیروگاه هسته‌ای در چین فعال یا در حال ساخت هستند که دومین واحد بزرگ در جهان به شمار می‌رود. کل سرمایه‌گذاری سالانه در سال ۲۰۲۳ روی این حوزه ۱۲ میلیارد و ۱۱۹ میلیون دلار برآورد شد که ۴۵ درصد افزایش نسبت به سال قبل نشان می‌دهد. برخی استان‌ها بیشترین تمرکز فعالیت در زمینه انرژی هسته‌ای را دارند به‌طوری که تنها سه استان، حدود ۲۰ درصد برق موردنیاز خود را از انرژی هسته‌ای تأمین می‌کنند و به عنوان بخشی از تلاش‌های خود برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از تولید برق به گسترش این فناوری ادامه می‌دهند.

آگهی مناقصه عمومی (یک‌مرحله‌ای) نوبت دوم

مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشوری وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشوری در نظر دارد انجام کلیه امور تعمیر، سرویس، نگهداری و راهبری کلیه تاسیسات مکانیکی، برقی و الکترونیکی موجود خود را به اشخاص واجد شرایط از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir واگذار نماید.

۱- موضوع مناقصه: واگذاری انجام کلیه امور تعمیر، سرویس، نگهداری و راهبری کلیه تاسیسات مکانیکی و برقی، الکتریکی و الکترونیکی

۲- زمان دریافت اسناد مناقصه: از ساعت ۸ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ لغایت ساعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

۳- آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها: تا ساعت ۱۴ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۰ می‌باشد.

۴- زمان بازگشایی پاکت‌ها: پیشنهادات واصله در ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ در کمیسیون مناقصات واقع در دفتر مدیریت بیمارستان باز و قرائت خواهد شد.

۵- هزینه انتشار آگهی بر عهده برنده مناقصه است.

۶- نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی، گواهی خالص مطالبات قطعی تاییدشده قراردادها و فیش بانکی (واریز وجه نقد)

۷- مبلغ تضمین: ۳,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (معادل سیصد و سی میلیون تومان)

۸- حساب تمرکز وجوه سپرده ۴۰۰۱۰۹۹۹۰۷۱۴۷۳۸۶ بانک مرکزی به نام مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشوری

۹- شماره فراخوان مناقصه در سامانه ستاد ایران ۲۰۰۲۰۰۵۸۶۰۰۰۰۰۶ می‌باشد.

صدای نخبگان
نگاه جوانان
روزنامه فرهیختگان
FARHIKHTEGAN
farhikhteganonline

کانون تبلیغاتی
سیهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری
تبلیغات محیطی
دانشگاه آزاد اسلامی

تحولات دفاعی اخیر خلیج‌فارس هم پیام روشنی برای غربی‌ها دارد هم پاسخی عملی است به برخی کشورهای عربی

بازی دوسر برد در بوموسی

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

یمن در دریای سرخ گلوی رژیم صهیونیستی را به سختی می‌فشارد و حامیان این رژیم که با وجود حمله نظامی نتوانسته‌اند از اقدامات نیروهای یمنی جلوگیری کنند اکنون رو به تهدید ایران آورده‌اند. تهدیدی که البته با پاسخ قاطعی از جانب ایران مواجه شد. پس از آنکه سردار سلامی اعلام کرد برای جنگ دریایی آمادگی کامل داریم، نیروی دریایی سپاه برای افزایش استحکامات دفاعی جزایر سه‌گانه از شناورهای تندرو پیشرفته جدیدی رونمایی کرد که قابلیت حمل موشک دارند. همچنین سامانه‌های پدافندی نیز رونمایی شد که دیگر حالت ایستا نداشته و می‌توانند درحال حرکت اقدام به شلیک موشک کنند. این اقدام نیروی دریایی سپاه در جزیره ابوموسی یک پیام روشن نیز به امارات دارد مبنی بر اینکه عواملی غیر از امضاهای روی کاغذ حاکمیت بر این جزایر را تعیین می‌کنند. هم‌زمان با این اقدام همچنین قرار است ترمینال دریایی جزیره ابوموسی نیز افتتاح شود تا به این ترتیب گردشگری در این منطقه تحت مالکیت ایران نیز رونق پیدا کند. در ادامه ضمن بررسی جزئیات این موارد اثرات اقدامات ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اهداف غربی‌ها از انتشار اخبار جعلی

فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) در حساب کاربری شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) خود پس از آنکه با هدف وابسته نشان دادن نیروهای یمنی به ایران این نیروها را مورد حمایت ایران خواند اعلام کرد یمنی‌ها دو موشک از مناطق تحت کنترل خود در یمن به سمت باب‌المندب شلیک کردند. در ادامه این ادعا آمده است که هر دو موشک به سمت کشتی MV Star Iris، که یک کشتی باری متعلق به یونان و با پرچم جزایر مارشال که از دریای سرخ عبور می‌کرد، پرتاب شد. خبرگزاری رویترز در تکمیل این خبر این کشتی را حامل محموله ذرت برزیلی دانسته و مدعی شد که به‌سمت ایران در حرکت بوده است. این ادعاهای جعلی که حتی در آن نامی از فرد مدعی مطرح نمی‌شود دو هدف را دنبال می‌کند. ۱- غربی‌ها که با وجود اتخاذ راهبرد نظامی از مهار اقدامات نیروهای یمنی ناتوان مانده‌اند اکنون قصد دارند این شکست را با آغاز یک مسیر دیگر دنبال کنند. انتشار چنین اخباری ممکن است منجر به ایجاد نارضایتی در بخشی از بدنه افکار عمومی داخل ایران شود. غربی‌ها سعی دارند از این طریق افکار عمومی را در مقابل سیاست‌های رسمی ایران قرار داده و ایران را مجبور به مذاکره با یمنی‌ها برای توقف اقدامات نظامی کنند. ۲- هدف اصلی که از انتشار چنین اخباری برداشت می‌شود رساندن پیامی تهدیدآمیز به ایران است. با این مضمون که اگر حملات یمنی‌ها ادامه پیدا کند، ایران نیز باید منتظر هدف قرار داده شدن کشتی‌های خود شود. چنین تهدیدی اگر با پاسخ قاطعی از جانب ایران مواجه نشده و موضعی انفعالی در قبال آن اتخاذ شود، می‌تواند منتشرکنندگان آن را برای عملیاتی کردن ایده‌های خصمانه ترغیب کند.

واکنش رسمی ایران و اقدامات عملی برای مقابله با تهدیدها

فرمانده کل سپاه در همایش ملی شناورهای تندرو ضمن اشاره به این نکته که برای جنگ دریایی کاملا مهیا هستیم و درآمادگی صددرصدی به سر می‌بریم و به امکانات جنگ از دور دست یافته‌ایم، گفت: «در جنگ دریایی میدان نبرد حساس و متفاوت است؛ چراکه باید یک نقطه را دقیقا هدف قرار داد و قادریم از ابعاد دور دشمن را نابود کنیم.» سلامی با بیان اینکه ناوبری دریایی در جنگ دریایی باید کاملا قوی و متفاوت باشد، اضافه کرد: «در جنگ دریایی نبرد فناوری‌هاست؛ جایی که به ما تعرضی شود بدون پاسخ نگذاشته‌ایم و من بعد هم بدون پاسخ نخواهیم گذاشت و شاید در برخی مواقع اطلاع‌رسانی نکنیم. در شناورهای تندرو سرعت بسیار تعیین‌کننده است، به بسیاری از قابلیت‌های دریایی دست یافته‌ایم که قابل گفتن نیست، ولی این را بگویم که به قدرتمندی‌های بی‌نظیری دست یافته‌ایم. رونمایی‌های جدیدی از ایران «قدرتمند، مدرن و پیشرفته» در عرصه نظامی به‌زودی برای مردم خواهیم داشت. بارها مستقیما با آمریکا درگیر شده‌ایم، ولی به حول و قوه الهی همیشه تیر آخر را ما شلیک کرده‌ایم و پیروز میدان بوده‌ایم؛ نمونه آن هم دستگیری تفنگداران آمریکایی با آن وضعیت بود.»

نیروی دریایی سپاه برای افزایش استحکامات دفاعی در جزایر سه‌گانه خلیج‌فارس تجهیزات جدیدی را رونمایی کرد. نیروی دریایی از قایق‌هایی رونمایی کرد که مجهز به موشک‌های نقطه زن شده‌اند تا پیش از این، این قایق‌ها مجهز به تیربار بودند. همچنین برای نخستین بار سامانه‌های موشکی کروز با بردی بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتر به جای پرتاب ایستا درحال حرکت موشک‌های خود را شلیک کردند. این امر باعث می‌شود سامانه‌های موشکی قابلیت جابه‌جایی لحظه‌ای پیدا کرده و هدف قرارگرفتن آنها برای نیروهای متخاصم دشوار شود. سردار تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه در مورد قابلیت‌های موشک‌های نسل جدید رونمایی شده، گفت: «این موشک‌ها دارای قابلیت فرمان‌پذیری در ارتفاع هستند.» فرمانده نیروی دریایی سپاه ویژگی‌های شناورهای جدید را نیز این‌گونه تشریح کرد: «سه فروند شناور پیشرفته تندرو با قابلیت نصب موشک‌های با برد بالا توسط متخصصان داخلی طراحی و ساخته شد. در طراحی و ساخت شناورهای پیشرفته تندرو به موضوعات تاب‌آوری، دریامانی و دریانوردی توجه شده و جنس شناورها از فایبرگلاس به آلومینیومی تغییر یافته است.» سردار تنگسیری در ادامه افزود: «قابلیت این شناورها به‌گونه‌ای است که برای نخستین بار در جهان روی یک شناور هشت متری موشک با برد ۳۰ کیلومتری با قدرت تخریب و دقت بالا نصب شده است.» اضافه شدن چنین قابلیتی به شناورهای ایرانی پاسخ جالب توجهی به تهدیدات دریایی علیه ایران محسوب می‌شود. در کنار نیروی دریایی سپاه، نیروی زمینی هم از بمب‌های جدیدی که برای دفاع در ساحل جزایر مورد استفاده قرار می‌گیرند، رونمایی کرد. این بمب‌ها که برای نخستین بار در جزیره ابوموسی ایران رونمایی شدند، می‌توانند دو الی سه نفربر خاکی را منهدم کنند. فرماندهان نیروی دریایی سپاه اعلام کرده که همچنان برای حفاظت پایدار از جزایر سه‌گانه در عمق بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر به افزایش استحکامات خود در این جزایر ادامه می‌دهند.

اتفاقات دیگری نیز در جزایر سه‌گانه درحال رقم خوردن است

توسعه سامانه‌های دفاعی تنها اقدام درحال انجام در جزایر سه‌گانه نیست. ایران برای تثبیت حاکمیت خود در این منطقه اقدامات دیگری را در دستورکار قرار داده است. امروز قرار است وزیر راه و شهرسازی به جزیره ابوموسی سفر کند. مدیرعامل سازمان بنادر و دریانوردی مهم‌ترین هدف این سفر را این‌گونه تشریح کرد: «در بنادر کیش، قشم، هرمز و لارک برخی امکانات فراهم شده و اخیرا امکانات مناسبی در جزیره ابوموسی نیز برای گردشگری دریایی فراهم شده است. اخیرا اسکله و ترمینال مسافری در بندر بوموسی ساخته شد تا مسافرانی که در تردد به این جزیره هستند از امکانات بندری مناسب بهره‌مند شوند. قرار است در بندر بوموسی، ساختمان مرجع دریایی برای ارائه خدمات مطلوب و افزایش ضریب ایمنی شناورها در منطقه، اسکله پهلودهی شناورها به منظور سرعت بخشی در تخلیه و بارگیری و افزایش ایمنی بندری و همچنین پایانه و راهگذر مسافری با هدف ایجاد رفاه در تردد مسافران به بهره‌برداری برسد.» ادهم رضوانی، مدیر روابط عمومی اداره کل بنادر و دریانوردی هرمزگان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اظهارات مدیرعامل سازمان بنادر را این‌گونه تکمیل کرد: «ساختمان مرجع دریایی وظیفه کنترل ترافیک دریایی را برعهده دارد و مخاطرات دریایی که برای کشتی‌های درحال تردد ایجاد می‌شود را مدیریت می‌کند. در کنار این ساختمان مرجع دریایی برای رفاه حال ساکنان جزیره و همچنین ترددهای بین‌المللی گسترش ترمینال مسافری در دستورکار قرار گرفته تا هم گردشگری را تسهیل کرده و هم فضای مفرحی را ایجاد کند تا به این ترتیب حضور مردم در جزیره پررنگ‌تر شود.» محمد محسنی، مدیرکل میراث فرهنگی استان هرمزگان نیز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» جزئیات طرح‌های گردشگری این جزیره را این‌گونه تشریح کرد: «ابوموسی پایانه دریایی دارد، ترمینال دریایی بندرعباس به ابوموسی فعال است و در هفته دو روز سفر رفت و برگشت به این جزیره داریم. آقای بذرپاش بحث تقویت و توسعه را مطرح کرده است. ما با توسعه این ترمینال افزایش حضور گردشگران را هدف قرار داده‌ایم. یک کمپ گردشگری قرار است احداث شود. برای تکمیلش ۴ میلیارد تخصیص دادیم، ۶ میلیارد هم وزارت کشور می‌گذارد تا این طرح چند هکتاری تکمیل شود. با موافقت نیروی دریایی سپاه قرار است ۳۰ هکتار زمین برای ایجاد پهنه گردشگری ساحلی را تحویل بگیریم تا بتوانیم زیرساخت‌های اقامت و تفریح در ساحل را ایجاد کنیم. این امر موجب افزایش تردد گردشگر به این جزیره شده و منافعی هم برای جامعه محلی ایجاد می‌کند.» علاوه بر این طرح‌ها یکی از اهداف سفر وزیر راه به ابوموسی کلنگ‌زنی پروژه‌های مسکن ملی وعده داده شده در این جزیره است. چند ماه پیش بود که موضوع اهدای زمین رایگان در جزیره ابوموسی مطرح شد. بر این اساس قرار شد دولت به کسانی که قصد سکونت دائمی در این جزیره را دارند در قالب طرح نهضت ملی مسکن زمین‌هایی با متراژ ۳۰۰ متر بدهد. در این راستا بنا شد فرم «ج» نیز برای این دسته از متقاضیان حذف شود.»

پیام توسعه ابوموسی به ابوظبی

کشور امارات که سال‌هاست ادعاهایی مبنی بر مالکیت جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک مطرح می‌کند، مدتی است با گنجاندن این ادعا در بیانیه‌های شورای همکاری خلیج‌فارس و گرفتن امضاهای حمایتی کشورهای مختلف سعی در ایجاد مشروعیت بین‌المللی برای ادعای خود دارد. اقدامات توسعه‌ای ایران در جزایر سه‌گانه باعث تثبیت حاکمیت ایران بر این مناطق می‌شود. همچنین انجام مانورهای نظامی متعدد در این منطقه این پیام را به طرف اماراتی می‌دهد که عواملی بیشتر از چند امضا و بیانیه برای تعیین مرزهای بین‌المللی نیاز است. عواملی که ایران آنها را در اختیار دارد و دهه‌هاست به‌خوبی توانسته از ابزارهای دفاعی خود مرزهای سرزمینی را صیانت کند. این اقدامات نشان می‌دهد امارات از بیانیه‌خوانی‌های خود اتفاقا نتایج معکوسی گرفته است. درحالی‌که این کشور با بیانیه‌های متعدد سعی در ایجاد تزلزل در حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه داشت. این ادعاها باعث شد ایران جدیت بیشتری برای صیانت از مرزهای خود نشان داده و ابزارهای دفاعی خود در این مناطق را تقویت کند. امری که مهم‌ترین عامل در تضمین حکمرانی سرزمینی یک کشور محسوب می‌شود.

ماجرای انفجار در خط لوله گاز چه ابعادی دارد؟

خرابکاری علیه صندوق در بروجن

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

در ساعات اولیه بامداد روز گذشته، انفجاری در خط لوله گاز سراسری در استان چهارمحال‌وبختیاری رخ داد که موجب قطع گاز در برخی روستاها و مناطق کشور شد. سعید عقلی، مدیر دیسپچینگ شرکت ملی گاز ایران در این‌باره گفت حوالی ساعت یک بامداد امروز در اثر اقدامات خرابکارانه، انفجاری در خط لوله گاز سراسری اتفاق افتاد. آن‌گونه که مدیر دیسپچینگ شرکت ملی گاز ایران گفته، ظاهرا به دنبال این اتفاق وزیر نفت از ساعات اولیه وقوع حادثه در دیسپچینگ شرکت ملی گاز ایران حضور یافته و جلسه ستاد بحران را با حضور مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران و مدیران ارشد شرکت تشکیل داده است. به دنبال این اتفاق همچنین اعلام شد که مشکلات اندک ایجاد شده در روستاهای اطراف محل انفجار به سرعت و پس از تعمیر خط لوله برطرف شد. همچنین سوخت مایع مورد نیاز و LPG در این مناطق فراهم شده و در اختیار روستاهای مورد نظر قرار گرفته است. محور ارتباطی بروجن به لردگان که به علت انفجار خط لوله سراسری گاز در محدوده گردنه حلوایی مسدود شده بود پس از ساعاتی بازگشایی شده است. همچنین گاز شهری شهرهای بروجن، گندمان و فرادنبه هم که بر اثر این حادثه قطع شده بود، پیش از ظهر دیروز وصل شد. به گفته عقلی، انفجارها در دو نقطه، یعنی شهرستان بروجن استان چهارمحال‌وبختیاری و صفاشهر استان فارس رخ داده است. همچنین مدیر دیسپچینگ شرکت ملی گاز ایران با اشاره به انجام اقدام تروریستی در دو نقطه خط سراسری انتقال گاز، اعلام کرد که شبکه گاز کشور پایدار است.

آیا این خرابکاری‌ها سابقه داشته است؟

وزیر نفت گفته است که سال ۱۳۸۹ زمانی که او مدیرعامل شرکت گاز بوده، چهار خط لوله سراسری گاز مورد حمله قرار گرفته بود. درواقع خبری که وزیر به آن اشاره می‌کند در آن سال‌ها تحت عنوان «انفجار سه خط لوله» منتشر شده بود. ظاهرا صبح جمعه ۲۲ بهمن ۱۳۸۹ صدای انفجاری شهر قم را لرزاند و آسمان بخش وسیعی از جنوب غربی این شهر سرخ رنگ شد. مسئولان وقت وزارت نفت علت انفجار را مسائل غیرفنی اعلام کردند. یک مقام مسئول در شرکت ملی گاز علت این حادثه را خرابکاری اعلام کرد. مجتبی شیخ بهایی، مدیر گازرسانی شرکت ملی گاز به «دنیای اقتصاد» گفته بود به نظر می‌رسد که خرابکاری علت انفجار این سه خط لوله است. در آن زمان نیز جواد اوجی، مدیرعامل وقت شرکت ملی گاز گفته بود دلایل انفجار این سه خط لوله گاز «به هیچ وجه مسائل فنی و عملیاتی نبوده است». درنهایت اما علت انفجار هرگز به صورت رسمی اعلام نشد. حال بعد از گذشت ۱۳ سال اوجی می‌گوید که در آن زمان هم «همین اتفاق» یعنی خرابکاری، علت انفجار بوده است. البته امکان دارد منظور اوجی از انفجار «چهار خط لوله» در سال ۱۳۸۹، مجموع انفجارهای آن زمان باشد. انفجار بهمن ۱۳۸۹ درواقع دومین انفجار در آن سال در خطوط لوله گاز بود. شهریور ماه آن سال خط لوله گاز مشهد-سرخس در نزدیکی مشهد دچار انفجار مهیبی شد که به کشته شدن ۱۰ تن و زخمی شدن بیش از ۱۶ تن منجر شد.

در آن زمان علت این حادثه برخورد یک خودروی سنگین با خط لوله گاز اعلام شده بود. علیرضا غریبی، مدیرعامل وقت شرکت مهندسی توسعه گاز ایران گفته بود که به علت کوهستانی بودن منطقه و قرارگرفتن خط لوله در شیب زمین، یکی از ماشین‌آلات از تعادل خارج و با خط لوله گاز مسیر برخورد کرد که موجب انفجار شد. انفجار شهریور ۱۳۸۹ به حدی مهیب بود که گاز ۴ نیروگاه در استان‌های شمال شرق کشور قطع شد و بسیاری از پالایشگاه‌های شمال شرق کشور با مشکل خوراک گازی مواجه شدند. حالا و بعد از گذشت تقریبا بیش از یک دهه، مجددا صنعت نفت و گاز ما مورد هجوم و حمله خرابکارانه قرار گرفته است و می‌توان با توجه به سابقه این حملات و پیوست حمله روز گذشته مدعی شد که صنعت نفت و گاز ما از هجوم و اقدامات خرابکارانه تروریستی مصون نیست. اما ایجاد امنیت برای جلوگیری از این حملات دقیقا به عهده کدام نهاد و ارگان است؟ و اساسا مسئولیت این حملات تروریستی به عهده کیست؟

حملات تروریستی؛ موفق یا ناموفق؟

از سوی دیگر و در ادامه فعالیت‌های گروه‌های مهاجم، هک دو روز گذشته سامانه‌های مجلس را هم داشتیم که باز هم در نوع خود اقدامی تروریستی است که از سوی یک گروه هکری وابسته به منافقین صورت گرفته است. همچنین آن‌گونه که رئیس گمرک کشور اعلام کرده تقریبا حمله هکری هر روزه به سامانه گمرک کشور اتفاق می‌افتد. اگرچه حمله روز گذشته به خط انتقال گاز تبعات فیزیکی داشته و جنس حمله متفاوت است اما به نظر می‌رسد اگر این قطعات پازل را در کنار یکدیگر قرار دهیم، می‌شود گفت مجموع این حملات تروریستی به خط انتقال گاز و حملات سایبری برنامه‌ریزی‌شده است و متاسفانه به هدف نیز نشسته است. چرا؟ دو روز گذشته سازمان هواشناسی از ورود سامانه بارشی به کشور خبر داد و پیش‌بینی کرده بود که در ۹ استان بارش‌های شدید برف و باران روی خواهد داد. سامانه بارشی از شمال غرب وارد کشور شده و در شمال غرب و غرب کشور باعث بارش می‌شود. براساس اعلام هواشناسی برای پنجشنبه با تقویت سامانه بارشی در جنوب غرب، دامنه‌های زاگرس مرکزی، شمال فارس، دامنه‌های البرز مرکزی و غرب سواحل دریای خزر بارش همراه با کاهش محسوس دما پیش‌بینی شده است. همچنین بیشترین بارش روز پنجشنبه برای استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام، ارتفاعات شمال شرق خوزستان، چهارمحال‌وبختیاری و نیمه جنوبی استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل است. این پیش‌بینی برای افزایش سرما و در اصل کاهش دما نشان می‌دهد که دشمن با برنامه‌ای از پیش طراحی شده برای ایجاد هزینه با هر ابعادی که در توان دارد، این‌بار سراغ خط لوله انتقال گاز رفته تا با ایجاد اختلال در گازرسانی، نارضایتی ایجاد کند. تا جایی که حتی برای ایجاد نارضایتی و حساسیت مردم، پیامک‌هایی مبنی بر قطعی گاز برای شهروندان برخی از استان‌ها هم ارسال شد و شایعاتی نیز مبنی بر قطع شدن گاز در استان‌های همجوار با استان چهارمحال‌وبختیاری هم شنیده شد. قرار دادن این موارد در کنار یکدیگر نشان می‌دهد که عملیات روز گذشته با پیوست رسانه‌ای انجام شده و پیش از اینکه هدف خط لوله انتقال گاز باشد، درواقع روان و ذهن مردم ایران بود.

عصبانیت از حضور مردم

دشمن در دو سال گذشته با طراحی‌های متعدد سعی در ایجاد نارضایتی در مردم داشته است. هک سامانه‌های پمپ بنزین، خرابکاری در خط لوله انتقال گاز و ایجاد ناامنی در نقاط مختلف کشور بخشی از اقداماتی است که با هدف ایجاد نارضایتی انجام شده و همزمان نیز اپوزیسیون خارج‌نشین برای تشدید اثر روانی این امر استخدام شدند. با وجود این اقدام، راهپیمایی پرشور ۲۲ بهمن ثابت کرد که از نارضایتی مردم به هیچ عنوان کلاهی برای دشمنان این سرزمین دوخته نمی‌شود. با این وجود این اقدامات به عنوان تنها راه باقی‌مانده برای مقابله با مردم ایران همچنان در دستورکار قرار می‌گیرد به این امید که اسفند ماه امسال حاصلش در انتخابات مجلس برداشت شده و اثر منفی در صندوق رای گذاشته شود. مهار اقدامات خرابکارانه نیاز به به‌کارگیری ابزارهای سلبی و ایجابی به صورت توامان دارد. همزمان با اینکه سیستم‌های نظارتی و کنترلی تقویت می‌شوند باید با اقدامات تقابلی این پیام به طرف‌های مقابل داده شود که تداوم اقدامات خرابکارانه هزینه‌های بیشتری را به خود طراحان تحمیل می‌کند. چنین پیامی به‌ویژه برای مهار رژیم صهیونیستی که در صدر فهرست طراحان اقدامات ضدایرانی قرار دارد بسیار می‌تواند کارگشا باشد.

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

همزمان با مطرح شدن اصلاح حضور منطقه‌ای آمریکا سنتکام درحال لابی‌گری برای تشدید درگیری‌هاست

تاجران خون

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

همزمان با بازگشت مساله فلسطین به راس مباحث جهان، وضعیت نیروهای آمریکا در غرب آسیا نیز بار دیگر به مبحث اصلی در این کشور تبدیل شده است. روز گذشته (۲۵ بهمن، ۱۴ فوریه) رسانه‌های آمریکایی دو مطلب متفاوت با تجویزهایی در مقابل هم را منتشر کردند؛ یکی خواهان خروج نظامیان آمریکایی از منطقه شده و دیگری به اصرار خواهان باقی‌ماندن آنها شده بود. روز ۱۲ فوریه نیز استفان والت، استاد برجسته روابط بین‌الملل به نقد اقدامات آمریکا به‌ویژه در حوزه حملات نظامی و تحریم‌ها پرداخته بود. بلومبرگ در مقاله‌ای با عنوان «ایالات‌متحده باید به‌زودی از خاورمیانه خارج شود» به قلم «آندریاس کلوت» تحلیلگر مسائل سیاسی به این موضوع تاکید کرده که موافق حضور جهانی آمریکاست اما همه «باید بپذیرند هژمونی نمی‌تواند به این معنا باشد که ایالات‌متحده باید همیشه در همه جا فعال باشد.» این متن تاکید می‌کند منطقه نیازی به حضور ۴۶ هزار نظامی آمریکایی ندارد، آن هم با توجه به نیازهای شدید واشنگتن به این نیروها در دیگر جبهه‌ها. در مقابل کنت مک‌کنزی، فرمانده سابق فرماندهی مرکزی آمریکا (مسئول فرماندهی و هدایت نیروهای آمریکا در غرب آسیا، آسیای میانه و مناطقی از شرق و شمال آفریقا) در مقاله‌ای در نیویورک‌تایمز خروج از عراق و سوریه در برهه کنونی را اشتباه خوانده و خواستار آن شده بود که برای حفظ بازدارندگی، حملات شدیدتری به پایگاه‌های محور مقاومت در منطقه انجام شود. استفان والت نیز در مقاله خود به ناکارآمدی بمباران‌های هوایی تاکید کرده و غزه را مصداق بارز آن می‌نامد. او همچنین از ناکارآمدی تحریم‌ها مانند بی‌حاصل بودن تحریم ۶۵ساله کوبا گفته است.

اختلافات

در فضای رسانه‌ای یک تحلیلگر رسانه‌ای و یک استاد دانشگاه گسترش بی‌حساب نظامی آمریکا و مبادرت بیش از اندازه به استفاده از قوای نظامی را نقد کرده اما کنت مک‌کنزی به‌عنوان فرمانده نظامی این موضوعات را توصیه کرده است. این خود نشان‌دهنده وضعیتی پیچیده در آمریکاست. در فضای دو حزبی آمریکا، حزب دموکرات یکپارچه علی‌رغم تفاوت در نظرات، بیشتر پیرو نظر مدیریت بهینه حضور نظامی و احتیاط در فعالیت‌ها هستند. در حزب جمهوری‌خواه نیز تنها انزواطلبان چنین نظری دارند و شاهین‌های جنگ‌طلب خواهان گسترش فعالیت‌های نظامی هستند. به‌لحاظ دسته‌بندی گروهی و نه بررسی کمی و ظرفیتی، سه چهارم از دسته‌بندی‌های موجود از استفاده بهینه قدرت نظامی و تنها یک چهارم از فعالیت گسترده دفاع می‌کنند. در دولت که دموکرات‌ها قدرت را در دست دارند و همچنین وزارت دفاع که تحت کنترل لوید آستین است، بیشتر بر مدیریت اوضاع تاکید دارند. با این حال سنتکام نظراتی مشابه با شاهین‌های جنگ‌طلب جمهوری‌خواه و رژیم صهیونیستی دارد. این موضوع را می‌توان از فعالیت‌های لابی‌گرانه شدید مک‌کنزی علی‌رغم پایان ماموریتش در غرب آسیا مشاهده کرد.

چرا حضور نظامی آمریکا بی‌دردسر ادامه نمی‌یابد؟

۱ آمریکا ۴۶ هزار نظامی خود را در ۱۱ کشور منطقه مستقر کرده است که با شمارش نیروهای پشتیبان که عنوان غیرنظامی را یدک می‌کشند، مجموع قوای نظامی این کشور در غرب آسیا نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر می‌رسد.

آمریکا هیچ‌گاه با چنین حجم نیرویی در منطقه آن هم با چینش مناقشه برانگیز قادر به کسب آرامش نیست. اگر واشنگتن قصد زورگویی بیش از اندازه و کمین برای دست زدن به حمله ناگهانی را ندارد، به این حجم از نیروها نیازی نیست. آمریکا اگر حضور نظامی خود را غیرمناقشه‌ای می‌داند، برای آنکه باورپذیر باشد باید آن را به کشورهایی محدود کند که چنین حضوری را طلب می‌کنند؛ از قطر گرفته تا عربستان سعودی. حضور آمریکا در عراق و سوریه که مورد مخالفت جدی گروه‌های حاضر در دولت‌های این دو کشور است، نشان‌دهنده مبارزه‌طلبی واشنگتن است. توقع آمریکا به آرامش در چنین وضعیتی بیهوده است.

۲ آمریکا آنقدر نیرو ندارد که بخواهد همه مناطق را در سطحی مطلوب پوشش دهد. از این رو باید دست به اولویت‌بندی و تعیین سطح بزند. اتفاقی که در غرب آسیا رخ داده است، تلاش برای فرسایش حضور نظامی آمریکاست. محور مقاومت قصد دارد به آمریکا تاکید کند اگر می‌خواهد به حضور نظامی در منطقه ادامه دهد، این حضور بی‌تنش نخواهد بود و کاخ سفید در پی این تنش‌ها باید حضور خود را بارها افزایش دهد، تا جایی که هزینه‌ها بر فایده‌ها پیشی گیرند. حد وسطی برای آمریکا وجود ندارد. به عبارتی دیگر آمریکا تعیین‌کننده سطح و میزان حضور خود و حتی نحوه عملکرد نیروهایش نخواهد بود، بلکه این محور مقاومت است که زمین بازی و قواعد آن را تعیین می‌کند.

۳ محور مقاومت جنگی هوشمندانه را با آمریکا انجام می‌دهد. آنقدر واشنگتن را مشغول می‌کند تا با ظهور و قدرتمندتر شدن دیگران، سهم آمریکا از قدرت جهانی اندک شود.

چرا توان آمریکا برای تداوم حضور درحال کاهش است؟

۱ حضور خارجی آمریکا وضعیتی مانند شوروی یافته است؛ بیش از حد گسترده و پرهزینه بدون وجود ضرورت و انطباق با شرایط. در مقاله آندریاس کلوت در بلومبرگ یادآوری شده است که در طول دو دهه آخر جنگ سرد، بدهی عمومی ایالات‌متحده به‌طور متوسط ۳۸ درصد از تولید اقتصادی بود اما در سال گذشته این میزان به سه برابر رسیده است. به نوشته کلوت، آمریکایی‌ها به‌طور فزاینده‌ای می‌خواهند کشورشان برای حل مشکلات در داخل سرمایه‌گذاری کند و اولویت‌های مشخصی را در خارج از کشور تعیین کند.

۲ آمریکا درحال حاضر می‌داند باید از غرب آسیا خارج شود اما برای آنکه در اذهان شکست خورده تلقی نشود همانند بازنده‌ها به بازی ادامه می‌دهد. بالاخره هر دولتی با هر سطح قدرتی می‌تواند تا زمانی مشخص همانند بازنده‌ها بازی کند. دولتی مانند شوروی پس از یک دهه از افغانستان خارج می‌شود و دولتی مانند آمریکا پس از دو دهه اما خروج قطعی است.

۳ وضعیت وخیمی که آمریکا در جهان یافته و مورد جسارت واقع می‌شود، نتیجه اتلاف انرژی و قبح‌شکنی مقابله با واشنگتن در غرب آسیا توسط گروه‌های کوچک است. با ادامه قبح‌شکنی‌ها، دیگران نیز جسارت بیشتری خواهند یافت.

چرا خروج به نفع همه است؟

۱ حضور نیروهای آمریکایی، پیشران گسترش محور مقاومت در منطقه است. ایران به محور مقاومت برای گسترش نفوذ خود نیازی ندارد و حتی روابط تهران با این گروه‌ها بدون دشمنی به بزرگی واشنگتن کاهش خواهد یافت. نفوذ منطقه‌ای ایران برای تسلط بر دیگران طراحی نشده بلکه اقدامی دفاعی برای بازدارندگی است. تهران به گروه‌های مقاومت برای دور نگه‌داشتن آمریکا از منطقه و گروه‌های مقاومت محلی به حمایت‌های ایران برای کسب توانمندی مقابله با آمریکا نیازی متقابل دارند.

۲ در آمریکا عده‌ای تلقی دارند که از سوی برخی طرف‌های غیرآمریکایی نیز در گوش آنها زمزمه می‌شود؛ «با خروج از منطقه منافع آمریکا توسط محور مقاومت تهدید خواهد شد.» اما آنچه در واقعیت وجود دارد این است که «با حضور نظامی آمریکا در منطقه منافع واشنگتن قطعا تهدید می‌شود» اما درصورت خروج، احتمالی برای سالم ماندن این منافع وجود دارد؛ به‌ویژه زمانی که دلیلی برای تهدید منافع آمریکا وجود نداشته باشد و واشنگتن برای مدیریت اوضاع و گفت‌وگو قابل اطمینان باشد، زیرا دولتی که نیروهای نظامی خود را خارج می‌کند به‌دنبال جنگ و درگیری نیست.

آمریکا در غرب آسیا به‌دنبال چیست؟

اگر آمریکا قصد تهدید یا تطمیع ایران برای دستیابی به آسیای مرکزی و کنترل چین و روسیه و دستیابی یا نظارت بر منابع سین‌کیانگ و سیبری را دارد، باید در منطقه بماند و بجنگد زیرا ایران اجازه نفوذی گسترده که می‌تواند آمریکا را به یک غول غیرقابل کنترل تبدیل کند، نمی‌دهد. واشنگتن باید از رویاهای دست‌نیافتنی، دست بکشد. اگر آمریکا قصد دارد از آرزوهای گروه‌های ایدئولوژیک برای راه‌اندازی جنگ‌های آخرالزمانی پیروی کند باید در منطقه بماند و بجنگد. با این حال اگر واشنگتن می‌خواهد منافعی در حد مطلوب مانند امنیت انرژی، کسب سود از بازار انرژی و بازارهای فروش داشته باشد، این منافع قابل به‌رسمت شناختن هستند.

هشدار نسبت به مک کنزی و سنتکام

تداوم فعالیت‌های مک‌کنزی پیرامون غرب آسیا و ایران، فراتر از اظهارات کارشناسی و بیشتر شبیه فضاسازی است. تحریکات او نشان می‌دهد طیف سنتکام در اتصال با لابی‌های صهیونیستی و دولت رژیم درحال تشدید اوضاع در منطقه است. خروج از سوریه برای آمریکا زیان‌بار نیست؛ همانند یک‌دهه قبل که واشنگتن در این منطقه حضور نظامی نداشت اما برای صهیونیست‌ها می‌تواند احساس ناامنی ایجاد کند. مک‌کنزی قصد دارد با سخنانش آمریکا را تحریک به ادامه حضور و واشنگتن را خرج امنیت تل‌آویو کند. این موضوع نوع ارتباطات مک‌کنزی را مشکوک می‌سازد. مک‌کنزی نگران است که نیروهای بشار اسد با حمایت ایران و روسیه نتوانند نیروهای داعش در شرق سوریه را مهار کنند! بنابراین به آمریکا توصیه می‌کند به‌جای دمشق، تهران و مسکو هزینه کند و کشته بدهد. این نگرانی مک‌کنزی برای همه کسانی که او دشمن آمریکا می‌داند، بسیار جالب است.

استدلال‌های ضعیف و سست مک‌کنزی نشان می‌دهد او قصد دارد به هر دری بزند تا نیروهای آمریکا را در عراق و سوریه حفظ کند. نیروهای مقاومت که در دولت‌های عراق و سوریه حضور دارند به نیروهای آمریکایی مستقر در این دو کشور حمله می‌کنند، اما مک‌کنزی ادعا یا توصیه می‌کند واشنگتن سخاوتمندانه باید از آنها در برابر داعش حفاظت کند! سنتکام به‌جای دفاع از آمریکا به مدافع رژیم به زیان واشنگتن تبدیل شده است. اینکه سنتکام با سناریوسازی آمریکا را از اولویت‌های جهانی و به‌شدت پررنگ خود آن هم در مقاطعی حساس و با جبهه‌های فعال تخلیه و به غرب آسیا می‌کشاند، حکایت از نفوذی بزرگ در دستگاه نظامی آمریکا دارد. مک‌کنزی معتقد است با حمله به اردن بازدارندگی براساس حفاظت موثر دفاعی از نیروهای آمریکایی به پایان رسیده و باید از طریق اقدامات تهاجمی پیگیری شود؛ این اقدام دقیقا افزایش انگیزه و فرصت برای کاهش بازدارندگی آمریکا به گروه‌های مقاومتی است. توصیه مک‌کنزی ورود به چرخه‌ای از تنش‌هاست که می‌تواند تا زد و خوردهای شدید کشیده شود.

تحولات پاکستان از منظر همسایگان

میراحمدرضا مشرف
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

همان‌طور که انتخابات و نتایج آن در داخل پاکستان با دقت و حساسیت پیگیری می‌شود، کشورهای خارجی و به‌خصوص همسایگان این کشور نیز با حساسیتی که بعضا با نگرانی توام است، این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهند. بر همین اساس در زیر به شکلی اجمالی و بسیار مختصر به انتخابات پاکستان و تحولات حاصل از آن از منظر همسایگان این کشور پرداخته‌ایم. قابل ذکر است که با توجه به تاثیر چشمگیر تحولات پاکستان بر مسائل افغانستان و اهمیت این دو کشور در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تمرکز ویژه‌ای روی ارتباطات میان این دو کشور انجام گرفته است.

۱ جمهوری اسلامی ایران

با توجه به ساختار و سیاست خارجی حاکم بر نظام سیاسی پاکستان، به‌طور معمول استقرار دولت‌های مختلف در اسلام‌آباد برای منافع جمهوری اسلامی تفاوت‌های اندکی ایجاد می‌کند؛ کما اینکه عمران‌خان برای ارتقای هرچه بیشتر روابط دو کشور کوشش به خرج داد اما درنهایت روابط دو کشور با دگرگونی قابل ملاحظه‌ای مواجه نشد. اما در حال حاضر آنچه که برای ایران بیش از هرچیز اهمیت دارد استقرار یک دولت پایدار و باثبات در پاکستان است. در طی چند سال گذشته که اوضاع پاکستان دستخوش تحولات و ناآرامی‌های سیاسی و امنیتی شده، بازتاب آن در حوزه‌های مختلف روابط دو کشور و به‌طور خاص در بستر ناآرامی‌ها در مرزهای شرقی جمهوری اسلامی بروز پیدا کرده است. اگرچه مراودات ایران با ارتش و نظامیان پاکستان به‌عنوان صاحب‌نظران اصلی حوزه سیاست خارجی پاکستان در این سال‌ها به شکل مناسبی تداوم داشته اما گرفتار شدن ارتش در مناقشات داخلی به‌طور قطع از میزان توجه آن به حوزه‌های اساسی چون امنیت مناطق مرزی و پیرامونی خواهد کاست، موضوعی که مستقیما به زیان ایران تمام خواهد شد. بنابراین به نظر می‌رسد در شرایط فعلی این موضوع که چه کسی یا چه حزبی در اسلام‌آباد مستقر شود برای تهران در اولویت نیست، بلکه نگرانی و حساسیت تهران صرفا بر پایان یافتن اوضاع بحرانی سیاسی کنونی در این کشور تمرکز دارد.

۲ جمهوری خلق چین

با توجه به سرمایه‌گذاری عظیم چینی‌ها در پاکستان، آنها با حساسیت بسیار بیشتری تحولات داخلی پاکستان را دنبال می‌کنند. در دوره عمران‌خان و به‌ویژه در اواخر آن، پکن به‌شدت منتقد سیاست‌های وی شده بود، به‌خصوص که عدم هماهنگی او با ارتش و نظامیان، به امنیت پاکستان و پروژه‌های اقتصادی کلان چین در این کشور صدمات جدی وارد ساخته بود. چینی‌ها حتی نسبت به تقابل عمران‌خان با آمریکایی‌ها هم دید خوبی نداشتند، زیرا درنهایت افزایش تقابل اسلام‌آباد و واشنگتن را به زیان منافع پکن در این کشور می‌دانستند. در چنین شرایطی می‌توان این گونه برداشت کرد که آنها به هر گزینه‌ای که به تنش‌ها میان ارتش و دولت پاکستان پایان دهد، رضایت دارند و البته چه بهتر که این گزینه فردی از خاندان شریف باشد. خاندان شریف و در راس آنها شخص شهباز شریف همواره ارتباطات بسیار نزدیکی با چینی‌ها داشته‌اند و ایالت پنجاب یکی از مراکز مهم سرمایه‌گذاری چینی‌ها بوده است.

۳ هندوستان

در میان کشورهای دارای روابط با اسلام‌آباد، هند در زمره کشورهایی قرار می‌گیرد که ارتش و نظامیان پاکستان در تعیین سطوح روابط با آنها بیشترین نقش را ایفا می‌کنند. بنابراین از منظر دهلی‌نو شاید جابه‌جایی دولت‌ها در اسلام‌آباد به اندازه جابه‌جایی‌های روسای نظامی و ارتش پاکستان دارای اهمیت نباشد. ژنرال «عاصم منیر» رئیس کنونی ارتش پاکستان با توجه به سابقه فعالیت در مناطق مرزی و مورد مناقشه میان دو کشور، به داشتن مواضعی سخت در برابر هند شهرت دارد. در یکی از مصاحبه‌های اخیر وقتی از وی درمورد روابط با دهلی‌نو سوال شد تاکید کرد: «هند با مفهوم پاکستان آشتی نکرده است، پس چگونه می‌توانیم با آن آشتی کنیم.» علاوه‌بر این عاصم منیر و دیگر نظامیان پاکستانی نسبت به ارتباطات اخیر دولت هند با طالبان نیز به شدت سوءظن دارند و افزایش ناامنی‌ها در پاکستان را با افزایش تحرکات هند در منطقه و به‌خصوص در افغانستان بی‌ارتباط نمی‌دانند.

با این همه نباید این نکته را نادیده گرفت که به‌رغم تعیین‌کننده بودن نقش ارتش در روابط پاکستان و هند، دولت‌های مستقر در اسلام‌آباد نیز از ظرفیت‌های قوی برای تاثیرگذاری بر روابط دو کشور برخوردار هستند. به‌عنوان مثال در دوره عمران‌خان تاکید زیاد او بر مساله کشمیر در مجامع داخلی و بین‌المللی باعث افزایش فاصله میان دهلی‌نو و اسلام‌آباد شده بود. از سوی دیگر در هنگام بازگشت طالبان به حکومت افغانستان نیز عمران‌خان سخنان تندی خطاب به هندی‌ها گفت و آنها را بازنده بزرگ میدان افغانستان خواند. بنابر این عمران‌خان تقریبا به‌عنوان شخصیتی ضدهندی معرفی شده بود و دقیقا بر همین اساس است که در جریان یکی از نخستین سخنرانی‌هایش بعد از برکناری بر این مساله تاکید کرد که وی در دوران نخست‌وزیری با هیچ کشوری ازجمله هند ضدیت نداشته است. اما این شرایط در دوره حاکمیت حزب مسلم لیگ و شخص نواز شریف اغلب برعکس بوده است. در آخرین دوره نخست‌وزیری نواز شریف روابط هند و پاکستان گرم‌تر از قبل شد چنانکه نواز شریف پیروزی مودی در انتخابات ۲۰۱۴ را به وی تبریک گفت و شخصا در مراسم تحلیفش حاضر شد. در عین حال نواز شریف در همین ایام برای نخستین بار در تاریخ پاکستان، اجازه برگزاری مراسم جشن دیوالی را به هندوهای این کشور داد و بر حمایت از حقوق هندوها در این کشور تاکید کرد. شهباز شریف هم در دوران نخست‌وزیری کوتاه‌مدتش از رویکردهای تنش‌آمیز نسبت به هند پرهیز داشت و حتی در مقطعی از نخست‌وزیر مودی برای سفر به اسلام‌آباد به‌منظور حل مشکلات و اختلافات، دعوت به عمل آورد.

اکنون که گزینه نخست‌وزیری از حزب مسلم لیگ و یکی از دو برادر یعنی نواز یا شهباز خواهد بود، شاید حضور هر کدام از آنها در راس دولت بتواند یکبار دیگر یخ‌های روابط دو کشور را اندکی باز کند. همان موردی که می‌توان از اظهارات نواز شریف در جریان یکی از مصاحبه‌هایش در بدو ورود به کشور درک کرد؛ در جایی که وی اعتبار جهانی پاکستان را به روابط دوستانه‌اش با کشورهای دیگر ازجمله همسایگانی چون افغانستان، هند و ایران پیوند می‌زند. با توجه به وضعیت داخلی پاکستان به نظر می‌رسد که مقامات ارتش هم از این امر استقبال کنند؛ چراکه آشفتگی‌های داخلی چند سال اخیر انرژی زیادی از نظامیان گرفته و مانع توانمندسازی آنها شده است. چندی پیش عمران‌خان هم به همین موضوع اشاره کرد که ژنرال باجوا، رئیس وقت ارتش پاکستان زمانی به او گفته بود که ارتش پاکستان برای جنگ محتمل با هند مجهز و آماده نیست.

۴ افغانستان و امارت اسلامی طالبان

بدون تردید بعد از هند، این دومین حوزه مهم سیاست خارجی است که در زیر نظارت و کنترل مستقیم ارتش و نظامیان پاکستان قرار دارد. اما اینکه چرا نظامیان بیشترین سلطه را بر امورات مربوط به حوزه افغانستان دارند، به‌طور عمده از دو مساله متاثر می‌شود؛ نخست نگاه نظامیان به افغانستان به‌عنوان «عمق استراتژیک» پاکستان. رویکردی که به نوعی در امتداد سیاست خارجی و تخاصمات اسلام‌آباد در برابر دهلی‌نو قرار می‌گیرد. در این بستر استقرار دولتی در کابل که در مواقع ضروری بتواند به یاری اسلام‌آباد بشتابد، ضرورتی غیرقابل چشم‌پوشی محسوب می‌شود. اما مناقشات مرزی پاکستان و افغانستان و به‌طور خاص مناقشه بر سر خط مرزی دیورند، دومین مساله‌ای است که موجب شده تا ارتش پاکستان بیش از پیش کنترل سیاست خارجی در حوزه افغانستان را در اختیار داشته باشد. با توجه به اسکان قومیت‌های پشتون در دو طرف مرز و تعلق گذشته این نواحی به زمامداران افغانستان (شهر پیشاور در پاکستان کنونی، زمانی اقامتگاه زمستانی پادشاهان قدیم افغانستان بود)، از زمان استقلال پاکستان تاکنون هیچ دولتی در افغانستان حاضر به پذیرش رسمی این خط به‌عنوان مرز رسمی دو کشور نشده است. بدین ترتیب وجود یک مناقشه مرزی تمام‌نشدنی و مسائل امنیتی پیرامون آن باعث شده تا دست ارتش و نظامیان برای مداخلات تعیین‌کننده در روابط دو کشور باز باشد.

در رابطه با میزان مداخله و قدرت نظامیان در حوزه مسائل افغانستان شاید ذکر خاطره‌ای که اخیرا از سوی رحمت‌الله نبیل، ریاست امنیت ملی دولت اشرف غنی بازگو شده به قدر کافی گویا باشد. از وی نقل شده که در جریان سفر سال ۲۰۱۵ نواز شریف نخست‌وزیر وقت پاکستان به کابل، که در معیت ژنرال راحیل شریف رئیس ارتش و همچنین رئیس وقت ای‌اس‌ای انجام گرفت، پس از آن که نخست‌وزیر پاکستان در مورد اهمیت همسایگی مسالمت‌آمیز سخنرانی کرد و فضای مساعدی مبتنی بر حسن همجواری به وجود آورد، ژنرال راحیل شریف در جایگاه سخنران بعدی با لحنی تند و گزنده به دولت افغانستان تاخت و کابل را به پناه دادن به تحریک طالبان در خاک افغانستان و تامین امکانات برای آنها متهم کرد. در اینجا رحمت‌الله نبیل یادآوری می‌کند که چگونه نواز شریف از پاسخ‌های کوبنده او به ژنرال‌های ارتش پاکستان خشنود شده و در محفلی خصوصی از وی قدردانی و تشکر کرده است.

به‌رغم همه بحث‌هایی که در مورد میزان نفوذ و قدرت نظامیان پاکستانی در تصمیم‌گیری مربوط به حوزه افغانستان مطرح شد، دوران نخست‌وزیری عمران‌خان ثابت کرد که نظامیان تا چه حد می‌توانند در برابر دولت‌های مستقر در اسلام‌آباد شکننده و آسیب‌پذیر باشند. بر این اساس عمران‌خان با سیاست‌های خود در رابطه با افغانستان، ارتش پاکستان را چندپاره کرد و باعث استقرار دولتی در کابل شد که بعدها معلوم شد به‌هیچ‌وجه خوشایند ساختار فرماندهی ارتش نبوده است. علاوه‌بر این عمران‌خان مذاکرات با تحریک طالبان پاکستان (تی تی پی) را در سایه همراهی و همکاری امارت اسلامی طالبان به راه انداخت و اگرچه موفق به برقراری آتش‌بس موقتی با تی‌تی‌پی شد، اما بنابر اذعان نظامیان پاکستان امتیازاتی بیش از حد و به دور از موافقت ارتش در اختیار آنها قرار داده بود.

با توجه به تحولات ذکرشده در دوره عمران‌خان، اکنون باید پذیرفت که تغییر دولت در اسلام‌آباد هم می‌تواند تا حد قابل ملاحظه‌ای بر رویکردها در قبال افغانستان تاثیرگذار باشد. در این راستا و با در نظر گرفتن نتایج انتخابات سراسری اخیر پاکستان، احتمال فراوانی وجود دارد که یک بار دیگر حزب مسلم‌لیگ و یکی از برادران شریف زمام امور کشور را در قالب یک دولت ائتلافی به دست گیرد. سابقه چند دوره حاکمیت حزب مسلم‌لیگ در پاکستان و چگونگی تعامل این حزب با طالبان می‌تواند تا حدی گویای رویکردها و گرایش‌های آنها در قبال افغانستان باشد. این پیشینه تاریخی روشن می‌کند که نواز شریف در دوران زمامداری خود عموما با طالبان و زمامداری آنها بر افغانستان مشکل حادی نداشته است. در دوره اول حاکمیت طالبان، دولت وقت نواز شریف رابطه حسنه‌ای با آنها برقرار کرد و جزء سه کشوری بود که حاکمیت آنها بر افغانستان را به رسمیت شناخت. رویکرد او در دوران جمهوریت نیز بر هماهنگی با مواضع ارتش پاکستان و حمایت از مذاکره دولت کابل با طالبان تمرکز داشت. در کل به نظر می‌رسد وی طرفدار پیگیری رویکردی ملایم با طالبان بود که البته شامل طالبان پاکستانی هم می‌شد. در سایه برخورداری از چنین نگرشی بود که کمپین‌های تبلیغاتی حزب مسلم لیگ در انتخابات سراسری ۲۰۱۳ از حملات طالبان پاکستانی مصون ماندند. وی پس از کسب منصب نخست‌وزیری هم تلاش‌های فراوانی برای ترغیب تحریک طالبان پاکستان به مذاکره انجام داد که به‌رغم موفقیت‌های اولیه، با حمله تروریستی خونین این گروه به مدرسه نظامی پیشاور، عقیم ماند. در دوره نخست‌وزیری شهباز شریف هم که با حاکمیت مجدد طالبان در افغانستان، اوج‌گیری تنش‌ها میان اسلام‌آباد و کابل و رویکرد شدیدا انتقادی ارتش پاکستان از طالبان مصادف گردید، وی مواضع ملایم‌تری در برابر حاکمیت طالبان نشان می‌داد و به دفعات متعدد و در جریان نشست‌های مختلف دوجانبه یا بین‌المللی (نشست شانگهای در هند یا در جریان سفر به ایران)، بر لزوم تعامل هرچه بیشتر جامعه جهانی با طالبان و ایستادن در کنار مردم افغانستان تاکید داشت. یکبار نیز در جریان مباحثه‌ای که میان خواجه آصف، وزیر دفاع دولت شهباز و امرالله صالح، معاون رئیس‌جمهور سابق افغانستان پیش آمد، این عضو کابینه شهباز شریف، امرالله صالح و افراد مثل او را بیرون رانده شدگانی به دست مبارزان راه آزادی [طالبان] خواند.

با این اوصاف و در شرایط فعلی که تحریک طالبان پاکستان به عمده‌ترین مشکل میان امارت اسلامی طالبان و پاکستان تبدیل شده است، مقامات کابل می‌توانند نسبت به بازگشت مجدد مسلم لیگ و خاندان نواز به صحنه قدرت سیاسی پاکستان خوشبین باشند. احتمالا نواز یا برادرش شهباز تنها کسانی هستند که می‌توانند ارتش را به ازسرگیری مذاکره با تی‌تی‌پی ترغیب کرده و به این شکل گره کور روابط میان امارت طالبان و اسلام‌آباد را باز کنند. با توجه به وخامت اوضاع اقتصادی افغانستان و باقی ماندن شمشیر تحریک انصاف بر سر نظامیان، شاید آنها هم چندان بدشان نیاید که همه چیز را به سیاستمداران کارکشته و البته ملاحظه‌کار و مطیع مسلم لیگ بسپارند. در این میان ائتلافی بودن دولت و مشارکت احزابی دیگری همچون حزب مردم، کار را تا حدی برای خاندان شریف سخت خواهد کرد، به خصوص اینکه بلاول بوتوی جوان تمایل دارد خود را چهره‌ای نوگرا، معتدل و منتقد سیاست‌های طالبان در قبال اقلیت‌ها و زنان نشان دهد.

فرهیختگان ورزشی
شماره مسلسل ۴۸۱۹
پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
۵ شعبان ۱۴۴۵
۱۵ فوریه ۲۰۲۴
شماره ۴۰۸۱
| Thu | 15 Feb 2024 | vol.15 |
No. 4081 | 16 Pages

صالح مصطفوی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» پیشنهاد داد

بازسازی تیم ملی با الگوی آلمان بعد از ۹۸

اولویت اول در تیم ملی باید اصلاح ساختار دفاعی باشد

برنامه‌های تاکتیکی اوسمار به‌هم ریخت

قرمزها با ترکیب نیم‌فصل اول مقابل آلومینیوم

فغانی قطعی نیست؛ ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ داور ندارد

خسروی: از ابلاغ‌های ۲ سال اخیر مشخص بود داور نداریم!

پشت‌پرده درگیری حامدی‌فر در باشگاه استقلال

پای پیشنهاد ۲۰ میلیاردی و عدم اصلاح واقعی قرارداد درمیان است

با حضور دو عضو جدید

افزایش مخالفان درویش در هیات مدیره

پورشیب: در تمام این سال‌ها زیر یک دقیقه با دانشگاه آزاد توافق کردم

وفادارترین بازیکن باشگاهی هستم

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

صالح مصطفوی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» پیشنهاد داد

بازسازی تیم ملی با الگوی آلمان بعد از ۹۸

- جوان‌گرایی ناگهانی جوان را می‌سوزاند
- اولویت اول در تیم ملی باید اصلاح ساختار دفاعی باشد
- اگر طارمی تا ۴۰ سالگی در اروپا باشد باید برای تیم ملی هم بازی کند
- اگر پای جوان‌گرایی در میان بود باید به جای اسدی، صیادمنش به قطر می‌رفت

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

تیم ملی فوتبال ایران درحالی در جام ملت‌ها دوباره پشت سد فینال ماند که درباره عملکرد شاگردان قلعه‌نویی در این رقابت‌ها و نقشه راه تیم ملی برای آینده نقدها و اظهارنظرهای متفاوت و متعددی شنیده می‌شود. درباره این موارد دقایقی با صالح مصطفوی که خود سابقه حضور در کادر فنی این تیم در کنار کارلوس کی‌روش را دارد به گفت‌وگو پرداختیم. متن گفت‌وگوی این چهره با «فرهیختگان» را در ادامه می‌خوانید.

می‌خواهیم صحبت را از اینجا شروع کنیم که تیم ملی بعد از جام ملت‌های آسیا برای موفقیت در ادامه مسیر پیش‌رو باید چه کاری انجام بدهد؟ برخی معتقدند باید دست به جوان‌گرایی و پوست‌اندازی بزنند، برخی به تغییرات در کادر فنی به‌صورت کلی اشاره می‌کنند و بعضی هم می‌گویند فعلا دستیاران امیر قلعه‌نویی باید تغییر کنند. نظر شما چیست؟

کاری به اینکه بعد از این چه کسی می‌خواهد موارد فنی تیم ملی را به عهده بگیرد، ندارم. تیم ملی ما در جام ملت‌های آسیا به‌وضوح یک سری ایرادهای فنی داشت که بیشتر این ایرادها نیز در فاز دفاعی بود. درواقع به گفته خودشان می‌خواستند سبک دفاعی تیم ملی را از بین ببرند و یک سبک هجومی را درست کنند. بنابراین اگر بپذیریم که تیم ملی سبک دفاعی داشته که من همین را هم نمی‌پذیرم، با توجه به تعداد گل‌هایی که خوردیم و موقعیت‌هایی که دادیم؛ پس آمدیم ابرو را درست کنیم چشم را هم کور کردیم! به طور مثال تیم ملی هنگ‌کنگ در کل جام هیچ گلی نزده اما بیشترین موقعیتی که درست کرده روی دروازه تیم ملی ایران بود و این برای خط دفاعی کشورمان بد است. پس این مورد نشان می‌دهد هر فردی می‌خواهد با هر کادری هدایت تیم ملی را در دست بگیرد باید اولویت اولش اصلاح ساختار دفاعی تیم ملی باشد.

درباره موضوع جوان‌گرایی که بیشتر از هر بحث دیگری مطرح می‌شود صحبت کنیم.

یک سری مسائل فردی هستند و یک سری مسائل گروهی. تیم ملی باشگاه نیست که شما وقت زیادی برای کار کردن با بازیکنان داشته باشید پس باید از بهترین‌ها استفاده کرد. بنابراین با توجه به نفراتی که وجود دارد و البته فرصتی که برای انجام کارهای فنی به اندازه کافی وجود ندارد، باید سیستم مناسب برای بازیکنانی که در اختیار هستند را انتخاب کرد. به هر حال به نظر من چنین اتفاقی باید در برنامه تیم ملی باشد. قطعا تیم ملی ایران مثل دوره‌ای که بسیاری از جوان‌ها مثل جهانبخش، آزمون و عزت‌اللهی در سن کم لژیونر شدند، اگر الان هم به همان سمت برود این موضوع برای فوتبال ایران بسیار خوب است. من شنیدم که قرار است یکی از بازیکنان تیم ملی جوانان به زسکای مسکو برود، اینها اتفاقات خوبی هستند. مگر ما الان چند لژیونر زیر ۲۵ سال داریم؟ فکر می‌کنم غیر از صیادمنش و حزباوی دیگر نداشته باشیم.

اشاره به حضور جوان‌ها در تیم ملی داشتید، اتفاقی که در سالیان اخیر کمتر رخ می‌دهد. به دلایل این امر اشاره کنید؟

شما به همین لیگ برتر خودمان نگاه کنید که آنقدر نتیجه‌گرا شده که به جوان‌ترها بازی نمی‌دهند. هر بار هم قوانینی برای این موضوع تعیین شده و باعث شد تا ملی‌پوشان از سطح رده‌های سنی شانس حضور در سطح اول فوتبال را داشته باشند اما این قوانین هم فایده نداشته و همه اینها را از بین بردند. الان لیگ ما طوری است که میانگین سنی خود تیم‌ها هم بالا رفته است. به طور مثال آقای گل‌های لیگ هم میانگین سنی بالایی دارند. وقتی شرایط اینطور می‌شود شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید تیم ملی که ویترین فوتبال مملکت است به بازیکن بازی نکرده، یعنی همین جوانانی که مدنظر هستند بازی بدهد.

کمی به ارزیابی اتفاقات پیش‌روی تیم ملی بیشتر بپردازیم.

به نظر من دو اتفاق باید پیش‌روی تیم ملی باشد؛ اول اصلاح ساختار دفاعی و نقاط ضعف دفاعی با حضور هر مربی که می‌خواهد باشد، که با توجه به کمبود زمان برای کار با تیم ملی می‌توان با روش‌ها و سیستم‌های مختلف و با استفاده از نفرات دیگر این ساختار را درست کرد و موضوع دوم اینکه اگر بحث تغییر نسل در میان است باید این اتفاق خیلی نرم انجام شود این درحالی است که میانگین سنی تیم ملی در جام ملت‌های آسیا کمی کمتر از ۲۹ سال بود که باید برای کم کردن این میانگین با برنامه‌ریزی و دقت کارها را پیش برد.

در این مورد نمونه‌های مشابه قبلی هم وجود دارد که به تیم ملی کمک کند؟

به طور مثال تیم ملی آلمان در جام جهانی ۹۸ با میانگین سنی نزدیک به ۲۸ سال در این رقابت‌ها حاضر می‌شود و جالب اینکه همه به این تیم لقب پیرمردها را می‌دهند و درنهایت این تیم در آن سال با شکست مفتضحانه از دور رقابت‌ها کنار می‌رود اما این کشور بعد از سال ۹۸ یک حرکت جالب انجام می‌دهد مبنی بر اینکه حدود ۶۰ مرکز آموزش فوتبال را در سطح این کشور راه‌اندازی می‌کند و از افراد متخصص در این راه بهره لازم را می‌برد. آلمان‌ها در آن سال نسلی را تربیت می‌کنند که این نسل در سال ۲۰۱۴ قهرمان جام جهانی می‌شود. بنابراین آلمان‌ها هم روی فوتبال پایه کار کردند که نتیجه‌اش این شد که از حذف مفتضحانه سال ۹۸ و ۲۰۰۰ به قهرمانی جهان در سال ۲۰۱۴ رسیدند. آنها هم دست به تغییر نسل نرم زدند به این شکلی که تا چند سال میانگین سنی ۲۸ سال را حفظ کرده و سپس طی چند سال بعد، یک سال یک سال آن را پایین آوردند و درنهایت در جام جهانی ۲۰۱۴ با یک میانگین سنی مناسب و جوان قهرمان جهان می‌شوند.

به واژه تغییر نسل نرم در تیم ملی اشاره کردید، در این مورد بیشتر صحبت می‌کنید؟

بله منظورم این است که پوست‌اندازی و تغییر نسل و جوان‌گرایی باید در تیم ملی به مرور انجام شود. شما اگر بخواهید به‌یکباره ۱۱ بازیکن اصلی تیم ملی را از آن بگیرید این دیگر تیم ملی ایران نخواهد بود ضمن اینکه نتیجه برای ما در مسابقات مختلف مهم است. الان صعود کردن از مرحله انتخابی و رسیدن به جام جهانی هم برای ما بسیار مهم هستند. از سوی دیگر وقتی شما یک مهاجم در لیگ ایتالیا دارید یا یک مهاجم دیگرتان آقای گل پرتغال می‌شود آیا شما می‌توانید مهاجم سومی را بدون در نظر گرفتن این دو نفر بازی بدهید؟ قطعا نمی‌شود! درواقع یکی از دلایلی که حمایت پشت تیم ملی می‌آید همین بازیکنان بزرگ بین‌المللی هستند چون مردم آنها را دوست دارند. یک وجه اینکه مردم فوتبال اروپا را دنبال می‌کنند به خاطر همین نفرات است. پس نمی‌شود این نفرات را بیرون گذاشت. اگر بازیکنی مثل طارمی به طور مثال تا ۴۰ سالگی در اروپا بازی کند چرا نباید برای تیم ملی بازی کند؟

در هر صورت یک سری از بازیکنان هم با توجه به افزایش سن افت کرده‌اند و به‌وضوح شاهد افت کیفیت آنها در تیم ملی هستیم یا حتی برخی به این اشاره می‌کنند که یک سری از بازیکنان برای تیم ملی یا شخص مربی بازی نمی‌کنند؟

اینکه می‌گویند بازیکن بازی می‌کند یا بازی نمی‌کند، این موارد را قبول نمی‌کنم اما اگر بازیکنی هست که از لحاظ فنی عملکردی دارد که به تیم ملی کمک می‌کند، باید باشد.

درباره تغییر نسل داشتیم صحبت می‌کردیم این موضوع چگونه اتفاق می‌افتد؟

در اقدام اول باید تعداد بازی‌های دوستانه را زیاد کنیم، اولا در لیست ۵۰ نفره باید از جوان‌های بیشتری استفاده کرد و به آنها بازی داد. به طور مثال اللهیار صیادمنش یا حزباوی، اینها باید برای تیم ملی بازی کنند، یا مهدی قایدی به همین شکل. اینها سن کمی دارند و این نفرات حالا باید برای تیم ملی بازی کنند. البته بازیکنی مثل قایدی در ترکیب تیم ملی رقیب ندارد و مانند او حتی در آسیا هم وجود ندارد، اما اللهیار دو رقیب بزرگ دارد و نمی‌توان طارمی و آزمون را بازی نداد و صیادمنش را فیکس در ترکیب گذاشت مگر اینکه او عملکرد فوق‌العاده‌ای داشته باشد. اما می‌توان وقتی صعود قطعی شد یا مثلا در یک بازی دوستانه که در مسیر آماده‌سازی انجام می‌شود، یک نیمه با ترکیب اصلی به میدان رفت و در نیمه دوم از این جوانان استفاده کرد تا آنها هم با تجربه شوند. بنابراین جوان‌ترها باید آرام‌آرام و به این شکل تزریق شوند.

برخی به این اشاره می‌کنند که باید جام جهانی را فراموش کنیم و به موفقیت در جام ملت‌ها معطوف شویم و برعکس برخی هم معتقدند باید جام ملت‌ها را دست‌کم گرفته و برای جام جهانی برنامه‌ریزی کنیم. در این مورد چه صحبتی دارید؟

این حرف‌ها را قبول ندارم! همه این رقابت‌ها برای تیم ملی مهم هستند و ویترین محسوب می‌شوند. همین الان هم در ترکیب تیم ملی هم می‌تواند یک بازیکن مسن برود و یک جوان جایگزین او بشود. ممکن است در پست‌هایی بازیکنان خیلی خوبی داشته باشیم اما بازیکنی مانند ابوالفضل جلالی که سن کمی هم دارد می‌تواند جایگزین این نفرات بشود و به این شکل میانگین را کم کرد. همین جلالی در بازی با آمریکا بازی کرده و بد هم کار نکرد. بنابراین اعتقاد دارم آماده‌ترین بازیکن‌ها با هر سنی باید در تیم ملی باشند، هر تعدادی هم که می‌خواهد باشد. درواقع شاکله اصلی تیم ملی را باید آماده‌ترین‌ها تشکیل بدهند اما بازیکنانی که ممکن است کمتر به آنها بازی برسد یا در ترکیب اصلی نیستند به مرور با بازیکنان آینده‌ساز جایگزین شوند. به طور مثال اگر هدف ما آینده‌سازی بود برای نمونه جای رضا اسدی به عنوان مهاجم چهارم باید اللهیار صیادمنش را به جام ملت‌های آسیا می‌بردیم.

پس شما معتقدید هم جام جهانی ویترین است و هم جام ملت‌ها؟

بله؛ علاوه بر آن حتی مقدماتی‌ها هم مهم هستند. یکی از خاطره‌انگیزترین بازی‌های تیم ملی بازی با مالدیو در مقدماتی جام جهانی هست که ما ۱۷ گل به این تیم زدیم. ما در آن بازی با ترکیب اصلی به میدان رفتیم. بنابراین این رقابت‌ها هم ویترین هستند. پس ایران و مالدیو هم ویترین هست، همه بازی‌های تیم ملی به نظر من ویترین هستند و نمی‌توان گفت در راه جوان‌گرایی فلان بازی یا فلان تورنمنت را نادیده بگیریم، باید برای جوان‌گرایی به مرور پیش برویم و باید الگوها بین‌المللی باشند. هرجا را نگاه کنیم این کار به مرور انجام شده در غیر این صورت خود این جوان‌ها می‌سوزند چون ممکن است با این نفرات تیم ملی نتیجه نگیرد و این نفرات بسوزند. فعلا هم که در لیگ ایران شرایط اینطور نیست که این جوانان بازی کنند. اگر آن قوانین قبلی بود و آنها را پیاده‌سازی می‌کردند اینها کمک می‌کرد که جوان‌ترها آرام‌آرام اضافه شوند اما این قوانین هم دیگر وجود ندارد.

به عنوان آخرین مورد، درخصوص قهرمانی دوباره قطر در جام ملت‌های آسیا صحبت کنیم.

کشور قطر به خاطر جمعیت کمی که دارد، برای آنکه بتوانند به دو دوره قهرمانی جام ملت‌های آسیا برسند از سال ۲۰۰۰ برنامه‌ریزی خود را آغاز و از سال ۲۰۰۴ یکی از مجهزترین کمپ‌های فوتبالی را در اسپایر پارک ایجاد کرده و شروع کردند به‌صورت گلخانه‌ای و با حضور استعداد کشورهای دیگر فوتبال خود را از پایه ساختن تا جایی که امروز یک تیم ملی با نسل طلایی درست کرده و دو بار قهرمان جام ملت‌ها می‌شوند. در این بین یک مساله اساسی که وجود دارد این است که آنها اول پتانسیل لازم را ایجاد کردند و دوم اینکه در بطن مسابقات هم استراتژی درستی را با توجه به نفراتی که داشتند مورد استفاده قرار دادند. این کشور قبل از جام ملت‌ها مربی خود را تغییر داده و در جام ملت‌ها با روش ۲-۵-۳ به میدان می‌رود. درست است که قطر نیروی انسانی را پرورش می‌دهد، لیگش را درست می‌کند، مربیان گردن‌کلفت را می‌آورد و زیرساخت‌ها را افزایش می‌دهد و بازیکنانش را به لیگ‌های مختلف می‌فرستد تا آموزش ببینند، همه این کارها را می‌کند اما در بزنگاه‌ها و لحظات آخر آن نکات فنی هستند که اجرا می‌شوند و موفقیت را تضمین می‌کنند.

صحبت پایانی؟

در هر صورت امیدوارم فوتبال ایران هم به یک جایی برسد که از تصمیمات افراطی و تفریطی دور شود و با نظرات فی‌البداهه برای حدود یک میلیون ظرفیت انسانی که در فوتبال ایران وجود دارد تصمیم‌گیری نشود. به نظر می‌رسد با بررسی نمونه‌های موفق خارجی میتوان تصمیم‌های بهتر و درست‌تری را گرفت.

مورایس: باور دارم که بازیکنانم کیفیت لازم را دارند

برای بازی با الهلال هیچ استرسی نداریم

ژوزه مورایس، سرمربی سپاهان در نشست خبری پیش از دیدار برابر الهلال عربستان در لیگ قهرمانان آسیا اظهار داشت: «آرزوی بهترین‌ها را برای الهلال می‌کنم که به یک کشور فوق‌العاده آمده‌اند، مردم فوق‌العاده‌ای را دیده‌اند و قرار است در یک بازی فوق‌العاده، یک جو فوق‌العاده را حس کنند. شما هم اینجا هستید تا راجع‌به این چیزها گزارش بنویسید.»

وی ادامه داد: «فوتبال هیچ وقت و در هیچ زمانی یکسان نیست. من به مرحله بعدی نیامده‌ام، بلکه بازیکنان بودند که وارد مرحله بعدی شدند، آن‌هم با تلاشی که داشتند. من هم به بازیکنانم می‌گویم که هیچ کاری را بدون همکاری و کیفیت آنها نمی‌توانم انجام بدهم. پس این کیفیت و تلاش آنها بود که باعث شد به این مرحله برسند. برای این بازی هیچ فشار، استرس و انتظاری نداریم.»

مورایس درباره اردوی سپاهان در قطر برای دیدار با الهلال و در پاسخ به این سوال که آیا تیمش می‌تواند نتیجه‌ای در بازی رفت بگیرد که دیگر به بازی برگشت فکر نکند و حسش که از آن صحبت کرد، ادامه‌دار باشد، گفت: «من هر روز انتظار بهترین‌ها را داشته و این باور را دارم که بازیکنانم آن کیفیت لازم را دارند. درباره اسامی نفرات سرشناس نیز باید بگویم که یکی از همین اسامی مطرح الان در نشست خبری در کنارم است (رامین رضاییان). حقیقت این است که همه ما انسان هستیم و همه می‌توانیم کاری انجام بدهیم. رضاییان هم یکی از اسامی بازیکنان تیم ماست. ما به‌عنوان یک بازیکن حرفه‌ای بهترین شرایط را برای خودمان فراهم می‌کنیم که بتوانیم کارمان را انجام بدهیم. بحث فقط بحث باور کردن است.»

مورایس درباره جو ورزشگاه نقش جهان گفت: «ما در ایران هستیم. ایران کلا متفاوت است. جو ورزشگاه نقش جهان نیز فوق‌العاده است. الهلال هم استادیوم خوب و زیبایی دارد و قرار است در آنجا بازی کنیم و دیدار زیبایی خواهد بود، ولی چیزی که متفاوت است، این است که برای تیم‌هایی که در سطح‌های بالاتر و در چنین جوهایی بازی می‌کنند، این نوع جوها طبیعی است. از روزی که من به اینجا آمده‌ام، فکر می‌کنم این اولین دیداری است که بانوان در ورزشگاه حضور دارند. چیزی که می‌خواهم بگویم، این است که هیچ مردی بدون بانویش جایی نمی‌رود، در واقع می‌خواهم بگویم که بانوان عضوی از زندگی ما هستند.»

اخبار کوتاه

فغانی قطعی نیست؛ ایران در جام‌جهانی ۲۰۲۶ نماینده ندارد

خسروی: از ابلاغ‌های ۲ سال اخیر مشخص بود داور نداریم!

نام ۱۶ داور آسیایی در لیست اولیه قضاوت در مسابقات جام جهانی ۲۰۲۶ آمریکا، مکزیک و کانادا قرار گرفت. بر همین اساس نام علیرضا فغانی داور ایرانی به‌عنوان تنها نماینده کشور استرالیا در لیست اولیه داوران جام جهانی ۲۰۲۶ قرار گرفت، این در حالی است که عربستان، امارات، قطر، ژاپن و کره جنوبی هر کدام دو نماینده در این فهرست دارند. همچنین استرالیا، عمان، اردن، کویت و ازبکستان هم احتمالا یک داور در این تورنمنت بزرگ فوتبالی خواهند داشت. در این خصوص شنیده می‌شود بر طبق قوانین از جمع ۱۶ تیم داوری فوق، درنهایت ۸ تیم داوری از آسیا راهی جام جهانی خواهد شد و این بدان معناست که با وجود اخباری که حکایت از حضور فغانی در جام جهانی ۲۰۲۶ داشت، این موضوع تا انتخاب نهایی کمیته داوران فیفا قطعی نیست.

همچنین با توجه به انتخاب صورت گرفته، داوری کشورمان نه در بخش داوری و نه در بخش کمک‌داورها در جام جهانی پیش رو نماینده‌ای نخواهد داشت. در این مورد علی خسروی به «فرهیختگان» گفت: «با نوع ابلاغ‌های داوری در دو سال گذشته در مسابقات مختلف آسیایی، مشخص بود روی داوران ایرانی در جام جهانی نظری ندارند!»

تا فردا همه چیز مشخص می‌شود؟

گل‌محمدی نمی‌تواند به فولاد نه بگوید

یحیی گل‌محمدی برای بازگشت دوباره به لیگ برتر در این مقطع از فصل انگیزه خاص و تمایلی نداشت؛ چراکه می‌خواست مدتی را استراحت کند اما از قرار معلوم پیشنهاد مالی فولاد به او آنقدر خوب بوده که این مربی را حسابی وسوسه کرد. در همین راستا نیز او لیست خریدش را به مدیران فولاد داده تا برای جذب نفرات مدنظرش اقدام کنند. در این میان برخی از اعضای هیات‌مدیره فولاد با توجه به دستمزد سنگین یحیی چندان موافق این انتقال نیستند، اما مشکل اینجاست که هواداران فولاد فقط یحیی را می‌خواهند. با شکست دیروز فولاد نیز مدیریت این باشگاه بیش از هر زمان دیگری برای بردن یحیی به اهواز مصمم شده است و قصد دارد ظرف ۲۴ ساعت آینده تکلیف او را مشخص کند. ناگفته نماند یحیی به خاطر تغییرات مدیریتی احتمالی در پرسپولیس همچنان نیم‌نگاهی هم به بازگشت به این باشگاه دارد؛ هر چند او نمی‌تواند بیشتر از این فولادی‌ها را معطل بگذارد.

پشت‌پرده درگیری حامدی‌فر در باشگاه استقلال

پای پیشنهاد ۲۰ میلیاردی و عدم اصلاح واقعی قرارداد درمیان است

در حالی دوشنبه گذشته اخباری مبنی بر درگیری امید حامدی‌فر با مدیران باشگاه استقلال منتشر شد که برخی این اخبار را به زیاده‌خواهی‌های هافبک آبی‌ها ربط دادند. این در صورتی است که حامدی‌فر که در نیم‌فصل اول از لیست مازاد دوباره به اردوی استقلال بازگشته بود و به خاطر پر بودن سقف بودجه این باشگاه مجبور می‌شود با قراردادی صوری و غیرعرف با استقلال قرارداد ببندد در مراجعه اخیر خود به باشگاه از مدیران می‌خواهد تا قراردادش را اصلاح کنند که با پیشنهاد یک میلیارد بیشتر از قرارداد اولیه، حامدی‌فر عصبانی شده و کار تا مرز درگیری کشیده می‌شود. حامدی‌فر که به‌تازگی با پیشنهاد ۲۰ میلیاردی از فولاد مواجه شده است، اعلام می‌کند هرگز حاضر نیست نسبت به رقم غیرعرف اولیه خود تنها یک میلیارد اضافه‌تر دریافت کند و خواستار رضایتنامه خود از باشگاه می‌شود. در این مورد شنیده‌ها حاکی از آن است فولادی‌ها حاضر شده‌اند مبلغ ۱۰ میلیارد نیز بابت رضایتنامه این بازیکن به باشگاه استقلال پرداخت کنند که در این بین این باشگاه نه درخواست حامدی‌فر را اجابت کرده و نه حاضر است رضایتنامه او را برای فولاد صادر کند!

شکست فولاد با سرمربی موقت

۳ امتیاز مهم گل‌گهر در اهواز

در نخستین دیدار از هفته شانزدهم رقابت‌های لیگ برتر فوتبال، تیم‌های فولاد خوزستان و گل‌گهر سیرجان عصر دیروز در ورزشگاه شهدای فولاد به مصاف هم رفتند که در پایان تیم گل‌گهر با نتیجه یک بر صفر میزبانش را شکست داد و به ششمین برد خود در فصل جاری دست یافت. تنها گل این مسابقه را سعید سحرخیزان در دقیقه ۴۲ وارد دروازه فولاد کرد تا نماینده فوتبال خوزستان نهمین شکستش در فصل را تجربه کند. قضاوت این بازی بر عهده موعود بنیادی‌فرد بود که به شاهین توکلی از فولاد و علیرضا علیزاده، احمدرضا زنده‌روح و مسیح زاهدی از گل‌گهر کارت زرد نشان داد. گل‌گهر با این برد ۲۶ امتیازی شد و به رتبه پنجم جدول رده‌بندی لیگ برتر صعود کرد. فولاد نیز با ۱۵ امتیاز در رده یازدهم جدول باقی ماند. فولاد خوزستان به تازگی و پس از شکست مقابل چادرملو در مرحله یک شانزدهم نهایی جام حذفی، ایگناسیو مارتینز را از سمت سرمربیگری این تیم اخراج کرده بود و در این دیدار با هدایت احمد آل‌نعمه مقابل گل‌گهر حاضر شد و باز هم تن به شکست داد.

با حضور ۲ عضو جدید

افزایش مخالفان درویش در هیات‌مدیره

باشگاه پرسپولیس صاحب دو عضو جدید در هیات‌مدیره شده است که هر دو با نظر مستقیم وزارت ورزش انتخاب شدند. این در حالی است که به زودی با استعفای پیمان حدادی هم موافقت خواهد شد تا او به همراه حسین خبیری دو عضو جدا شده هیات‌مدیره پنج‌نفره باشگاه پرسپولیس باشند. تا قبل از استعفای خبیری او به همراه حسین شهریاری دو عضو مخالف سیاست‌های درویش بودند اما مدیرعامل پرسپولیس با این وجود برنامه‌های خود را با حمایت سه عضو دیگر پیش برد اما در شرایط فعلی وضعیت فرق کرده است. از این جهت که ابراهیم شکوری، حسن طباطبایی و حسین شهریاری به عنوان سه عضو هیات‌مدیره پرسپولیس با ارتباط مستقیمی که با وزیر ورزش دارند به نوعی سیاست‌های او را پیاده خواهند کرد. در شرایط موجود درویش دیگر آن حمایت قبل را در هیات‌مدیره باشگاهش ندارد و جایگاهش متزلزل‌تر شده است. البته دیروز شهریاری در مصاحبه‌ای اعلام کرد که درویش تا پایان فصل در سمت مدیرعامل باشگاه به کارش ادامه خواهد داد اما ممکن است در آینده اتفاقاتی رخ دهد که باعث تغییراتی در مدیریت باشگاه شود.

برنامه‌های تاکتیکی اوسمار به هم ریخت

قرمزها با ترکیب نیم‌فصل اول مقابل آلومینیوم

حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

پرسپولیس روز گذشته آخرین تمرین خود قبل از سفر به اراک را انجام داد و در پایان اعضای تیم با یک دستگاه اتوبوس راهی اراک شدند. مهم‌ترین دغدغه اوسمار برای این بازی استفاده از بازیکنان جدید تیمش بود که به وی اطلاع دادند در تلاش برای باز شدن پنجره نقل و انتقالات و ثبت قرارداد تازه‌واردها هستند. عیسی آل‌کثیر، عبدالکریم حسن و اورونوف ازبک نفراتی هستند که اوسمار قصد داشته و دارد حداقل از دو نفر از آنها در ترکیب اصلی سود ببرد اما از قرار معلوم این اتفاق رخ نخواهد داد. اگرچه باشگاه پرسپولیس روز گذشته از صدور مفاصا حساب مالیاتی بوژیدار رادوشوویچ خبرداد اما ترجمه و ارسال این مدارک به کرواسی و به تایید اداره مالیات کرواسی رسیدن زمانبر خواهد بود و طبیعی است که تا عصر امروز پنجره نقل و انتقالاتی باشگاه پرسپولیس باز نشود. این باشگاه حداقل باید یک هفته زودتر در این مورد اقدام می‌کرد و همه چیز را به ۴۸ ساعت پایانی موکول نمی‌کرد. در این میان طبیعی است که اوسمار بابت این اتفاق از همه شاکی‌تر باشد. او برای بازی حساس امروز روی نفرات جدید تیمش علی‌الخصوص عبدالکریم و آل‌کثیر حساب کرده بود و در بازی دوستانه اخیر سرخپوشان نیز از این دو بازیکن در ترکیب اصلی سود برد. نکته جالب اینکه باشگاه پرسپولیس در مورد بازیکنان جدید تا شب گذشته جواب قطعی را به اوسمار نداد و از او خواستند این نفرات را همراه تیم به اراک ببرد تا در صورت باز شدن پنجره نقل و انتقالات باشگاه و ثبت قرارداد آنها بتوانند به میدان بروند. همین مساله باعث شد اوسمار برای انتخاب ترکیب مدنظرش دچار سردرگمی شود.

عالیشاه و اورونوف غایبان سفر به اراک

پرسپولیس برای بازی امروز با آلومینیوم دو بازیکن را با خود به این سفر نبرده است. امید عالیشاه به دلیل محرومیت و اورونوف نیز به خاطر عدم آمادگی لازم در لیست بازی با آلومینیوم قرار نگرفتند. از قرار معلوم هافبک ازبک بعد از حذف تیمش از جام ملت‌ها مدت زیادی را استراحت کرده و تا حدودی از فرم مطلوب فاصله گرفته است از این رو او در تهران ماند تا به تمرینات اختصاصی بپردازد. هرچند او اگر به اراک هم می‌رفت به مانند تازه‌واردهای دیگر تیمش بعید بود کارت بازی‌اش صادر شود. با این حال اوسمار فقط او را در تهران نگه داشت.

پرسپولیس با ۲۴ بازیکن در اراک

با نظر اوسمار سرخپوشان با ۲۴ بازیکن راهی اراک شدند. در همین راستا بازیکنان جوان زیادی این فرصت را پیدا کردند که در لیست مسافران اراک قرار بگیرند. امیررضا رفیعی و مهرشاد اسدی دو دروازه‌بان جوان تیم به همراه سهیل صحرایی، محمد بادپا، امید فهمی و میلاد سورگی از نفرات زیر ۲۳ سال سرخپوشان هستند که در اراک حضور دارند. البته باید دید کدام یک از این نفرات در لیست ۲۰ نفره قرار می‌گیرند. ناگفته نماند که رضا درویش به اوسمار توصیه کرده از بازیکنان جوان تیمش بیشتر بهره ببرد تا آنها برای فصل بعد بتوانند بازیکن موثری برای سرخپوشان باشند.

ترکیب پرسپولیس همان همیشگی

از قرار معلوم اوسمار چاره‌ای ندارد جز اینکه امروز از همان ترکیب نیم‌فصل اول در مقابل آلومینیوم اراک بهره ببرد. در این میان علیرضا بیرانوند که جایگاهش در ترکیب اصلی محفوظ است و زوج خط میانی را هم گولسیانی و کنعانی تشکیل خواهند داد. شاید اگر عبدالکریم در نقش مدافع چپ به میدان می‌رفت اوسمار، نعمتی را در کنار گولسیانی بازی می‌داد اما او مجبور است نعمتی را به مانند نیم‌فصل اول در جناح چپ بازی دهد. برای سمت راست هم همچنان دانیال اسماعیلی‌فر گزینه اول است. در خط میانی به نظر مسعود ریگی و سروش رفیعی دو بازیکن میانی باشند و در سمت چپ و راست نیز مهدی ترابی و سعید صادقی به میدان بروند. در این بین وحید امیری هنوز شرایط فیکس بازی کردن را ندارد و کارت بازی عیسی هم تا دیشب صادر نشده بود. در چنین شرایطی اوسمار مجبور است شهاب زاهدی را در کنار نبیل باهویی به میدان بفرستد. البته اوسمار، وحدت حنانوف را هم برای بازی در خط میانی و حتی پشت مهاجم در اختیار دارد، از این جهت که او به نوعی آچار فرانسه کادرفنی به حساب می‌آید.

آخرین بازی شهاب در اراک؟

شواهد امر نشان می‌دهد که امروز آخرین بازی شهاب زاهدی با پیراهن پرسپولیس در این فصل خواهد بود. از این جهت که او در تلاش است فرصت حضور در لیگ برتر ژاپن را از دست نداده و در همین مقطع اردوی سرخپوشان را ترک کند. البته اوسمار با این مساله مخالف است و ترجیح می‌دهد در خط حمله اگر قرار است بازیکنی جدا شود نام او نبیل باهویی باشد. به هر شکل باشگاه پرسپولیس در حال حاضر به دنبال پیدا کردن یک مهاجم داخلی است تا او را جانشین زاهدی کند. هرچند کمتر تیمی حاضر می‌شود در این مقطع حساس مهاجم خود را از دست دهد. ضمن اینکه اوسمار فقط به دنبال مهاجم بلند قامت با خصوصیات دوندگی بالا و گلزنی است و برخی نفرات که در رسانه‌ها از آنها نامبرده می‌شود اصلا در لیست این مربی برزیلی نیستند.

سود ۲٫۵ میلیاردی پرسپولیس از فروش وحدت

باشگاه پرسپولیس در صورتی که رضایت دهد وحدت حنانوف در این مقطع از فصل جدا شود فقط مبلغی در حدود ۲٫۵ میلیارد تومان سود خواهد برد. از این جهت که ایجنت این بازیکن مدعی شده اگر قرار باشد وحدت راهی تیم کره‌ای شود باید رضایتنامه او در ازای ۵۰ هزار دلار صادر شود. این در شرایطی است که باشگاه پرسپولیس می‌تواند خودش با باشگاه خواهان حنانوف وارد مذاکره شده و مبلغ خیلی بیشتری از فروش او به دست بیاورد. هرچند ایجنت وحدت مدعی شده اگر با مبلغ اشاره شده مخالفت شود این بازیکن در جمع سرخپوشان خواهد ماند تا در تابستان به عنوان بازیکن آزاد تیمش را انتخاب کند. ناگفته نماند که اوسمار مخالف سرسخت جدایی وحدت است؛ چراکه او تنها ذخیره مطمئن اسماعیلی‌فر حساب می‌شود.

ذبیح‌الله پورشیب در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: در تمام این سال‌ها زیر یک دقیقه با دانشگاه آزاد توافق کردم

وفادارترین بازیکن باشگاهی هستم

■ خیلی برای قهرمانی دوباره انگیزه داریم ■ درخصوص ادامه فعالیت در کاراته مقطعی تصمیم خواهم گرفت

مهدی منصرف
خبرنگار

رقابت‌های سوپر لیگ کاراته در روزهای گذشته و در آخرین ماه‌های سال سرانجام با حضور ۷ تیم آغاز شد و تیم دانشگاه آزاد نیز با دو پیروزی در هفته نخست در صدر جدول هفته نخست قرار گرفت. ذبیح‌الله پورشیب، کاپیتان پرافتخار و قدیمی تیم ملی کاراته امسال برای شانزدهمین فصل نیز در تیم دانشگاه آزاد حضور دارد تا رکورد قدیمی‌ترین و وفادارترین بازیکن لیگ را همچنان در اختیار خود داشته باشد. ذبیح‌الله پورشیب در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درخصوص همراهی دوباره تیم دانشگاه آزاد، شرایط خود برای ادامه حضور در کاراته و مسائل دیگر صحبت کرد که در ادامه می‌خوانید.

به نظر شما برگزاری سوپر لیگ کاراته تنها با حضور ۷ تیم در کاراته با توجه به پتانسیل نیروی انسانی این رشته مناسب است؟

سوپر لیگ آن شور و شوق و هیجان گذشته را ندارد و فقط هم به برگزارکنندگان مسابقات برنمی‌گردد و به بازیکن هم برمی‌گردد. در بحث مالی که واقعا بچه‌ها را تحریک نمی‌کند و هیچ انگیزه‌ای نمی‌دهد و واقعا قراردادها پایین است و تنها قرارداد چند نفر بالاست که این عدد به ظاهر بالا هم مبلغی نیست که بشود با آن کاری کرد. خیلی از بچه‌ها نیز قرارداد ندارند و فقط می‌آیند در لیگ بازی کنند. با این حال آن انگیزه‌ای که باید در بین بچه‌ها به خصوص جوانان که در لیگ خود را نشان دهند نیز وجود ندارد. موضوعی که دیگر به خود ورزشکار بازمی‌گردد. زمانی که ما در ۱۸،۱۷ سالگی با مبالغی که تقریبا هیچی نبود، یقه عنوان داران را در تاتامی می‌گرفتیم و آنقدر انگیزه داشتیم که مربی را مجاب می‌کردیم از ما به جای یک باتجربه عنوان‌دار در ترکیب استفاده کند. موضوعی که امروز حقیقتا در جوانان نمی‌بینم. یک بازیکن وقتی آنقدر خوب باشد که هیچ بهانه‌ای دست کسی ندهد و به جای حرف زدن خود را در تاتامی ثابت کند، دیگر نمی‌شود روی اسم او قلم قرمز کشید. تمام مربیان نیز به دنبال بازیکنانی خواهند رفت که از لحاظ فنی، شخصیتی و اخلاقی خوب باشند و قطعا این بازیکن می‌تواند به کاراته کمک کند و خودشان نیز پاسخگوی زحمات و رفتارشان باشند.

در این فصل نیز همانند فصول گذشته تیم دانشگاه آزاد را همراهی کردید.

همیشه پایند به اصول اخلاقی و رفتاری هستم. استاد صافی یکی از مربیان بزرگ تاریخ کاراته ایران است و انصاف نیست که این را نگویم. ایشان در کشورهای زیادی تدریس و مربیگری کرده است و سرشار از تجربه‌ای است که خیلی‌ها این تجربیات را ندارند. کمتر کسی را داریم که مانند ایشان دارای چنین جایگاه و قابل اعتماد و احترام باشد. قراردادهای من همیشه در تمامی این سال‌ها با ایشان و دانشگاه آزاد زیر یک دقیقه بوده است و هیچ‌وقت درخصوص مبلغ قرارداد خود و هیچ بازیکنی صحبت نکردم.

طی این سال‌ها هیچ‌وقت به جدایی از دانشگاه آزاد فکر نکردید؟

همه من را می‌شناسند و می‌دانند که سال‌ها از نفت و فولاد و سپاهان پیشنهاد داشتم و آن زمان مبالغ قرارداد بیشتری پرداخت می‌کردند، اما همیشه به خاطر تعهد به تیم و علاقه به دانشگاه آزاد و دوستی با استاد صافی سعی کردم در این تیم بمانم و حتی درخصوص مبالغ هم صحبت نکنم. یک تعهد قلبی، اخلاقی و رفتاری به دانشگاه آزاد داشتم و دارم. ضمن اینکه دیگر اواخر دوران بازیگری‌ام است و به دنبال مسائل مالی نیستم و فقط اعتقاد دارم شأن و جایگاه بازیکنان بزرگ باید در تیم‌ها حفظ شود. وقتی بازیکنی در مورد پول صحبت نمی‌کند و سابقه‌ای دارد باید جایگاهش حفظ شود؛ هر چند که باید از لحاظ مالی انگیزه جوانان نیز حفظ شده و به آنها رسیدگی شود. با این حال چون سال‌ها برای دانشگاه بازی کردم به خاطر دکتر لشگری که یکی از مدیران زحمت‌کش ورزشی هستند و استاد صافی که به من گفتند در کنار تیم باشم و به جوانان کمک کنم، با کمال میل پذیرفتم. گفتم اگر هر جایی در تیم دانشگاه آزاد کمکی از دست من بر بیاید در خدمت هستم. ضمن اینکه فکر کنم قدیمی‌ترین و وفادارترین بازیکن لیگ‌های ورزشی هستم که ۱۵، ۱۶ سال در یک تیم حضور داشتم. از طرفی نباید از این موضوع نیز غافل شد که دانشگاه آزاد از قدیمی‌ترین، ریشه‌دارترین و با ثبات‌ترین باشگاه‌های ورزشی ایران است و باید از تمامی مدیران طی این سال‌ها تشکر کرد.

نقش دانشگاه در حمایت از ورزش قهرمانی را چطور می‌بینید؟

مدیریت کردن این همه تیم در رشته‌های مختلف کار بسیار سختی است. هم از لحاظ مالی مدیریت این موضوع سخت است و هم حفظ این تیم‌ها و حضور پرقدرت در مسابقات دشوار است، اما خدا را شکر دانشگاه آزاد در این سال‌ها به خوبی این کار را انجام داده و نقش خود را در ورزش قهرمانی به خوبی ایفا کرده است. خود من از دانشگاه آزاد شروع کردم و بهترین مبارزاتم به همراه دانشگاه آزاد بود و این انگیزه را به من داد. دانشگاه آزاد در کاراته به خیلی از جوانان فرصت داد و خیلی از بزرگان کاراته در دانشگاه آزاد بازی کردند و چهره شدند. این باشگاه اولین تیمی است که بازیکن خارجی آورد که در لیگ ما بی‌سابقه بود. دانشگاه آزاد مقطعی رافائل آقایف بهترین کاراته‌کا دنیا را به ایران آورد و این نشان می‌داد چقدر مدیران دانشگاه آزاد و کادرفنی به این رشته توجه دارند. مدیران دانشگاه آزاد همیشه تلاش کردند که در مسابقات حضور داشته باشند و از جوانان حمایت کنند.

فکر می‌کنید امسال مدعی قهرمانی باشید؟

قطعا مدعی قهرمانی هستیم. دانشگاه آزاد هر سال مدعی قهرمانی است و خیلی از کاراته‌کاها دوست دارند با توجه به ریشه‌دار بودن این تیم عضو دانشگاه آزاد اسلامی شوند.

سال گذشته پس از کسب ۳ عنوان قهرمانی این روند پاره شد، فکر می‌کنید بتوانید عنوان قهرمانی را از بیمه تعاون پرستاره باز پس گیرید؟

در ورزش قهرمانی این موضوع طبیعی است و هیچ عنوانی همیشگی و ماندگار نیست و لذت ورزش به این است که این عناوین بالا و پایین شود. اگر تیمی حتی با بهترین ستاره‌ها همیشه قهرمان شود دیگر جذابیت ندارد و از کیفیت کلی کار نیز کم می‌شود. ما امسال خیلی انگیزه داریم تا دوباره تلاش کنیم و زحمت بکشیم تا عنوان قهرمانی خود را باز پس بگیریم.

آیا همچنان قصد دارید برای تیم ملی مبارزه کنید؟

با توجه به شرایطی که وجود دارد مقطعی جلو می‌روم. آدمی هستم که بدون حاشیه کار خود را انجام می‌دهم و هر جایی که مفید، موثر و تاثیرگذار باشم آنجا حضور و کار می‌کنم و مثل ۱۹ سالی که در تیم ملی بودم باز هم ادامه می‌دهم.

فکر می‌کنید هنوز توانایی رقابت برای عناوین آسیایی و جهانی را دارید؟

خیلی از همدوره‌های من در حال حاضر سرمربی تیم‌های ملی کشور خود هستند. نفراتی که بارها با آنها مبارزه کردم و جالب بود به من می‌گفتند از اینکه هنوز در کاراته حضور دارم و مبارزه می‌کنم لذت می‌برند. حتی خیلی از داوران نیز این مورد را عنوان کردند. ای‌کاش در مملکت ما نیز دید نسبت به ورزشکاران این‌گونه باشد تا هر ورزشکاری با ناراحتی ورزش قهرمانی را کنار نگذارد و با احساس خوب این کار را کند.

گفت‌وگو

ملیحه صفایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: شب‌ها زیر پتو شطرنج می‌چیدم تا آن را یاد بگیرم

آرزو دارم شطرنج به پارالمپیک راه پیدا کند

یگانه عصاری
خبرنگار

نام ملیحه صفایی به اسم بزرگی در کاروان ایران تبدیل شده است. ورزشکاری که با کسب چهار مدال طلای تیمی و انفرادی شطرنج در بازی‌های پاراآسیایی هانگژو، عنوان پرافتخارترین ورزشکار کاروان ایران را به دست آورد و یک‌تنه با کشورهایی جنگید که در چند سال اخیر سرمایه‌گذاری بسیاری روی ورزش شطرنج داشتند اما آنچنان که باید، موفق نبودند و از کسب مدال باز ماندند. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از روزی گفت که به صورت گذری از کنار یک کلاس شطرنج عبور کرد و تقدیر و دست خداوند او را همان جایی نشاند که باید! ملیحه صفایی حالا پرافتخارترین ورزشکار ایران در شطرنج است و آرزو می‌کند رشته ورزشی‌اش به پارالمپیک راه پیدا کند تا او حتی لحظه‌ای فرصت کسب طلای پارالمپیک را از دست ندهد.

چطور شد که شطرنج به مسیر زندگی شما اضافه شد و آن را به عنوان رشته ورزشی‌تان انتخاب کردید؟

من از اول مشکل بینایی نداشتم، پس از اینکه به مشکل بینایی دچار شدم مدت زیادی را در خانه بودم و پذیرش این مساله برای خودم و خانواده‌ام بسیار سخت بود. بعد با بهزیستی آشنا شدم، درس را شروع کردم و به من گفتند یک رشته به نام گلبال هست که سه ماه پس از ورودم به بهزیستی گلبال را شروع کردم و چند ماه بعد گفتند می‌توانی در تیم گلبال باشی. سال ۷۷ وقتی به صورت گذری از جلوی کلاس شطرنج بهزیستی رد می‌شدم، به بچه‌ها گفتم به من هم یاد می‌دهید؟ نشستم و به صورت تفریحی بازی کردم. خانم مرضیه جلال که مربی تیم شطرنج نابینایان بودند، گفتند بیا با این استعداد مرتب و اصولی بازی کن و من دو ماه پس از شروع شطرنج به سرعت آن را یاد گرفتم و در مسابقات قهرمانی استان نفر دوم شدم. سال ۷۸ وارد مسابقات کشوری شدم و البته باید بگویم که همزمان هم گلبال بود، هم شطرنج بود، هم درس بود و امتحاناتم هم شروع شده بود. خانم جلال بسیار مرا حمایت کردند، من آن زمان حتی ضبط صوت هم نداشتم و خانم جلال برای من نوار کاست تئوری بنیادی شطرنج و ضبط صوت آورد تا شطرنج را یاد بگیرم و به مسابقات قهرمانی کشور برسم. یادم نمی‌رود شب‌هایی که همه خواب بودند من زیر پتو شطرنج می‌چیدم و با هندزفری به نوارها گوش می‌دادم تا شطرنج را بهتر یاد بگیرم. من به همه ۴۰ نوار گوش دادم، سال ۷۸ قهرمان کشور شدم و اولین گام محکم برداشته شد.

روزی که به صورت تفریحی سر میز شطرنج نشستید، فکر می‌کردید روزی با چهار مدال طلا پرافتخارترین ورزشکار ایران در بازی‌های پاراآسیایی شوید؟

نه. هرگز به این موضوع فکر نمی‌کردم. موضوع وقتی برای من جدی شد که استادم، آقای قربانیان، در روزی که از زمین و زمان برف و باران می‌بارید و به خاطر دوری مسیر باید سه تا اتوبوس عوض می‌کردم تا به کلاس می‌رسیدم، به من گفت تمام لباس‌هایت پر از گل است، چطور تا اینجا آمدی؟ آن روز استاد قربانیان به من گفت قول می‌دهم تو روزی قهرمان جهان می‌شوی! من هیچ وقت این جمله را یادم نمی‌رود. هروقت می‌خواهم به مسابقات مهم بروم، به ایشان می‌گویم استاد یک جمله به من بگویید تا بروم. من قبل از هانگژو در باشگاه آقای قربانیان بازی می‌کردم، گفتم استاد من دارم می‌روم، یک جمله بگویید تا بروم. گفتند: چیزی ندارم بگویم. فقط باید بروی، بنشینی و ببری. همین و بس.

و همین اتفاق هم افتاد. شما با چهار مدال طلا در هانگژو درخشیدید.

خدا را شکر. استاد مرادی هم استاد اصلی خودم بودند که در تمام لحظات کنار من بودند. ما مسابقات استاندارد و رپید داشتیم. در استاندارد فشار خیلی زیاد بود. اسم بازی فکری رویش است. شب قبل از بازی وقتی به من گفتند هم خودت و هم تیم اول شد، اصلا باور نمی‌کردم. گفتم من باید بازی فردا را ببرم. تا وقتی خبرگزاری‌ها خبر را کار کردند، حتی از استادم پرسیدم و باور نمی‌کردم. استاد گفت فقط بخواب و استراحت کن، تو اول شدی، تیم هم اول شد. من همزمان به دو تا طلا رسیدم. در مسابقات رپید خسته‌تر سر میز رفتم و روی یک طلای تیمی حساب کرده بودم ولی لحظه آخر به خودم گفت دیگر چیزی نمانده، آخرین گام را هم محکم بردار. خدا را هزار مرتبه شکر که هر چهار مدال برای ما شد.

پاداش‌هایتان به صورت کامل پرداخت شد؟

بله. کمیته پارالمپیک پرداخت کرد ولی وزارت ورزش هنوز پرداختی نداشته است.

و گفته بودید که آرزو دارید شطرنج به پارالمپیک راه پیدا کند.

بله. بله. اگر این‌طور شود، خیلی خوب است و ان‌شاءالله که به پارالمپیک هم راه پیدا می‌کند. به آنجا هم می‌رسد و برای بالا بردن پرچم کشورم از هیچ تلاشی دریغ نخواهم کرد.

بهروز افخمی در گفت‌وگو با اکبر نبوی در مجله تصویری «قاف» مطرح کرد

با این سانسور و هدایت فیلم‌ها انگار نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاده است

برنامه‌ای که دیده نشود پول تلویزیون را هدر داده

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مجله تصویری فرهنگ و هنر «قاف» با اجرا و سردبیری اکبر نبوی در ایام جشنواره فیلم فجر به مدت ۱۰ شب در فضای مجازی منتشر شد. این قسمت که به صورت مکتوب در صفحات فرهنگی روزنامه «فرهیختگان» منتشر می‌شود، مربوط به گفت‌وگوی اکبر نبوی و بهروز افخمی کارگردان سینماست. در ادامه متن این گفت‌وگو را می‌خوانید.

در این دفتر و شماره از مجله تصویری قاف در خدمت یکی از هنرمندان قدیمی سینما و تلویزیون کشورمان هستیم؛ دوستی که فیلم‌های متعددی ساخته و ما را میهمان کرده‌اند. یکی از ویژگی‌های بسیار مهمی که در ارتباط با این دوست هنرمند وجود دارد، این است که حاشیه در رابطه با او زیاد است. برخی می‌گویند خودش حاشیه درست می‌کند که در کانون باشد. برخی هم می‌گویند شخصیتش طوری است که برایش حاشیه می‌سازند. من البته گمان می‌کنم که تلفیق یا آمیخته‌ای از این هر دو واقعیت داشته باشد، یعنی هم خودش به حاشیه علاقه‌مند است و هم اینکه برایش حاشیه می‌سازند. آقای بهروز افخمی. شما خودتان را چطور معرفی می‌کنید؟

درمورد حاشیه‌ها؟

نه، بهروز افخمی را معرفی کنید؟

من که نمی‌توانم خودم را معرفی کنم.

چرا؟ شما یک مختصاتی از خودتان می‌شناسید.

من خودم را از بیرون ندیده‌ام. می‌گویند آدم خودش را از بیرون نگاه می‌کند، خیلی تعجب می‌کند و می‌گوید این من هستم؟!

آیا شما دنبال حاشیه هستید؟

بد نیست حاشیه. حاشیه تبلیغات است. خوب است که بلد باشی درباره فیلمت کنجکاوی ایجاد کنی که مردم علاقه‌مند شوند آن را ببینند. من هم که فیلم می‌سازم، ظاهرا پیش می‌آید و اتفاق می‌افتد و حاشیه‌هایی درست می‌شود.

پس گاهی عامدانه احیانا کنشی نشان می‌دهی یا حرفی می‌زنی که دیگران شروع کنند درباره آن صحبت کردن.

عامدانه نیست اما وقتی پیش می‌آید، استقبال می‌کنم.

«عروس» را که شما ساختی، من نمی‌توانم بگویم عامدانه بوده اما این فیلم ایجاد حاشیه کرد. قبل از عروس، «کوچک جنگلی» چون دست به دست شده بود، از دوست مشترک و بسیار عزیزمان، آقای ناصر تقوایی که ان‌شاءالله سلامتی‌شان را کامل به دست بیاورند و خداوند عمر باعزت به ایشان بدهد، آنجا هم حاشیه‌هایی به وجود آمد. عروس به دلایلی. جمله‌ای که یوسف میرشکاک می‌گفت درباره قاب‌های درشت و بسته. درباره «شوکران» هم حواشی درست شد و حتی فکر می‌کنم راهپیمایی هم شکل گرفت.

بله، پرستاران راهپیمایی کردند.

جلوتر که می‌آییم، برنامه «هفت» را می‌خواستی راه بیندازی و وقتی شروع به راه‌اندازی کردی، اساسا وارد یک میدانی شدی که دیگران را برانگیزی. آن دیگر آگاهانه و با برنامه بود و نمی‌توانی بگویی بدون برنامه بود.

برنامه‌های تلویزیونی باید جنجالی باشند و جلب توجه کنند. وقتی ما برنامه تلویزیونی می‌ساختیم، زمانی بود که برنامه‌ها تیتراژ نداشت، یعنی اوایل انقلاب که فکر می‌کردیم همیشه هم همین‌طور خواهد بود.

یعنی معلوم نیست که عوامل چه کسانی هستند.

بله، نمی‌خواستند عوامل خودخواهی کرده و مشهور شوند.

جلوه‌گری ممنوع بود.

بله. خودمان هم فکر می‌کردیم که این دیگر طبیعت انقلاب است. با این حال همان موقع هم می‌فهمیدیم یک برنامه خیلی جنجالی می‌شود. بارها درخواست تکرار و پخش مجددش می‌شود. می‌دانستیم اگر این کارها را بلد نباشیم و درست انجام ندهیم، پول تلویزیون و وقت مردم را هدر داده‌ایم؛ البته وقت مردم نه، چون مردم اگر برنامه‌ای را نگاه نکردند، خب نکردند دیگر؛ و وقت‌شان تلف نشده اما فرصت تلویزیون را از بین برده‌ایم. من بچه تلویزیون هستم و در آنجا وقتی برنامه من تیتراژ هم نداشت، ما می‌دانستیم که هدف‌مان به دست‌آوردن و حفظ بیشترین تماشاچی است.

این حاشیه‌ها قیمت دارد یا اصلا قیمت ندارد؟

نه، اصلا طبیعت کار ماست، یعنی اگر شما بلد نباشی که کارت را جوری اجرا کنی که جلب توجه کند و تماشاچی سعی کند سر در بیاورد منظور تو چیست و نسبت به تو کنجکاو شود، برنامه بی‌مزه می‌شود.

آن‌وقت شما نگران نمی‌شوید که گاهی حاشیه بر متن غلبه کند و بچربد و سایه‌اش آنقدر سنگین باشد که شما را از راهت دور کند؟

من فکر می‌کنم همیشه دنبال همان اصل مطلب بوده‌ام. همان کاری که می‌خواستم بکنم، به بین‌ترین و فصیح‌ترین شکل از لحاظ نمایشی اجرا کنم و بعد کنارش هم آدم باید بلد باشد تبلیغات کند، یعنی بدش نیاید از اینکه یک عده عصبانی می‌شوند یا یک عده می‌خواهند آن را نبینند و یک عده هم حسودی می‌کنند؛ البته می‌شود از اینها استفاده کرد، یعنی حسودها را استخدام کرد.

به نظر می‌آید که در ظاهر، باطن را باید صحبت کنیم، قضاوت‌های دیگران به‌ویژه قضاوت‌های منفی برای شما اهمیت ندارد؟ درست حدس می‌زنم؟

بله.

چرا اینقدر نسبت به قضاوت‌های منفی بی‌اعتنا هستی؟ شاید در اینها نکاتی وجود داشته باشد.

اگر نکات درستی داشته باشد که درباره آن فکر می‌کنم. هیچ حرف درستی نمی‌تواند نشنیده گرفته شود، ممکن است اول شما را عصبانی کند، بعد بواشکی پیش خودت فکر می‌کنی، مثل اینکه بی‌ربط هم نبود! اما فقط عصبانی‌ات می‌کند.

عصبانی هم می‌شوی؟ من فکر می‌کردم بهروز خیلی دنده‌پهن است و عصبی نمی‌شود!

نه، عصبانی هم می‌شوم.

پس خودداری می‌کنی و نشان نمی‌دهی!

من تقریبا هیچ چیز را ظاهر نمی‌کنم. این هم خودش یک شگرد است.

برویم روی سینمای ایران. شما سینمای امروز ایران را چگونه می‌بینید؟ منظورم دقیقا امروز نیست، یک مقطع ۵، ۱۰، ۱۵ یا ۲۰ سال به این طرف. مقطعش را خودت در نظر بگیر. نه صرفا به عنوان یک کارگردان و نویسنده. هم به آن عنوان و هم به عنوان کسی که به هنر درام و نمایش علاقه‌مند است.

به نظرم سینمای امروز در گذشته مانده و یک جور باطل شده و عمر مفید آن طی شده است. این فیلم‌هایی که امروز تولید می‌شوند، برای این است که فیلمسازان نمی‌دانند چطور فیلمی می‌توانند تولید کنند. اگر می‌دانستند، همین الان فیلمی که دارند تولید می‌کنند رها می‌کردند و سراغ کار دیگری می‌رفتند. شیوه نظارت، سانسور، هدایت، حمایت و همه اینها کهنه شده، یعنی موضوع عوض شده. اما در سینمای ایران دارند همان کار قبلی را ادامه می‌دهند و به همان سبک ۱۰ سال پیش اداره می‌شود، درحالی‌که همین الان دیگر این شیوه اداره بی‌فایده شده است. وقتی صحبت از این است که مثلا اینترنت ایلان ماسک، یعنی استارلینک قرار است از سال آینده بدون مودم دریافت شود، فقط این نیست که سیستم‌های نظارتی و سانسور باید یک فکری به حال خودشان بکنند، از این بالاتر این است که همه شیوه‌های تولید و توزیع در ایران باید یک فکری به حال خودشان بکنند. وقتی که بی‌بی‌سی مثلا برای ۲۰۳۰ یعنی شش سال دیگر در نظر گرفته که تمام شیوه‌های پخش ماهواره‌ای و غیراینترنتی‌اش را جمع کند که من فکر کنم این را دوسالی هم جلو می‌اندازند و احتمالا ۲۰۲۸ شروع کرده و آن را جمع می‌کنند، تکلیف تلویزیون خودمان معلوم است و تلویزیون خودمان هم باید این کار را بکند و همه به اینترنت تحویل داده شوند، منتها مساله این است که وقتی ما یک اینترنت بدون مودم قابل دریافت داشته باشیم، یعنی در ایران بدون اینکه کاری‌اش بتوان کرد، دریافت شود، خب این پلتفرم‌های جداشده از تلویزیون یا مستقل یا حتی یک جورهایی آزادتر نسبت به تلویزیون هم باید برای خودشان یک فکری بکنند، مثلا فیلیمو و نماوا هم باید یک فکری برای خودشان بکنند. تمام آنهایی که وابسته به مخابرات هستند هم باید یک فکری بکنند، برای اینکه خود مخابرات در خطر ازدست‌دادن مشتری‌اش قرار می‌گیرد. وقتی شما اینترنت ارزان بدون مودم و بدون حاشیه و دردسر و وی‌پی‌ان داشته باشید، فیلمسازی که دارد اینجا کار می‌کند و می‌داند کاری که می‌خواهد بکند، تحت تعقیب قوه قضائیه نمی‌تواند قرار گیرد، یعنی کاری که خلاف فرهنگ مردم و سنت‌های مملکت باشد، نمی‌خواهد بکند اما نمی‌گذارند اینجا کارش را درست انجام دهد، خب فیلم را می‌سازد و روی یوتیوب عرضه می‌کند. یوتیوب یک بازار وسیع در حال گسترش هم هست و درآمدش هم دارد بهتر می‌شود. اگر شما بلد باشی فیلم خوب بسازی و تماشاچی را جلب کنی و فیلمت به یک میلیون کلیک برسد، پول خوبی نصیبت می‌شود که با این قیمت‌هایی که در ایران داریم، می‌توانی یک فیلم خوب بسازی. اینها چیزهایی هستند که برای سه چهار سال آینده قابل پیش‌بینی هستند اما از سه چهار سال به بعد را نمی‌توان پیش‌بینی کرد.

پس سرعت زیاد است.

بله.

مثل سایر پدیده‌های علمی. یک زمانی در زندگی بشر شاید چند قرن یک بار کسی مثل ابن‌سینا یا بقراط ظهور می‌کردند اما هر چه جلو آمدیم، فاصله‌ها کم شد و پزشکان نوآور و بزرگ زیادی داریم و الان دیگر فاصله‌ای وجود ندارد و سرعت تحولات علمی در همه حوزه‌ها نه فقط پزشکی بالاست. هوش مصنوعی که اساسا من با صراحت عرض می‌کنم کات کرد زندگی بشر را، یعنی یک زمانی می‌گفتیم قبل از رسانه‌های گروهی و بعد از رسانه‌های گروهی یا قبل از خط و بعد از خط، قبل از چاپ و بعد از چاپ، این تقسیم‌بندی‌ها را داشتیم و علمای جامعه‌شناسی و ارتباطات و حتی بعضی از فیلسوفان اجتماعی، فرقی نمی‌کند، الان می‌توانیم بگوییم قبل از هوش مصنوعی و بعد از هوش مصنوعی. تازه گستره‌ای که هوش مصنوعی دارد، هیچ‌کدام از ساحت‌های دیگر نداشتند. خب چگونه می‌شود؟ ما به عنوان یک انسان و نه فقط انسان، به عنوان کشور با این فرهنگ در آستانه یک تحول بزرگ هستیم اما به قول شما هنوز بر مبنای شیوه‌های کهنه و نخ‌نمای گذشته داریم سیاستگذاری و تولید می‌کنیم.

البته اینکه من می‌گویم درباره سینماست.

در حوزه‌های دیگر هم همین‌طور است، در تلویزیون هم همین‌طور است اما تمرکز ما روی سینما و تلویزیون است.

بله، من اینهایی که گفتم درمورد سینما و تلویزیون مصداق دارد اما درباره تئاتر ممکن است این تبدیل به یک مزیت شود، یعنی بازیگری که در سینما کارش را از دست می‌دهد، با شرایطی روبه‌رو می‌شود که شرایط بد و حال به هم‌زنی است، یعنی اگر بازیگران بزرگ بخواهند در سینما بمانند و کار کنند، ممکن است با قراردادهایی روبه‌رو شوند که شما از این به بعد حق ندارید بدون اجازه ما آب بخورید و قراردادتان ۱۰ ساله است و مبلغ آن به صورت ماهانه مشخص است و حق ندارید با یک فیلم موفق دستمزدتان را بالا ببرید. بعد طرف می‌گوید ۹۰ درصد بازیگران بازیگران مصنوعی هستند و اصلا بازیگرانی که سرشان به تن‌شان می‌ارزد و بازیگران باذوقی هستند، در این شرایط خودشان کنار می‌کشند، یعنی می‌گویند ما دیگر نمی‌خواهیم برای سینما کار کنیم. ممکن است بگویند ما از اول هم از سینما خوش‌مان نمی‌آمد.

و ناچار بودیم.

ما یک اجرای زنده کنیم برای مردمی که آمدند من را ببینند نه اینکه یک عکس را، این بازیگران اگر سراغ تئاتر بیایند، متوجه می‌شوند که در تئاتر امکانات جدیدی به وجود آمده که یک چیزی بین فیلم و تئاتر است، یعنی تئاتری است که از توانایی‌های فیلم هم می‌تواند استفاده کند، با استفاده از ویدئووال‌هایی که رابطه تعاملی دارند با بازیگر روی صحنه؛ یعنی براساس حرکات روی صحنه که گاهی می‌تواند در جا هم طراحی شده باشد، یعنی همان لحظه فی‌البداهه باشد، باز هم ممکن است به کمک هوش مصنوعی ویدئووال یا اجزای دیگری که روی صحنه هستند، نسبت به بازی فی‌البداهه بازیگر عکس‌العمل نشان دهند و خودشان را منطبق کنند. این نوع تئاتر تئاتری است که نسبت به تئاتر فعلی خیلی می‌تواند جذابیت بیشتری داشته باشد، در نتیجه می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده، چه در ایران و چه در آینده این اتفاق در حال رشد خواهد بود. این اتفاق الان افتاده و در تهران چیزی حدود ۵۰ یا بیشتر نمایش هر لحظه و هر هفته دارد اجرا می‌شود، یعنی اگر شما بخواهید هر شب ۵ نمایش جدید ببینید، می‌توانید و تازه باید تعدادی را هم حذف کنید، ولی مثلا در لندن این الان حدود ۶۰۰ نمایش همزمان با هم است و می‌تواند حتی بیشتر هم باشد. تئاتر رو به رشد است، درست به دلیل همین امکاناتی که هوش مصنوعی فراهم کرده و شما نمی‌توانید با هوش مصنوعی بازیگر واقعی را -که روی صحنه با توانایی‌های خودش ۴۰۰-۳۰۰ تماشاچی را که آمده‌اند او را ببینند، می‌گیرد و تحت‌تاثیر قرار می‌دهد- جایگزین کرده یا از دور خارج کنید. هوش مصنوعی حریف این نمی‌شود.

شما فرمودید که هوش مصنوعی می‌تواند روی تئاتر تاثیراتی بگذارد. در سینما تاثیرات منفی و در تئاتر و نمایش صحنه تاثیرات مثبت.

درواقع ارزش‌های بازیگری واقعی را برمی‌گرداند به تئاتر و کسانی که می‌خواهند بازیگر و انسان را ببینند به تئاتر می‌آیند و آنجا تجربه دیگری می‌کنند که اصلا در سینما قابل تکرار نیست، برای اینکه سینما به یک معنا همیشه هم زیر سوال بوده که اصلا هنر هست یا نیست. یکی از جنبه‌ها و دلایل اینکه می‌گویم سینما هنر نیست، همین تکثیر انبوه است. به چه دلیل بازیگری باید در تیراژ میلیونی تکثیر و دیده شود، درحالی‌که در فیلمی دیگر هم باز بازی می‌کند، نقشی متفاوت یا حتی مسخره‌کردن نقش اول را می‌تواند کند، باز هم تکثیر انبوه می‌شود.

می‌دانید چرا می‌خندم و لبخند دارم، چون درباره اینکه سینما هنر است یا نیست، سال ۷۴ بحث مفصلی با هم داشتیم. حدود ۲۸ سال پیش بود. با مرحوم شمیرانی در دفتر مجله. شما محکم معتقد بودید سینما این‌قدر هم هنر نیست و این همه لی‌لی به لالایش نگذارید و من و مرحوم شمیرانی می‌گفتیم این‌قدر هم نمی‌توان بی‌رحمانه گفت سینما هنر نیست. بله در سینما وجوه صنعتی و رسانه‌ای پررنگ است اما وجه هنری سینما هم اهمیت دارد.

از هنرها استفاده می‌کند.

آثاری داریم که واقعا هنری هستند.

بله، فیلمسازهایی داریم که سینما را به سطح هنر ارتقا می‌دهند و دهان ما را می‌بندند اما همیشه از لحاظ تئوریک می‌توان ادعا کرد چون روی سینما تکنولوژی خیلی مسلط است، بنابراین سینما هنر نیست. من که بالاخره زیاد برای تئوری ارزش قائل نیستم و بیشتر هم تجربه کردم، می‌دانم فیلمسازانی که سینما را هنر می‌کنند، هستند.

چون به هرحال عملیات مهندسی در سینما خیلی پررنگ است؛ مثلا شما از یک رمان‌نویس یا شاعر نمی‌توانید بپرسید مثلا برنامه آینده‌ات چیست، می‌گوید نمی‌دانم اما یک سینماگر می‌گوید دارم روی متنی کار می‌کنم و قرار است این کار را انجام دهم. در نظام استودیو که کاملا جدول دارند و این زمان کلید و تولید و پست‌پروداکشن و فلان تاریخ هم... که کاملا مهندسی است.

آن نوع سینمایی که شما می‌گویید در آمریکا و اینها هست، اصلا به وجود آمدن یک اثر هنری واقعا استثناست و اتفاقی عجیب است. کسانی هستند که می‌توانند این کار را کنند. انگشت‌شمار آدم‌هایی هستند که می‌توانند حتی در نظام هالیوود چیزی را به وجود آورند که ببینید هیچ‌کدام از آن بنیادهای غیرهنری نتوانسته متوقف‌شان کند.

سوالم این بود که در این سیر شتاب‌گرفته تحولات چرا ما متوجه آینده نیستیم؟ در ارتباط با سینما عرض می‌کنم. حالا شما می‌توانید تلویزیون را هم وارد این تحلیل کنید و پاسخ دهید. ضمن اینکه روزبه‌روز هم دارد اتفاقاتی در سینمای ایران می‌افتد که به نظر می‌آید همین‌طور ساحت‌های فرهنگی در آن لاغر و لاغرتر می‌شود، یعنی پیش از اینکه هوش مصنوعی بیاید و چیزهایی را تحت‌تاثیر قرار دهد که فضا را مهندسی‌گونه جلو ببرد و از ساحت‌های فرهنگی به آن معنای خاص که می‌گوییم و ساحت‌های هنری باز به آن معنای خاص که مدنظرمان است، از درون داریم به لحاظ فرهنگی و هنری‌اش را نمی‌گویم، سینمای ایران نسبت به گذشته خودش لاغرتر می‌شود.

سینمای دنیا هم.

شتابی که سینمای ایران در لاغرترشدن دارد، من در سینمای دنیا نمی‌بینم.

آخرین فیلم خوب خارجی که دیدید، کدام بوده که به یادت مانده باشد؟

سال ۷۴ یک جایی یادداشت نوشتم اکنون برای دیدن فیلم خوب باید سال‌شماری کرد. هنوز هم معتقدم. آخرین فیلم خوبی که دیدم، کلاسیک بوده و تازه نبوده.

خب پس بیخود نمی‌گویم که! در خارج هم این اتفاق افتاده.

این را بدون تردید قبول دارم اما معتقدم که ما از یک دورانی، حالا ممکن است مصادیقش را که اسم ببرم، شما با من هم‌نظر نباشید یا شما اسم ببرید و من همراه و هم‌نظر نباشم، این یک بحث مجزاست اما ما از یک نوع از سینما با مختصاتی از مولفه‌های فرهنگی که البته چیزهای سینمایی هم در خودش داشت، خیلی فاصله بدی گرفتیم. شما می‌گویید هالیوود هم هست، من هم می‌گوییم مسلما هالیوود هم هست.

یک دلیل می‌تواند این باشد که سینما به طور کلی دارد می‌میرد. آیا سینما به طور کلی یک زمانی خواهد مرد یا نه؟

من فکر می‌کنم نمی‌میرد، چون معتقدم سینما با وضعیت و امکاناتی که دارد و فضای نمایشی مجازی یا به تعبیر امروز پلتفرم‌ها را به‌وجود می‌آورد و روزبه‌روز هم دامنه‌اش گسترده‌تر می‌شود، شاید طی چند سال آینده حجم تولید برای سینما کاهش پیدا کند و تولید برود به سمت تولید برای نمایش در پلتفرم‌ها. سینما به گمان من تقریبا به یک ساحتی می‌رسد، مثل اپرا یعنی فیلم‌هایی خاص تولید می‌شوند و بیننده خاص خودش را دارد.

بله، یعنی چیز جدیدی جایش را می‌گیرد. حالا اینکه اصلا ممکن است شکل‌های مختلفی از نمایش را روی پرده بزرگ که دیگر سینما به معنی صد یا ۵۰ سال پیش نیست، باقی بماند یا به‌وجود بیاید، درواقع سینمایی که می‌شناسیم، نیست. سینما آن‌طور که یکی از آخرین زنده‌کنندگانش یعنی جیمز کامرون در فیلم آواتار جدید بعد از دوران کرونا زنده‌اش کند و مردم را به سینما برگرداند، آیا ۱۰ سال دیگر خواهد داشت؟ یک زمانی ما در دهه ۹۰ می‌گفتیم تارانتینو نشان داد که سینما مردنی نیست و هنوز هم می‌شود فیلم‌های تازه و تعریف جدیدی برای پرده سینما جوری که انگار بار اول است که داریم فیلم می‌بینیم از جوان‌ها انتظار داشته باشیم. تارانتینو وقتی که داشت بهترین فیلم‌هایشان را می‌ساخت؛ مثل «pulp fiction» و «سگ‌های انباری»، ولی الان حتی وقتی که جیمز کامرون با آن اراده آهنین و سال‌ها زحمت‌کشیدن و مهندسی مسلطی که خودش بلد است، اصلا وسایل جدید اختراع می‌کند. فیلمی حیرت‌انگیز مانند آواتار می‌سازد و بعد دنباله‌هایش را می‌سازد و باز از لحاظ مالی همان‌قدر موفق است. بالاخره بچه‌ها را به سالن سینما می‌آورد و خیلی از تماشاگران را به سالن سینما برمی‌گرداند اما این بار این پیروزی یک خرده مشکوک است و آدم فکر می‌کند درست است که یک بار دیگر سینما را زنده کرده اما مثل مریضی است که دوران طولانی بیمار بوده اما روز آخر که می‌خواهد بمیرد، روز آخر بلند می‌شود و با همه حرف می‌زند و سر حال به‌نظر می‌رسد، ولی یک دفعه می‌افتد و می‌میرد. وضعیت فعلی در سینما چنین حالتی دارد. همین الان ما سینمای چین را داریم که تفاوت اساسی دارد با آنچه در آمریکا دارد تولید می‌شود. در بعضی محصولاتش که خیلی شبیه اپراست و ما اصلا می‌رویم که اپرا ببینیم، یک نمایش باشکوه کاملا فانتاستیک و آن سینما به معنایی که می‌شناسیم، نیست؛ سینمای داستان‌گون و متکی به انسان و بازیگر و امکانات شناخته‌شده‌ای که ما در اوج سینما حداکثر تا دهه ۹۰ قرن بیستم می‌دیدیم، همه امکانات بالقوه‌اش را بالفعل کرده.

نمی‌تواند خودش را بازتولید کند؟

همه امکانات بالقوه‌اش را بالفعل کرده.

بگذارید دو مقطع تاریخی را درنظر بگیریم. در اوایل دهه ۵۰ میلادی یا اواخر دهه ۴۰ وقتی تلویزیون به وجود آمد، یک خرده در خانه‌ها که گسترش یافت، به نظر می‌آمد یک شوک سنگین به سینما وارد شد که انگار سینما از خودش پرسید یعنی من وضعیتم چگونه بود؟ توانست خودش را با شرایط به سرعت تطبیق دهد و موقعیت خودش را نه تنها متزلزل نبیند، بلکه تثبیت شده جلو بیاید. گذشته نشان داد تلویزیون تاثیر منفی نگذاشت؛ حتی تلویزیون مشتری سینما را از یک زاویه‌ای بیشتر کرد. در دهه ۷۰ میلادی یا اواخر دهه ۶۰ که ویدئو آمد، بتامکس‌ها بودند و بعد وی‌اچ‌اس‌ها آمدند.

اواخر دهه ۷۰ بود.

نه، اواسط بود.

اواخر دهه ۷۰ تازه برونديکا و ویدئوهای خیلی بزرگ که خیلی هم هنوز خانگی نبودند، در آمریکا ظاهر شدند.

من بتامکس را می‌گویم که خیلی کوچک بود.

بتامکس مال اوایل دهه ۸۰ میلادی است.

بله درست است. به نظر می‌آید باز سینما دارد ضربه‌ای سنگین می‌خورد، چون مردم خیلی قشنگ می‌روند نوار را کرایه کرده یا می‌خرند و در خانه با زن و بچه هر وقت دوست داشتند تماشا می‌کنند و دیگر هم لازم نبود در سرما و گرما از خانه بیرون بروند اما سینما توانست به سرعت مانور کند.

سینما به معنای واقعی‌اش در همان دهه ۹۰ دیگر آخرین درخشش‌هایش را داشت.

اینکه شما می‌گویید ارزیابی کیفی تولید است. من دارم واقعیت را می‌گویم نه ارزیابی کیفی. من واقعیت پدیده‌ای به نام سینما را می‌گویم.

فیلم‌های موجود حال آدمی را که می‌خواهد فیلم بسازد، به هم می‌زند. سینمای موجود

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

و اصلا امکاناتی که الان برای فیلم ساختن هست، چنگی به دل نمی‌زند. به طور خلاصه من در برنامه دیگری گفتم وقتی که ما ۱۳، ۱۴ سال‌مان بود و بین خلبان شدن، رمان‌نویس شدن، فیزیکدان شدن و فیلمسازشدن هر روز به یکی فکر می‌کردیم و به یکی متمایل می‌شدیم، اگر به ما می‌گفتند تو که می‌خواهی فیلمساز شوی، این را می‌دانی که روزی می‌رسد که فیلم‌های تو را روی موبایل می‌بینند؟

تصوری نداشتیم، اصلا موبایل چیست؟

می‌پرسیدیم موبایل چیست و وقتی به ما توضیح می‌دادند، می‌گفتیم نه، پس من می‌خواهم رمان‌نویس بشوم، یعنی می‌دانستم که در رمان دیگر نمی‌توان این‌قدر افتضاح تماشا یا دنبال کرد که حالا البته کسی که رمان را هم بخواهد افتضاح کند، می‌تواند.

کم هم نداریم.

به قول مسعود کیمیایی، آنها که می‌خواهند در مجالس میهمانی جلوه کنند که خیلی آدم‌های کتاب‌خوانی هستند، یک رمان را برمی‌دارند، اولش را می‌خوانند، بعد یک جایی از وسط و آخرش را هم می‌خوانند و بعد صحبت آن رمان که می‌شود، می‌گویند صفحه ۳۰۰ رمان این بود و بنابراین همه می‌فهمند که به‌به این آدم آن رمان را خوانده! در دیدن فیلم امروز توهینی بنیادی وجود دارد که باعث می‌شود آدمی که بگوید کاشکی از اول من دنبال رمان‌نویس شدن رفته بودم، یعنی طرف هر جا می‌خواهد فیلم را تند می‌کند که آخرش را ببیند و مثلا از اول با سرعت ۲۵ درصد بیشتر از سرعت معمول نگاه می‌کند و بعد هم می‌گوید من همه چیز را می‌فهمم.

قبل از Breaking Bad یک سریال خوب را چند سال قبل دیده بودی؟

من در بچگی خودم دیده بودم.

خیلی عقب رفتی. قبل از Breaking Bad؟

تازه که این سریال‌های جدید درآمده بود، مثلا Heroes و lost بود.

این را می‌پرسم، چون با یک شوقی به من گفتی اکبر Breaking Bad را دیدی، حتما ببین. هیچ موقع بهروز درمورد سریال به من چنین چیزی نگفته بود. شاید این یک اتفاق بود. ممکن است من دیده باشم و با شما هم عقیده باشم یا نباشم، این بحث دیگری است، ولی به‌هرحال یک چیزی شما را برانگیخته و بر سر شوق آورده.

سازنده یا creator آن یک استعداد بی‌نظیری است مثل کوئنتین تارانتینو، یعنی در حد او است. در سریال‌سازی جلوه کرد اما در حد تارانتینو است. من در ۱۰ سال اخیر ندیدم کسی این‌قدر درخشش داشته باشد. من با قید احتیاط می‌گویم ۱۰ سال پیش. برای اینکه آخرین کسی که فیلمساز بزرگ و بااستعدادی به نظر من می‌آید، شان بیکر است با فیلم The Florida project که به خاطر آن ویلن دفو، نامزد اسکار شد. فیلم ارزان قیمتی است؛ دوونیم میلیون دلار. بعد من نمی‌دانم چرا ویلن دفو از دستمزد خودش گذشته برای اینکه این داستان را دوست داشته که بازی کند، ولی فیلم فیلمی دیدنی برای ۲۰۱۸ است، یعنی پنج سال از آن فیلم گذشته و قبل از آن باز آخرین فیلمی که به یاد من مانده بود، Capote بنت میلر است؛ البته بنت میلر بقیه فیلم‌هایش هم خوب است اما آنچه به نظر من تکان‌دهنده بود، Capote بود. خیلی به‌یادماندنی بود و بحق هم به آن خیلی توجه شد اما به جز بنت میلر و شام بیکر من فیلمساز جدیدی در سینمای آمریکا در پنج سال اخیر نمی‌بینم. کسی که جلوه‌ای کرده باشد و جاهای دیگر دنیا هم به نظرم می‌آید که خبری نیست. اگر خبری بود به من گفته بودند و من هم بالاخره دیده بودم.

یکی از ابزارها یا ساحت‌های مهم سینما تخیل است. تخیل کنید بهروز افخمی قرار است همین امروز مدیر سینمایی کشور شود یا به او گفتند راهبرد آینده سینمای کشور را تو بنویس. خانواده سینما و مدیریت دولتی سینما هم گفته که راهبرد و انگشت اشاره تو به هر شکل و سمت‌وسویی باشد، ما همان مسیر را می‌رویم. چه طراحی‌ای برای آینده داری؟

من همیشه گفتم که در ۲۰ سال اخیر راهبردم یک چیز بوده؛ اینکه وزارت ارشاد تعطیل و به یک اتاق تبدیل شود که کارهای صنفی و رابطه بین اصناف سامان‌دهی شود تا جایی که به دولت مربوط است. به فیلمسازان گفته شود مسئولیت ضرر، سود، شکست، شکایت مردم و همه چیز برعهده خودتان است، یعنی اگر شما فیلم بد بسازید یا فیلمی که مردم از شما شکایت کنند، باید بروید قوه قضائیه پاسخگو باشید. اگر از لحاظ مالی ورشکست شدید، ما کاری نخواهیم کرد. سینمای ایران این عصای هدایت و حمایت و سانسور را از زیر بغلش بردارد. فیلم الان می‌تواند ساخته شود و بدون هیچ مانعی در اینترنت قابل دسترسی باشد و این کارهایی که ما الان داریم می‌کنیم، مثل این است که نمی‌فهمیم چه اتفاقاتی افتاده!

ظاهرا می‌خواهی برنامه «هفت» را دوباره شروع کنی. چرا دوباره به آن برمی‌گردی؟

من نمی‌خواهم برگردم اما با تنکابنی، تهیه‌کننده برنامه که سال گذشته برنامه را تولید کرد، رفاقتی داریم و توی رودربایستی هستم.

یعنی فقط توی رودربایستی هستی؟

در رودربایستی هستم اما اگر شرایط کار فراهم نشود، نمی‌کنم، یعنی الان نمی‌توانم بکنم.

من شنیدم این برنامه را قرار است در ایام جشنواره روی آنتن بیاورید. چون فیلم هم داری، این کار اصلا به مصلحتت نیست.

نه، درست است که به مصلحت نیست.

در ایام جشنواره منظورم است. اینکه دوباره به «هفت» برگردی که اصلا به مصلحتت نیست، این را به عنوان رفیق قدیمی به شما می‌گویم. در جشنواره فجر که دیگر به توان n به مصلحت نیست، چون فیلم داری.

خودم تمایلی ندارم، ولی بالاخره با تهیه‌کننده و بچه‌های تلویزیون رفیق می‌شویم و گاهی توی رودربایستی گیر می‌کنیم.

عجیب است. بهروز افخمی که می‌تواند یک نه محکم بگوید، اینجا بگوید توی رودربایستی گیر کردم.

اتفاقا من به آسانی نه نمی‌گویم، یعنی گاهی بعضی کارها را آدم به خاطر رفاقت می‌کند و می‌داند نتیجه هم ممکن است خوب از آب در نیاید.

پس الان در مذاکره هستی.

نه مذاکره‌ای هم در کار نیست.

اگر قرار باشد یک زمان برنامه تلویزیونی بسازی و شرایط هم از همه نظر فراهم باشد؛ ممیزی‌ها در حداقل ممکن و دست باز باشد هر نوع میهمانی دعوت کنی و هر موضوعی که روی آنها مطالعه یا درنگی داری استفاده کنی، چه برنامه‌ای دوست داری روی آنتن ببری؟ چون آدم رسانه‌ای هستی می‌پرسم وگرنه برخی از رفقا اصلا رسانه‌ای نیستند و طبیعتا سوال منتفی است.

اگر قرار باشد تمایلات خودم را بگویم، من همه عمرم دوست داشتم فیلم مستند بسازم و از یک فیلم داستانی به فیلم داستانی دیگری می‌غلتیدم به خاطر اینکه اینها موفق می‌شده و به من می‌گفتند بیا یک فیلم دیگر بساز اما آرزویم همیشه ساخت فیلم‌های مستند و مخصوصا مستندهای علمی بوده، در زمینه‌هایی که خودم علاقه‌مندم، مثل فیزیک یا این نظریه باطل و بی‌معنی تکامل داروینی که پررو هم هست، یعنی هرچه شواهد نقضش بیشتر ظاهر می‌شود، به خاطر اینکه پول خوبی از آن درمی‌آید، بیشتر تبلیغ می‌شود. ساختن فیلم درباره همه خرافه‌های علمی که به مردم فروخته می‌شوند ازجمله خرافه‌های پزشکی که تحت عنوان صنعت پزشکی برای پول درآوردن است اما درواقع مردم را هرچه بیشتر مریض‌تر می‌کنند. خودشان مریضی درست می‌کنند، بعد درمان‌های کاذب هم درست می‌کنند، یعنی همیشه دوست داشتم درباره پزشکی مدرن و فساد پزشکی مدرن فیلم بسازم. نشده و دیگر عمر ما هم تمام شد.

حالا برنامه تلویزیونی، چه برنامه‌ای؟

از همین جنس که شما دارید می‌سازید و در برنامه‌های آینده با آدم‌های دیگر در زمینه‌های دیگر صحبت می‌کنید.

مرکزیت در این برنامه صرفا روی سینما نیست اما سینما غالب است.

بله، اینها را دوست داشتم اما هیچ‌وقت نشد. دکتر افروغ کی از دنیا رفت؟

همین امسال. نه، فکر کنم اواخر اسفند سال گذشته. چون در بهمن که صحبت کردیم، ۱۰ روز بعد فوت کردند.

۶ ماه قبل از مرگش یکی از بچه‌های حوزه داشت برنامه تلویزیونی می‌ساخت، منتها حوزه هنری داشت برای تلویزیون می‌ساخت و به من گفت یک سری مصاحبه کنیم با بعضی از اهل اندیشه، استادان دانشگاه و اینها. اولین نفر هم دکتر افروغ بود. این مصاحبه را پخش کردند. بخش‌هایی سانسور یا کوتاه شد اما به‌هرحال پخش کردند. منتها من چون کاملا دکتر و حرف‌زدن ایشان را با تمام جزئیاتش یادم بود، آن برنامه را ندیدم که ببینم چه قسمت‌هایی را کوتاه کردند یا درآوردند و آیا به قصد سانسور بوده یا چیز دیگر. گذشته از اینکه از تلویزیون پخش شد، می‌خواهم بگویم گفت‌وگو با دکتر افروغ برای من خیلی جذاب بود. برای ایشان هم جذاب بود، چون در هر زمینه‌ای که وارد می‌شد، من می‌توانستم با او صحبت کنم و فلج نمی‌شدم و این‌طور نبود که به موضوع وارد نباشم، درنتیجه خیلی خوشش می‌آمد و سر حال آمده بود و باعث تاسف شد که دیگر ندیدمش.

باز هم فیلم می‌سازید؟

بله.

چون گاهی گرد حرف نمی‌زنی و دیگران را دچار مشکل می‌کنی.

یعنی چه؟

مثلا می‌گویی ممکن است من دیگر فیلم نسازم.

نه، من چیزی را که گفتم، هنوز هم پایش هستم.

من معتقدم که آدم باید گرد حرف بزند که بعد بتواند در برود.

نه، من ترجیح می‌دهم صریح حرف بزنم و بعضی جاها هم بگویم اشتباه کردم و نظرم عوض شده یا گولم زده بودند و از این حرف‌ها. «صبح اعدام» امیدوارم آخرین فیلم فارسی من در ایران باشد. فیلم بعدی درباره ماجراهای جنگ غزه است و به زبان عبری و عربی و کمی هم انگلیسی.

در سوریه، لبنان، کجا قرار است بسازی؟

نه، در خود ایران.

دستت بسته می‌شود در بعضی موضوعات؟

همه امکانات برای ساختن چنین فیلمی در ایران هست، مانند بازیگر.

لوکیشن؟

باید دکور ساخته شود، چون نمی‌توانیم برویم در خود غزه فیلمبرداری کنیم.

نه، گفتم ممکن است به سوریه یا لبنان بروید.

الان که دیگر این کارها را با کامپیوتر انجام می‌دهند وگرنه پرخرج و ناکارآمد است.

باید یک رئالی باشد که به آن حجم دهید و تقویتش کنید.

بله. محدوده محدودی. منظورم این است که این در شرایطی دارد اجرامی شود که بشود در ایران اتفاق بیفتد و می‌تواند اتفاق بیفتد اما قبل از اینکه این فیلم غزه مطرح شود، می‌خواستم «جنایت و مکافات» داستایوفسکی را به زبان روسی و با خواندن کامل رمان روی فیلم بسازم، یعنی چیزی که به آن video book می‌گویند؛ یعنی این امکان را به وجود آورده که شما یک کتاب را از اول تا آخر بخوانید و روی آن تصویر بسازید.

Audio book زیاد داریم. چندین سال است.

اما video book به این معنا که من دارم می‌گویم، نداشتیم و باز هم هست که تصویر یا عکس گذاشته باشند روی رمان قطور. رمان، هم خوانده شده و هم تصویر روی آن هست.

یک شکل فتورمان.

بله. این شکلی که من می‌گویم قرار است به صورت فیلم کاملا ساخته شود اما تو اگر دلت بخواهد می‌توانی چشمت را ببندی و صدا را گوش کنی، مثل اینکه یک نفر برایت رمان می‌خواند و کم و زیاد هم نداشته باشد و رمان کامل خوانده شود.

چند ساعت می‌شود؟

۲۵ ساعت. این کاری است که من کم‌وبیش در «گاوخونی» کردم و نصف داستان خوانده می‌شود.

تنها فیلمی که از شما ندیدم همین فیلم است. رمان آقای مدرس صادقی را خواندم اما فیلم شما را ندیدم.

۲۰ سال پیش که این فیلم را ساختیم، به نظر می‌آمد که چنین کاری هیچ مشتری‌ای ندارد و ما برای ضررکردن و اینکه فیلمی بسازیم که پولش را درنیاورد، ساختیم اما الان مشتری دارد. الان اگر شما جنایت و مکافات را بسازید، من فکر کنم با یک بودجه قابل توجه یعنی حدود ۱۰۰ میلیارد تومان با پول خودمان می‌شود این کار را به نتیجه رساند اما خیلی بیشتر از این می‌تواند پول درآورد؛ البته با این شیوه‌ای که من می‌گویم، یعنی رمان کامل خوانده شود.

یعنی شخصیت‌های رمان هرکدام صحبت‌های خودشان را می‌کنند؟ آن وقت راوی چه؟

بله، برای هر رمانی باید شگردهای خودش را پیدا کنی. من این کار را از «بارتلبی محرر» هرمن ملویل شروع کردم. آن یک فیلم سینمایی در حدود ۱۱۰ دقیقه می‌شود اما باز بنایم بر این است که آن را کاملا از اول تا انتها داستان «بارتلبی محرر» خوانده شود که با صداهای خوب هم به انگلیسی خوانده شده. الان می‌شود با صداهای مشهور هم انجام داد. فرض کنید به آنتونی هاپکینز بگویید بارتلبی را برای شما بخواند. حالا کاری ندارم که هوش مصنوعی چه راه‌هایی برای این کار باز کرده اما بعد شما می‌توانید روی آن تصویر بگذارید و فیلمی است که تماشاچی اگر خواست می‌تواند ببیند و قضاوت کند که تصویرش هم خوب بود و برای خودش دنیایی داشت اما اگر دلش هم نخواست، می‌تواند چشمش را ببندد که بارتلبی را برایش می‌خوانند و چنین چیزی چون داستان ملویل است و این داستان هم ترجمه‌های خیلی خوب دارد. اینها تازه مال قبل از دوران هوش مصنوعی است، بنابراین اینکه گفتم دیگر نمی‌خواهم فیلم بسازم که یک عده از آن در جهت حسادت و مسخره‌بازی‌های معمول خودشان استفاده کردند، همان موقع این نبود و من این را نگفته بودم، من گفته بودم دیگر در ایران و به زبان فارسی امیدوارم که فیلم نسازم و فقط فیلم تهیه کنم و الان هم دارم همین کار را می‌کنم. من فیلم «استاد» را تهیه کردم و فیلم‌های دیگری را هم امیدوارم اگر عمری داشته باشم، بتوانم تهیه کنم. فیلمی که به زبان فارسی می‌تواند ساخته شود، دوست دارم تهیه کنم.

آیا واقعا برای تهیه فیلم‌ها وقت می‌گذاری؟

آن قدر که کارگردان بخواهد. اگر کارگردانی که من انتخاب کردم و فکر می‌کنم از پس این کار برمی‌آید، بخواهد من مراقب و مزاحمش بشوم، این کار را می‌کنم اما اگر نخواهد نه.

بهروز افخمی که عروس را ساخت چقدر شوق برای ساختن فیلم داشت و بهروز افخمی که آخرین فیلمش صبح اعدام است؟ چه فاصله‌ای میان این دو بهروز افخمی است؟ آیا همان شور و شوق وقتی می‌خواهد صبح اعدام را شروع کند، در او هست؟

همان طور که می‌گویید من ۲۸ سال پیش گفته بودم سینما هنر نیست. من همیشه فکر کردم که اصل ذوق و علاقه من به داستان‌گویی و داستان‌پردازی است. حالا به شیوه پرده و سینما یا تلویزیون یا برای خود رمان‌نویسی. اتفاقا فکر می‌کنم رمان‌نویسی هم شأنش از سینما بالاتر است و هم تاثیرش ماندگارتر است اما من جرات ندارم. اگر قرار بود من این کار را شروع کنم باید همان ۱۴، ۱۵ سالگی شروع می‌کردم که راه خودم را پیدا کنم اما الان می‌ترسم. الان درباره موضوع قتل مهرجویی، گفتم که می‌خواهم رمانش را بنویسم اما ممکن است که باز در آخرین لحظه تصمیم بگیرم رمان را با آن مشخصاتی که می‌خواهم سفارش دهم به یک رمان‌نویس بنویسد و خودم فیلمش را بسازم، یعنی می‌خواهم بگویم که بالاخره این ۴۰، ۵۰ سالی که در کار سینما صرف کردم، باعث شده برخی از توانایی‌هایی که می‌تواند شکوفا شود، شکوفانشده باقی بماند و الان هم ظاهر دیگر دیر است.

جواب سوالم را نگرفتم؛ آن شور و شوق هنوز هم هست؟

من عشق فیلم هستم.

یعنی صبح اعدام را با همان شور و شوق ساختی که عروس را؟

فرقی نمی‌کند.

من احساس می‌کنم افخمی چندین سال است که دیگر مثل گذشته سینما برایش جدی نیست. مثل من است.

نه. این از حرف‌هایی است که خیلی تکرار شده. فقط که تو نگفتی.

اگر فقط من نگفتم، پس چقدر درست گفتند.

ولی نه، موقعی که «روباه» نمایش داده شد، گذشته از دشمنی‌هایی که با آن شد و کوششی که برای نادیده‌گرفتنش در جشنواره آن سال صورت گرفت، خیلی این حرف تکرار شد. یک عده که اصلا وانمود می‌کردند، ندیدند اما آنهایی که دیده بودند تکرار کردند که این اصلا خوب درنیامده و مثل «روز شیطان» نشده و بالاخره حق با مشتری است. حالا با عده‌ای که روباه را دفعه اول همین چند روز پیش دیدیم، گفتند فیلم بدی نیست و خوب است و همه چیز دارد برعکس می‌شود و انگار تازه این فیلم دارد کشف می‌شود. برای من فرقی نمی‌کند. من هر فیلمی که می‌سازم، نه به آن معنا که یک فیلمسازی بخواهد پرشور و با احساس و از این حرف‌ها باشد، با آن روبه‌رو می‌شوم، چون به نظرم فیلمسازی باید خویشتن‌دارانه باشد، یعنی فیلمساز نباید خودش خیلی تحت تاثیر قرار بگیرد، یعنی می‌گویند عزا چنان عزایی است که مرده‌شوی هم دارد گریه می‌کند.

یعنی موقع فیلمسازی خودت لذت نمی‌بری؟ باید کیف کنی.

لذت بردن با اینکه شما خویشتن‌دار باشی و تحت تاثیر قرار نگیری و جوری تعریف کنی که انگار خودت نمی‌فهمی چه داستانی را داری تعریف می‌کنی و تماشاچی است که باید بفهمد، تفاوت ظریفی دارد. حالا چیزی را مفصل برایت بگویم، حالا بعد درمی‌آوری.

حالا شاید هم درنیاوردیم.

منظورم این است که برنامه‌ات طولانی می‌شود. سر «شوکران» موقعی که تازه شلوغ شده بود، می‌دانید که عید آن سال‌ها معمولا تهران خلوت بود. ما فیلم را از روی جشنواره پرانده بودیم و به جشنواره نرسانده بودیم، چون می‌دانستیم اگر برسد، توقیف می‌شود اما بعد از جشنواره با سرعت فیلم را آماده کردیم. دو روز پیش از عید بدون هیچ تبلیغی فیلم آغاز شد. دو هفته عید که قرار بود فیلم فروش خوبی بکند، هیچ فروشی نداشت. در سه چهار روز آخر تعطیلات به ما گفتند هر روز دارند تماشاچی‌ها نسبت به روز قبل دوبرابر می‌شوند و یواش‌یواش دارد صف تشکیل می‌شود و خیلی‌ها که بیرون می‌آیند دوباره بلیت می‌خرند و باز می‌روند داخل یا یکی دیگر را می‌آورند. خلاصه داشت فیلم به چیزی تبدیل می‌شد که من خودم هم فکر نمی‌کردم. من فکر می‌کردم شوکران از آن فیلم‌های کوچک شخصی است که یواش‌یواش کالت می‌شود، یعنی عده‌ای دوستش خواهند داشت و کسانی هم ندیدند اصلا، ولی این‌طور نشد. فیلم «مثل بهمن» تماشاچی‌هایش زیاد شدند. ما کارگاهی در حوزه داشتیم که فرهاد توحیدی و فریدون جیرانی هم می‌آمدند. خیلی‌ها می‌آمدند.

خیلی‌ها می‌آمدند، مثل میرباقری و تقوایی.

فرض کنید روز ۱۵، ۱۶ یا ۱۷ فروردین بود که هنوز اعتصاب نشسته پرستاران جلوی وزارت ارشاد شروع نشده بود، اصلا هنوز هیچ عکس‌العملی شروع نشده بود اما تماشاچیان یواش‌یواش زیاد شده بودند و معلوم بود که فیلم دارد برای خودش دردسر درست می‌کند. من داشتم می‌آمد داخل کارگاه و جیرانی داشت می‌رفت بیرون. طبق معمول هم دیر رسیده بودم. جیرانی سلام علیک کرد و گفت من این فیلمت را خیلی نپسندیدم، ولی باید سر فرصت درباره‌اش صحبت کنیم. گفتم صحبت کنیم. گفت خلاصه‌اش این است که تو از موقعیت‌ها خوب بهره‌برداری نکردی! این داستان خیلی برای کارکردن جا داشت، اما تو امکانات داستان را درست درنیاوردی و کشف نکردی! هر دو دفعه یک بار کارگاه تشکیل می‌شد. دو هفته بعد نه‌تنها پرستاران شلوغ کرده بودند، بلکه مردم که تازه فیلم را کشف کرده بودند و به خاطر ماجرای پرستاران صف‌های طولانی کنار سینما می‌بستند.

کنجکاوی‌شان زیاد شده بود.

معلوم بود که اگر بخواهند فیلم را اکران کنند، مثل همین «فسیل» که الان یک سال است روی پرده است و می‌فروشد، این هم همین‌طور می‌رود. خودم هم می‌دانستم که هر فیلمی بالاخره باید یک سهمیه‌ای داشته باشد و باید آن را زود بردارند وگرنه همه رکوردهای فروش را می‌شکند. جلسه دوباره تشکیل شده بود و همه داشتند تعریف می‌کردند. خود فریدون هم در جلسه بود. هر ۵ تا ۱۰ دقیقه یک بار من درحالی‌که داشتم به تشویق‌های دیگران پاسخ می‌دادم و تشکر می‌کردم، از روی شیطنت برمی‌گشتم و می‌گفتم البته فریدون فکر می‌کند من از موضوع بهره‌برداری نکردم! خلاصه خیلی باعث خنده شدم و بعد یکی، دو ماه بعد در هواپیما بودیم و داشتیم با حاجی‌زم به اصفهان برای یک بازدید می‌رفتیم. نشسته بودم کنار فریدون. فریدون گفت که ببین من واقعا می‌خواهم بدانم چرا مسخره می‌کنی و شوخی‌بازی درمی‌آوری؟ من واقعا فکر می‌کنم از موقعیت‌ها بهره‌برداری نکردی، خودم هم حیرانم که چطور شد فیلمت این‌قدر فروش کرد و تاثیر گذاشت، ولی تو برای چه مسخره می‌کنی، به من بگو که من بفهمم. گفتم برای اینکه از تو توقع نداشتم این حرف را بزنی، حالا من قرار است ظرفیت نشان دهم و انتقادپذیر باشم اما از تو این توقع را نداشتم. این نوع فیلمسازی را تو باید بشناسی. نقطه مقابل فیلمسازی‌ای است که به آن فیلمفارسی می‌گوییم. فیلمفارسی از یک موقعیت خوب بهره‌برداری می‌کند، یعنی همه چیز را مبالغه می‌کند و باعث می‌شود تو وسط فیلم گریه‌ات بگیرد.

گل درشت.

خیلی ناراحت بشوی و دو، سه ساعت بعد هم به دلیل همان مبالغه‌ای که باعث شده شما عمیقا باور نکنی، فراموش می‌کنی.

بله، تمام می‌شود.

یک نوع فیلمسازی دیگر هم هست که فیلمسازی‌ای است که بهترین آن را من در کار «هوکس» دیدم. می‌گوید موقعی که من کارم را شروع کردم، جوزف فون اشترنبرگ بهترین فیلمساز آمریکایی بود که در آمریکا کار می‌کرد. خصوصیت او این بود که یک چیز کوچک را بزرگ و بزرگ و مثل بادکنک باد می‌کرد، یعنی مبالغه می‌کرد. من وقتی کارم را شروع کردم، هی از استودیوها یادداشت می‌فرستادند که تو از صحنه‌ها بهره‌برداری نمی‌کنی و چرا این‌طوری فیلمبرداری می‌کنی و این صحنه حال نیامده و اینها، درحالی‌که من فکر می‌کردم شاید یک کار برعکس بگیرد.

مهندسی معکوس می‌کردید.

یک موقعیت واقعا تاثیرگذار اگر در داستانی داشته باشی، بهتر است آن را کوچک و کوچک کنی، انگار که خودت نمی‌فهمی چقدر تاثیرگذار است. کار خیلی سختی است اما اگر درست دربیاید، همان‌طور که در شوکران درست از کار درآمد، خیلی تاثیرگذار خواهد بود. شوکران طوری ساخته شده انگار که داستان خیلی متاثرکننده است، وضعیت این زن خیلی تاثربار است و او خیلی مظلوم است، ولی فیلمساز خودش نفهمیده. اگر قرار باشد من خودم لذت ببرم، به این معنی که خیلی شیفته شوم و فکر کنم دارم یک شاهکاری درست می‌کنم و به بازیگران بگویم خیلی باید باحال‌تر و پرشورتر بازی کنید، مطمئن باشید که نتیجه فاجعه است.

منظورم این حالت exaggerate نبود. بی‌انصافی نکن!

موقعی که ما داشتیم شوکران را می‌ساختیم، من فکر می‌کردم این حس را به همه منتقل کنم که انگار نمی‌فهمیم داستان چقدر متاثرکننده است و اگر فریبرز عرب‌نیا می‌فهمید که این نقشی که دارد بازی می‌کند، چقدر نفرت‌انگیز است، احتمالا بازی نمی‌کرد یا وقتی داشت بازی می‌کرد، یک جورهایی سعی می‌کرد تلطیفش کند، منتها من باید به شکل‌های مختلف گولش می‌زدم که ما داریم بازی می‌کنیم و مهم نیست. داستان را خود من هم نمی‌فهمم، چه برسد به اینکه تو بفهمی! یا درباره صحنه معروف گریه هدیه تهرانی، چون دوربین آنجا طوری بود که ما نمی‌توانستیم خودمان ببینیم چه کردیم. دوربین نگاتیو بود و حتی موقعی که داشتیم فیلمبرداری می‌کردیم، دوربین را روی کاپوت گذاشته بودیم و ماشین که داشت می‌رفت، نعمت هم نمی‌دید و چشمش به ویزور نبود، در نتیجه باید می‌پرسیدیم که چه اتفاقی افتاده. من روی صندلی شاگرد لوله شده بودم و پایین رفته بودم که توی کادر نباشم. اول که سعی کردم مثلا هدیه را گریه بیندازم با چیزهای مختلفی که متاثرش کنم و برای گریه‌کردن آماده شود، بعد دیدم که این خلاف چیزی است که تا الان خودم کارگردانی کردم و به اینها القا کردم. خب این نمی‌تواند موقعیت را متاثرکننده ببیند، چون من تا به حال درباره داستان با او این‌طور حرف نزدم، پس تصمیم گرفتم کار را برعکس کنم و وقتی دیدم گریه‌اش نمی‌گیرد، به او گفتم که هدیه فکر نکن که آدم اول باید متاثر شود و بعد گریه کند، آدم اول گریه می‌کند، بعد متاثر می‌شود، بنابراین تو شروع کن به اینکه گریه کنی، مثل بچه‌ها ادای گریه را دربیاور و یواش‌یواش متاثر خواهی شد. برویم؟ گفت برویم. باتری دوربین هم دست من بود. دکمه زده شده بود و من باید فیش را به باتری می‌زدم و بعد درمی‌آوردم. آن زیر فیش را به باتری زدم و ماشین هم راه افتاده بود. درست به همین ترتیب شروع کرد. گریه‌ای که ما فکر کردیم خیلی خوب بازی کرده، درست همین اتفاق افتاد. اول صورتش را به حالت گریه درآورد و بعد یواش‌یواش واقعا گریه‌اش گرفت و موقعی که ما آن نمای طولانی را گرفتیم و می‌دانستم به اندازه کافی باتری نداریم، تازه حسش درست شده بود، چون فکر می‌کردم دوربین هم ممکن است کم بیاورد و کات کردم، چون دیدم ته نگاتیو است و دو دقیقه آخر مصرف شده بود، گفتم کات. هم من هم هدیه شروع کردیم به خندیدن، یعنی از اینکه این کار این جوری درآمده کلی خندیدیم.

شما از کسانی هستید که شاید بتوان گفت که به سینمای سیاسی توجه کردید. حالا درست است که یکی، دو فیلم بیشتر در این حوزه ندارید، مثل «روز شیطان» و «روباه» اما برایت مهم بوده.

فکر کنم سیاسی‌ترین «کوچک جنگلی» است.

کوچک جنگلی سیاسی به مفهوم رایج تلقی نمی‌شود وگرنه خیلی از آثار را می‌توان سیاسی تلقی کرد، چون سینمای سیاسی همسایه شگفت‌انگیزی برای سینمای اجتماعی است یا سینمای اجتماعی یک‌دفعه چنان می‌رود در وادی سینمای سیاسی که گاهی به ملودرام خیلی نزدیک می‌شود. این سیالیت را سینمای اجتماعی دارد، در نتیجه ممکن است خیلی از آثار را به اعتبار آن سیالیت بگوییم این وجوه از درنگ‌ها، تاملات و هشدارهای سیاسی را دارد اما فیلم سیاسی به مفهوم خاص را اینجا داریم اشاره می‌کنیم. چرا به نظر شما فیلم سیاسی در یک جامعه‌ای که یک انقلاب بزرگ را مردمش رقم زدند. جامعه‌ای که مردم به‌شدت نمی‌خواهم بگویم سیاسی‌اند اما فهم سیاسی خاص و پیشرو دارند، چرا در چنین جامعه‌ای با این مختصات فیلم سیاسی خوب ما کم داریم یا سینمای سیاسی جدی گرفته نشده؟ اصحاب قدرت می‌ترسیدند از شکل‌گیری آن یا عوامل دیگری هم در کنار آن بوده؟

عوامل مختلفی می‌تواند باشد، ولی اینکه سینمای ایران به اصطلاح جلال آل‌احمد دیپلیتیزه شده، یعنی به یک چیز استریلیزه برای عرضه در خارج تبدیل شده، برای اینکه بگوییم ما خیلی مدرن هستیم و پیشرفت کردیم و موضوعات مورد علاقه جشنواره‌های خارجی را بلدیم که بسازیم و حتی خودمان هم عقیده داریم، اینها هم همان برنامه‌ای است که تو می‌گویی نبوده و من دارم درباره‌اش مبالغه می‌کنم، شاید این هم نقش داشته باشد.

من نمی‌گویم نبوده اما می‌گویم مبالغه می‌کنی.

نه، داری از سیدمحمد بهشتی دفاع می‌کنی اما من خودم از او خوشم می‌آید.

اتفاقا من گفتم نمی‌خواهم از او دفاع کنم اما می‌خواهم واقعیت‌ها را بگویم. داشتی می‌گفتی به این دلایل سینمای سیاسی...

یکی از دلایلش همین است؛ بیرون‌کردن تماشاچی واقعی از سینما که به معنای انقلابی‌اش سیاسی است و مصادره‌کردن سینما به‌وسیله اول طبقه متوسط و بعد لایه بی‌دین طبقه متوسط که انتظار دارد کل انقلاب را در سینما مورد تحقیر، طعن و لعن قرار دهند و فقط برای همین به سینما می‌آید فیلم ببینند. اینها هم بالاخره نقش داشتند. یک مساله دیگر هم هست، یعنی نباید این‌طور فکر کرد که اگر اینها نبودند و تماشاچی واقعی وارد سینما می‌شد، می‌شد که فیلم سیاسی ساخت. تماشاچی واقعی برخلاف آنچه ممکن است خیلی‌ها ادای تفاوت، فهم بالا و هوشمندی را درمی‌آورند، ندانند، بسیار باهوش است، مخصوصا بچه‌های باهوش. وقتی صحبت از سیاست می‌شود، اتفاقا خیلی هم می‌فهمند، منتها موضوع این است که وقتی داری مثلا یک فیلم اکشن معمولی می‌سازی به سبک همین فیلم‌های حسین فرح‌بخش، می‌گویند در همین کلاس هستی و باید ببینیم که اگر داستان انتقام است، خیلی هم خوب، من دنبال می‌کنم اما اگر وارد سیاست شدی، باید ببینیم آن پیچیدگی لازم و هموار و عمقی که ادعایش را می‌کنی، داری یا نه. منظورم این نیست که باید از طبقه‌ای که خودشان را فرهیخته و روشنفکر می‌دانند، بترسید؛ اتفاقا از بچه کوچولوها باید بترسید، از بچه‌های ۱۳، ۱۴، ۱۵ ساله که این روزها همه چیز می‌شنوند و با فرض اینکه جزء طبقه متوسط هم نیستند و آدم‌هایی هستند که بین مردم واقعی و معمولی زندگی کرده‌اند، گوش‌هایشان تیز است و خوب نگاه می‌کنند که چه کار کردی. حالا که یک خرده جدی شدی و می‌خواهی سیاسی باشی، ممکن است بگویند نه، متقلب هستی، بنابراین ساختن فیلم سیاسی آسان نیست.

پس شما به اصحاب قدرت برای ممانعت از شکل‌گیری یا تبدیل شدنش به یک جریان، خیلی سهم پررنگی قائل نیستید؟

ساخت فیلم سیاسی خیلی سخت است. موقعی که من می‌خواستم روز شیطان را بسازم، اول بگویم که شرکت‌مان سر این قضیه از هم پاشید. محمدرضا هنرمند می‌گفت چرا باید ما با پول خودمان فیلمی را بسازیم که باید دولت پولش را بدهد؟ گفت ما اصلا می‌خواهیم از شرکت برویم. بعد که سناریو را برای سیدمحمد بهشتی فرستادم و گفتم این فیلم از آن فیلم‌هایی است که وزارت اطلاعات باید اول داستانش را ببیند، چون فیلمی اطلاعاتی-امنیتی است. من نمی‌دانم شما فیلمنامه را به چه کسی نشان می‌دهید و اجازه‌اش را می‌گیرید، ولی بعدا دلم نمی‌خواهد ببینم یک خط از دیالوگ خط زده شده یا این حرف در شأن مامور ما نیست یا این جنبه از داستان را تغییر دهید. اگر این‌طور باشد ما اصلا نمی‌سازیم. اگر اینها نیست و اجازه کلی دادند، ضمن اینکه باز نمی‌خواهم هیچ ناظری از وزارت اطلاعات سر صحنه باشد، من می‌سازم، با پول خودمان هم می‌سازیم، یعنی فیلم‌هایمان خوب فروش کرده بود. گفتم ما شرکت پولداری هستیم و می‌خواهیم یک فیلم جاسوسی بسازیم که نفروشد. برای اینکه فیلم‌های جاسوسی جدی واقع‌گرا نمی‌فروشند. این فیلم هم باید در ۴ کشور مختلف فیلمبرداری می‌شد و مخارجش سه برابر مخارج یک فیلم معمولی آن روزها بود. بعد هم شما یک سیستمی دارید که حقوق ویدئو و تلویزیون و اینها را می‌خرید و ۵۰ درصد را می‌دهید، آن ۵۰ درصد را باید بدهید، خلاصه رفت فیلمنامه را خواند و بعد گفت تو می‌دانی گذشته از این حرف‌ها بعد از اینکه این فیلم را بسازی، چه بلایی سرت می‌آورند؟ گفتم می‌دانم. گفت پس چرا می‌خواهی این کار را بکنی؟ کنجکاو شده بود، نه اینکه بخواهد نصیحت بکند. من از بچگی خیلی فیلم جاسوسی دوست داشتم. یادم هست ۱۰، ۱۱ سالم بود، رفتم به سینما اسکار که ۱۰ سال قبل از انقلاب حسینیه‌اش کردند. سینمای مسجدواری هم بود، من هم ۱۱ سالم بود و تازه پا درآورده بودم که بروم چند تا ایستگاه اتوبوس آن طرف‌تر از خانه‌مان، تنهایی فیلم ببینم. فیلم «جاسوسی که از سردسیر آمد»، با بازی ریچارد برتون و کلیر بلوم. فیلمی سیاه‌ـسفید و سرد که اصلا هم از داستانش هیچ‌کس نمی‌توانست سر درآورد؛ از آن داستان‌هایی که اگر به صورت کتاب بخوانی، باید مدام برگردی و ببینی آنجا چه شد و این که بود. نشسته بودم در سینمایی که مثلا فقط ۲۰ تماشاچی نشسته بود، با اینکه سینما اسکار هیچ‌وقت خلوت نمی‌شد. ساعت ۱۰ فیلم تمام شد. از داستان خیلی هم سردرنیاورده بودم، بعدا داستان را سه، چهار سال بعد خواندم و تازه فهمیدم این جوری بوده و چنین کلکی در داستان بوده اما واقعا در کوچه‌های خلوتی که می‌رفتم عشق کردم. برای بهشتی هم همین را گفتم. گفتم من عشق فیلم جاسوسی هستم. می‌دانم که نمی‌فروشد اما دوست دارم یکی از اینها را بسازم. هر اتفاقی هم که می‌خواهد بیفتد و هر برچسبی هم که می‌خواهند بزنند، بزنند. مفهوم فیلمساز مستقل همین است؛ یعنی کسی که کاری را برای خودش دارد می‌کند، حالا باید استراتژی و زرنگی داشته باشد و سرمایه را فراهم کند و یک کاری کند که دیگران هم فکر کنند که او دارد فیلم آنها را می‌سازد، ولی کسی که دارد فیلم خودش را می‌سازد و احساس می‌کند فیلم شخصی خودش است، فیلمساز مستقل است.

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

۵۰ درصد از ارزهای پلتفرم گوین گگو دیگر زنده نیستند!

راه رفتن در صف مردگان

هومن جعفری
خبرنگار

تحقیقات نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد از ارزهای رمزنگاری شده فهرست‌شده در «گوین گگو» از سال ۲۰۱۴ تاکنون مرده‌اند و ۲۰۲۱ پروژه بیشترین میزان شکست را تجربه کرده است. داده‌های اخیر گردآوری شده توسط گوین گگو نشان داد که بیش از نیمی از ارزهای دیجیتالی که از سال ۲۰۱۴ تاکنون در این پلتفرم فهرست شده‌اند، مرده‌اند. براساس این گزارش، از ۲۴۰۰۰ ارز رمزنگاری شده، ۱۴۰۳۹ ارز دیجیتال اکنون از بین رفته‌اند. این سایت می‌گوید که اکثر این دارایی‌های دیجیتال مرده در طول دوره صعودی ۲۰۲۰-۲۰۲۱ پدیدار شده‌اند و می‌افزاید که ۵۳٫۶ درصد از ارزهای دیجیتال مرده، در مجموع ۷۵۳۰ پروژه در آن زمان منشا گرفته‌اند. در دوره صعود گاوی بازار- صعود با قدرت- پیشین در ۲۰۱۸-۲۰۱۷ بیش از ۱۱۰۰۰ پروژه فهرست شده بود که تقریبا ۷۰ درصد از آنها اکنون بسته شده است. نگاهی دقیق‌تر به اعداد نشان می‌دهد که ۱۴۵۰ پروژه راه‌اندازی‌شده در دوره صعودی ۲۰۱۸-۲۰۱۷ فعالیت خود را متوقف کرده‌اند که نشان‌دهنده نرخ شکست قابل مقایسه در حدود ۷۰ درصد است. تحلیلگران این سایت پیشنهاد می‌کنند که افزایش سکه‌های مرده در دوره ۲۰۲۱-۲۰۲۰ را می‌توان به سادگی استقرار سکه و تکثیر میم‌کوین‌ها نسبت داد. در نتیجه بسیاری از پروژه‌های میم‌کوین که از فقدان محصولی ملموس رنج می‌برند مدت کوتاهی پس از راه‌اندازی با رها شدن مواجه شدند. به نظر می‌رسد قابل‌توجه‌ترین شکست‌ها در میان ارزهای رمزپایه راه‌اندازی‌شده در سال ۲۰۲۱ باشد که تا ژانویه ۲۰۲۴ تعداد حیرت‌آور ۵۷۲۴ مورد شکست خورده است. این نقطه عطف تلخی است، زیرا بیش از ۷۰ درصد از ارزهای رمزنگاری‌شده فهرست‌شده در سال ۲۰۲۱ مرده‌اند. با پیگیری دقیق ارزهای رمزپایه فهرست‌شده در سال ۲۰۲۲ با ۶۰ درصد شکست مواجه شده‌اند و ۳۵۲۰ پروژه تعطیل شده‌اند. در مقابل تنها ۲۸۹ از بیش از ۴۰۰۰ ارز رمزنگاری‌شده فهرست‌شده در سال ۲۰۲۳ به سرنوشت مشابهی دست یافته‌اند که نشان‌دهنده نرخ شکست کمتر از ۱۰ درصد است و نشان‌دهنده کاهش قابل‌توجهی در مقایسه با سال‌های گذشته است.

ظهور سکه‌های مرده

صنعت کریپتو مملو از بقایای به‌اصطلاح «سکه‌های مرده» است که با سروصدای زیادی راه‌اندازی شدند، اما در نهایت حداقل تا صفر سود برای هرکسی داشتند. این سکه‌ها معمولا دچار مرگ ناپسند و اغلب عمدی می‌شوند، زیرا سازندگان آنها سرمایه‌گذاری‌های کاربران را نقد می‌کردند و صاحبان کیف (مرده؟) را رها می‌کردند تا بدانند ارزش نمونه کارشان کجا رفته است. تکثیر این سکه‌ها در طول شور و شوق عرضه اولیه سکه در سال ۲۰۱۷ شتاب بیشتری گرفت؛ اتفاقی که تعداد سکه‌های موجود را از ۲۹ به بیش از ۸۵۰ پروژه افزایش داد. در سال ۲۰۱۸، توسعه‌دهندگان بیش از ۱۲۰۰ پروژه رمزنگاری را راه‌اندازی کردند و حتی بیشتر به فضا اضافه کردند. در دسامبر ۲۰۲۰، تعداد کل ارزهای دیجیتال به نزدیک ۸۰۰۰ رسید. در طول همان سال، نوع جدیدی از کلاهبرداری رایج شد که ظهور نسل جدیدی از سکه‌های مرده‌شده را به دنبال داشت.

سکه‌های مرده چیست؟

سکه‌های مرده دارایی‌های دیجیتالی پروژه‌هایی هستند که رها شده‌اند، مشخص شده که کلاهبرداری هستند، نقدینگی پایینی دارند یا بودجه کافی ندارند، و موارد دیگر. در کریپتومتر، آنها ارزهایی هستند که ارزش آنها به صفر رسیده اما همچنان در اعماق تیره‌ترین بلاک‌چین‌های کریپتو شناورند، بدون هیچ امیدی، رها شده برای همیشه و در حال اجرا؛ بدون اکسیژن در مسابقه به ماه. اغلب با کلیک کردن روی تب «نمایش همه موجودی‌ها» در بخش کیف پول صرافی‌تان یا جست‌وجو در آدرس عمومی کیف پول دیجیتالی که دارید، سکه‌های مرده را پیدا می‌کنید. هشدار داده شود؛ برای هر کاربر رمزارز با بیش از دو سال سرمایه‌گذاری در کمربند خود، دیدن سکه‌های شکست‌خورده آنها ممکن است بیش از حد تحمل شود. وب‌سایت‌هایی مانند Coinospy و Deadcoins وجود دارند که پروژه‌های رمزنگاری مرده شناور در این فضای مرده را ردیابی می‌کنند.

پروژه‌های شوخی‌محور

اینها پروژه‌هایی بدون برنامه مشخص هستند، با این حال آنها همچنان به دنبال سرمایه‌گذاری هستند، و گاهی اوقات سود غیرمنتظره‌ای را نسبت به آنچه در نظر داشتند، دریافت می‌کنند. جالب اینجاست که برخی از علاقه‌مندان به ارزهای دیجیتال در ابتدا ارزش آنها را می‌بینند و پول خود را شرط‌بندی می‌کنند. به عنوان مثال، توکن اتریوم بی‌مصرف (UET) یک ICO برگزار کرد و بیش از ۳۰۰۰۰۰ دلار جذب کرد.

در حالی که موارد پرت مانند دوج کوین وجود دارد، به ازای هر کوین جوک که آن را ایجاد می‌کند، ۹ سکه دیگر ثابت می‌مانند. در لیست فعلی سکه‌های مرده در کریپتو، پروژه‌های جوک ۳ درصد را به خود اختصاص می‌دهند.

حجم معاملات ناچیز

هر پروژه با حسن نیت با توقعات بالا و بهترین نیت‌ها شروع می‌شود و به شدت معتقد است که در میان معامله‌گران ارزهای دیجیتال مورد پسند قرار خواهد گرفت. با این حال، برخی از آنها به دلیل فهرست‌بندی‌های محدود در صرافی‌های پیشرو، به سرعت قربانی حجم معاملات کم می‌شوند. در فضای ارزهای دیجیتال، تا ۶۰ درصد از کل پروژه‌ها دارای نقدینگی پایین‌تری هستند. به طور کلی، حجم معاملات کم به این معنی است که دارایی رمزنگاری فاقد سود یا علاقه معامله‌گر است و این امر در بیشتر موارد به سرعت منجر به رها شدن می‌شود. تخمین زده می‌شود که از هر ۱۰ سکه شش سکه با حجم ناچیز دیگر توسط توسعه‌دهندگان پشتیبانی نمی‌شود. پلتفرم‌هایی که سکه‌های مرده را ردیابی می‌کنند، اگر در عرض سه ماه حجم معاملاتی کمتر از ۱۰۰۰ دلار داشته باشند، یک ارز دیجیتال را مرده یا رها می‌کنند.

تشخیص کوین‌های مرده

کلاهبرداری‌ها پروژه‌های رمزنگاری هستند که سرمایه‌گذاران را با وعده‌های بازدهی بالا جذب می‌کنند، که اغلب پس از سرمایه‌گذاری، وعده‌های پوچ را دنبال می‌کنند. متاسفانه، تخمین زده می‌شود که ۸۰ درصد از تمام سکه‌های وارد بازار شده در سال ۲۰۱۷ در واقع کلاهبرداری بوده‌اند.

بودجه کمتر یا بدون بودجه

عدم جذب بودجه یا نداشتن بودجه کافی برای حمایت از توسعه ممکن است پروژه را به مرحله اجرا درآورد. حدود ۳٫۶ درصد از سکه‌های مرده در این دسته قرار دارند. با توجه به آنچه گفته شد، عدم جذب بودجه به این معنی نیست که یک پروژه فاقد کاربرد یا قابلیت دوام است. این می‌تواند صرفا به این دلیل باشد که حاشیه سود سودآور کافی برای علاقه‌مندی سرمایه‌گذاران ارائه نمی‌دهد.

نمونه‌های معروف سکه مرده

BCC یا بیت‌کانکت بزرگ‌ترین طرح پانزی (کلاهبرداری هرمی) در صنعت ارزهای دیجیتال بود. این پلتفرم را برای معامله بیت‌کوین با ارز اصلی خود دریافت بازدهی بالا فراهم کرد. بیت‌کانکت به لطف بودجه بازاریابی کلان و افزایش ارزش بیت‌کوین از موفقیت اولیه برخوردار بود، با این حال، در اوایل سال ۲۰۱۸، قانونگذاران در تگزاس آن را یک طرح پانزی نامیدند. مدت کوتاهی پس از آن، خاموش شد و باعث شد که قیمت آن تا ۹ درصد سقوط کند.

زنده ماندن، زنده ماندن

خوشبختانه، آگاهی از وجود این نوع ارزها برای کمک به سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری آگاهانه کافی است.

از آنجایی که سکه‌های مرده بیشتر همچنان به توهم پروژه‌های خوب ادامه می‌دهند، سرمایه‌گذاران می‌توانند برای انتخاب ارز ارزشمند در دریایی از پروژه‌های ناخواسته، به بررسی‌های پیشینه گسترده، صورت‌های سود، در دسترس بودن در مبادلات و حجم معاملات اعتماد کنند.

چگونه از دارایی خود مراقبت کنیم؟

در اکوسیستم رمزنگاری گسترده، احتمال وجود یک سکه مرده در سبد سهام شما بسیار زیاد است. دقت لازم هنگام سرمایه‌گذاری در آلتکوین‌ها می‌تواند بینش‌های مهمی را در مورد پروژه‌های قابل اعتماد ارائه دهد. برای مثال، می‌توان با ارزیابی وعده‌های بازگشت سرمایه، از کلاهبرداری سکه‌های مرده در کریپتو جلوگیری کرد. بسیاری از آنها با وجود اینکه کریپتوها بسیار نوسان و سوداگرانه هستند، وعده «بازده تضمین‌شده» می‌دهند. چگونه یک سکه مرده را در حال راه رفتن تشخیص دهیم؟ مشاهده حضور و فعالیت یک پروژه در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی می‌تواند روی سکه‌های مرده آینده نیز روشن شود. علاوه بر این، سکه‌های قابل دوام در صرافی‌های معتبری مانند بایننس که نقدینگی قابل توجهی دارند، فهرست می‌شوند.

مرگ وگاس کوین

(Aeron (ARNX - در ابتدا، ARNX یکی از سکه‌های قابل معامله در صرافی بایننس بود. صرافی بعدا سکه را از فهرست معاملات خارج کرد و قیمت آن را تا ۹۰ درصد کاهش داد.

بنیانگذاران آن ۱۰ برابر توکن‌های بیشتری تولید کردند اما هرگز آنها را در جامعه توزیع نکردند. متاسفانه هرکسی که این موضوع را در شبکه‌های اجتماعی مطرح کرد مسدود شد. اگرچه تیم اصلی خاطرنشان کرد که بعدا سکه‌های اضافی را باز می‌کند، به جای آن به انتشار آنها در یک دوره هفت‌روزه ادامه دادند که تاثیر منفی بر قیمت داشت.

(VEGCOIN) وگاس کوین- این نمونه‌ای از یک پروژه رها شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که این پروژه توسط شرکت دیگری خریداری شده است که فعالیت خود را متوقف کرده است. VEGCOIN اکوسیستم شرط‌بندی ورزشی را هدف قرار داده است.

(STO) - STO استریوم به دلیل کاهش ارزشش در بازار درگذشت. در وب‌سایت خود یک دفترچه سفارش با تنها ۱۸ ورودی دارد. همچنین دارای عمق نقدینگی صفر سکه اتریوم (ETH) با قیمت ۰٫۰۰۰۰۱۲ دلار است. پس از همه، آنچنان که از نامش پیداست، آنقدر ذخیره ارزش نیست.

(oxBTC) ایکس بیت کوین - اولین سکه در سال ۲۰۱۸ استخراج شد و به قیمت ۵ دلار رسید. بعدا قیمت به حدود ۰٫۱۰ دلار کاهش یافت. در عوض، تیم اصلی پروژه، پروژه را ترک کردند.

ادامه در صفحه ۱۵

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

آیا بیت‌کوین خواهد مرد؟

قمار روی بیت‌کوین ۶۵ هزار تایی!

مایکل جی‌کیسی
کوین دسک

توقف‌ناپذیری یکی از مهم‌ترین و قابل اعتمادترین ویژگی‌های آن است. پس چرا بسیاری از پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی اخیر فکر می‌کنند بیت‌کوین در سال ۲۰۲۴ شکست خواهد خورد؟ اگر به دنبال اثبات بیشتری برای شکاف درک بین «هنجارها» و متعصبان کریپتو هستید، به نتایج نظرسنجی دویچه بانک از دو هزار مشتری خرده‌فروشی هفته گذشته نگاه نکنید. قابل توجه‌ترین نتیجه حتی این نبود که یک سوم پاسخ‌دهندگان بیت‌کوین را تا پایان سال زیر ۲۰۰۰۰ دلار مشاهده کردند. این کمتر از نصف قیمت فعلی آن است. از طرف دیگر از پیش‌بینی ۱۷۰۰۰۰ دلاری آنتونی اسکاراموچی هم بسیار بسیار پایین‌تر قرار می‌گیرد. تحلیلگری مثل اسکاراموچی، تقاضای تحریک‌شده توسط ای‌تی‌اف‌ها را کاملا درک می‌کند، خاصه اینکه چرخه هاوینگ نیز در راه است و استخراج بیت‌کوین کاهش خواهد یافت! به عبارت دیگر، هم میل عمومی برای سرمایه‌گذاری روی بیت‌کوین در حال افزایش است و هم میزان استخراج این ارز رو به کاهش خواهد بود! اما چیزی که در این نظرسنجی دویچه بانک بیشتر باعث تحیر من شد، پاسخ به یک سوال در مورد بقای بیتکوین بود: تعداد افرادی که اعتقاد داشتند بیت‌کوین، ناپدید خواهد شد، رو به افزایش است! مطمئنم که بیش از چند نفر از شما در حال حاضر سر خود را تکان می‌دهید، زیرا در فکر بازگشت الگوی «بیت‌کوین مرده است» هستید. همان‌طور که ردیاب معروف گزارش‌های مطبوعاتی که نابودی بیت‌کوین را پیش‌بینی می‌کند، اشاره می‌کند، بیت‌کوین از سال ۲۰۱۰ تاکنون ۴۷۵ بار مرده است. اما واقعا این شوخی بیشتر برای تحقیر ما فعالان رسانه‌ای بازار رمزارزهاست. پس از این همه زمان، پس از چندین بار افزایش قیمت انقلابی که ثابت کرد مخالفان اشتباه می‌کنند، و با وجود سابقه ۱۳ ساله که آن را به بهترین سرمایه‌گذاری در دوران پس از بحران مالی تبدیل می‌کند، اینکه مردم هنوز فکر می‌کنند بیت‌کوین به‌زودی از بین می‌رود نشان‌دهنده یک شکست بزرگ است. درحقیقت ما در انتقال ارزش‌های وجودی بیت‌کوین به همه اعضای جامعه ناتوان بوده‌ایم!

سوءتفاهم

من به اندازه نفر بعدی در این کار مقصرم. زیرا احساس تمسخر و آزار از این عدم درک آسان است. نگرشی که کسب اعتماد به نفس را دشوارتر می‌کند و به او کمک می‌کند این مفهوم پیچیده و ناآشنا را دور بزند. این پاسخی است که وقتی نتایج نظرسنجی دویچه را خواندم به‌طور غریزی به آن فکر کردم: واقعا مردم فکر می‌کنند آیا بیت‌کوین امسال می‌میرد؟ دقیقا چگونه این اتفاق خواهد افتاد؟ کی قرار است تعطیلش کند؟ هیچ شخص یا شرکتی با سوئیچ کشتار برای پایگاه کد منبع بازِ بیت‌کوین وجود ندارد. بنابراین، شما پیشنهاد می‌کنید که از طریق اقدامات جمعی همه افراد درگیر در آن، به صورت ارگانیک اتفاق بیفتد؟ شما فکر می‌کنید که تک‌تک ده‌ها میلیون نفری که برای آن زمان و تلاش کرده‌اند - استخراج‌کنندگان، توسعه‌دهندگان، سرمایه‌گذاران، کاربران - که هیچ‌کدام راهی برای هماهنگی با یکدیگر ندارند، به‌طور همزمان این کار را انجام می‌دهند. از این فکر دور شوم؟ قبول...

یکی از دلایلی که پیش‌بینی مرگ بیت‌کوین تا این حد تلخ است، این است که به صراحت با ویژگی غیرقابل انکاری در تناقض است که گزاره ارزش اصلی بیت‌کوین را نشان می‌دهد: اینکه نمی‌توان آن را تعطیل کرد! در دنیایی که هر چیز دیگری می‌تواند توسط یک دولت، یک بانک، یک پلتفرم اینترنتی یا یک هکر کنترل شود، توقف‌ناپذیری ایده‌قدرتمندی است. مایک اختراع باورنکردنی در میان خودداریم: یک سیستم غیرقابل تغییر و مبتنی بر ریاضی برای ردیابی ارزش‌های ما با یکدیگر که به‌طور قابل پیش‌بینی روی یک بلوک جدید از رکوردها هر ۱۰ دقیقه یک بار به سرپیچی از تداخل یا سانسور هر کسی تیک می‌زند. مردم واقعا باید از آن شگفت‌زده شوند. اما بیشتر این کار را نمی‌کنند. «جو گولاخه» (کنایه به یک کاربر خیالی) این ایده را نمی‌پذیرد! این ممکن است به این دلیل باشد که این یک ایده بسیار انتزاعی است. چه سود محسوسی برای او دارد؟ دلار دارد و کم‌وبیش کار می‌کند. درحالی‌که ممکن است از دولت خود راضی نباشد، سیستم پولی آن را می‌پذیرد. اندیشیدن به این سوال بزرگ‌تر در مورد اینکه چگونه یک شکل غیرسیاسی مبادله ارزش مقاوم در برابر سانسور می‌تواند بر حاکمیت انسان‌ها در مقیاس جهانی که فراتر از سیستم‌های وابستگی دولت-ملت‌هاست، اثر بگذارد، برای جو گولاخه آسان نیست! چیزی که او به آن نیاز دارد اعتماد به چیزی است و متاسفانه او این را از جامعه کریپتو دریافت نمی‌کند. اگر کسی چیزی را به او می‌فروشد که نمی‌فهمد، جو گولاخه پیش از آنکه به او اعتماد کند او را در آزمون اعتماد قرار می‌دهد و هنگامی که رفتار افراد مرتبط با آن چیز، منصفانه نباشند و پیش‌داوری‌های او را تایید کنند، به این نتیجه می‌رسد که آنها - و چیزی که می‌فروشند - قابل اعتماد نیستند. همه سروصداها، جسارت‌ها، شوخی‌های اینترنتی «به ماه» و «از فقیر ماندن لذت ببرید»، حرف زدن، وسواس... چه موجه باشد چه نباشد، باور جو به بیت‌کوین را بسیار سخت‌تر می‌کند. دلیلی که برخی از مردم هنوز به بیت‌کوین اعتماد ندارند، در این است.

با نزدیک‌تر شدن به روند هاوینگ، بیت‌کوین بهترین چرخه صعودی خود را تجربه کرده است. گذر بیت‌کوین از عدد ۵۰ هزار دلار حالا سرمایه‌گذاران را خوشحال‌تر و حریص‌تر کرده است. جریان صعودی یادآور بازار صعودی ۲۰۲۱-۲۰۲۰ است، زمانی که معامله‌گران به طور مداوم معاملات اختیار زیان بیت‌کوین را در سطوحی بسیار بالاتر از نرخ فعلی بازار انجام می‌دادند. وضعیت «در زیان» (OTM) اصطلاحی است که برای توصیف آن دسته از قراردادهای اختیار به‌کار می‌رود که تنها ارزش بیرونی (زمانی) دارند. این نوع اختیارات ضریب دلتای کمتر از ۰٫۵ دارند. معامله‌گران رمزارز، معاملات در زیان بیت‌کوین (OTM) یا شرط بندی گزینه‌های صعودی را در سطوحی در حدود ۶۹۰۰۰ دلار در طول عمر این ارز دیجیتال می‌گیرند. در طول آخر هفته، بسیاری از گزینه‌های اوتی‌ام در بازه‌های ۶۵۰۰۰ دلاری، ۷۰۰۰۰ دلاری و ۷۵۰۰۰ دلاری در «دربیت»، پیشروترین صرافی گزینه‌های رمزنگاری در جهان از نظر حجم و علاقه، دست به دست شدند. در دربیت، یک قرارداد اختیار نشان‌دهنده یک بیت‌کوین است. اختیار خرید به سرمایه‌گذاران این حق را می‌دهد دارایی پایه را با قیمتی مشخص در تاریخ مشخص شده خریداری کنند، درحالی‌که قرارها حق فروش را اعطا می‌کنند. خریدار این معامله به‌طور ضمنی در بازار صعودی است. خرید انبوه فراخوان‌های تهاجمی و افزایشی بیشتر نشان دهنده روحیه صعودی در میان فعالان پیچیده بازار است.

کلی گریر، رئیس بخش فروش شرکت گلگسی در آمریکا، یکی از فعالان اصلی این بازار در این زمینه به سایت کوین دسک گفته: «ما شاهد تمرکز علاقه سرمایه‌گذاران در اوتی‌ام ۵۰ هزار دلاری هستیم و شاهد جریان‌هایی در اوتی‌ام‌های ۵۰ هزار دلاری، ۶۰ هزار دلاری و ۷۵ هزار دلاری در بازارهای معاملات چند گزینه‌ای فهرست شده از سررسیدهای آوریل تا ژوئن هستیم. این جریان‌ها نشان‌دهنده اعتقاد خریدارانی است که مایل به پرداخت حق بیمه برای گرفتن این موقعیت‌ها هستند و نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران دیدگاه سازنده‌ای نسبت به بیت‌کوین دارند.» این کارشناس بازار تاکید دارد تمرکز مشابهی از فعالیت در معاملات اوتی‌ام در ۳۰۰۰۰ دلار و ۴۰۰۰۰ دلار در سه ماهه پایانی سال ۲۰۲۳ راه را برای افزایش قیمت متقاعدکننده در این سطوح هموار کرد. موقعیت در بازار چند گزینه‌ای شاخص قابل اعتمادی از نوسانات قریب‌الوقوع قیمت بوده است.

جریان‌های صعودی اخیر یادآور بازار صعودی ۲۰۲۱-۲۰۲۰ است، زمانی که فعالان جدی بازار به‌طور مداوم قراردادهای اختیار خرید را در رنج قیمتی ۸۰۰۰۰ دلار و بالاتر با ارزش‌گذاری‌های ارزان خریداری می‌کردند. بیت‌کوین از اوایل اکتبر تقریبا دو برابر شده و به ۵۰۰۰۰ دلار رسیده است و قیمت‌ها از ۳۸۵۰۰ دلار در سه هفته گذشته افزایش یافته است که عمدتا به دلیل جریان‌های قوی ناشی از صندوق‌های ای‌تی‌اف است.

شاخص قدرت نسبی ۱۴روزه این ارز دیجیتال - یک ابزار تحلیل تکنیکی محبوب- به بالای ۷۰ رسیده است که نشان دهنده شرایط خرید بیش از حد در بازار بیت‌کوین است. خوانش بیش از حد خرید اغلب به‌عنوان سیگنالی از یک معکوس روند نزولی قریب‌الوقوع در نظر گرفته می‌شود، اگرچه این فقط به این معنی است که بازار در یک دوره کوتاه کمی بیش از حد سریع افزایش یافته است و ممکن است نفسی بکشد. بیت‌کوین هفتمین روز متوالی سود خود را ثبت کرد، اما تقویت آن در آخر هفته کاهش یافت. همچنین همزمان با حرکت بالای شاخص قدرت نسبی در بازه‌های زمانی روزانه بود که می‌تواند اشتهای بازیگران بزرگ را برای کسب سود کوتاه‌مدت افزایش دهد.

نگرانی احتمالی این است که فروش اجباری ۱٫۶ میلیارد دلاری بیت‌کوین، اتریوم و اتریوم کلاسیک توسط وام دهنده رمزنگاری شکست خورده جنسیس می‌تواند قیمت‌ها را پایین بیاورد. شرکت ورشکست شده جنسیس، اخیرا درخواستی را ارائه کرده و از یک قاضی آمریکایی خواسته است تا فروش ارزهای رمزنگاری شده فوق را که در محصولات تراست صندوق گری اسکیل نگهداری می‌شوند، تایید کند. با تایید احتمالی این درخواست و سرریز شدن یک‌ونیم میلیارد دلار بیت‌کوین، اتریوم و اتریوم کلاسیک به بازار نزولی، احتمال کاهش موقت قیمت این رمزارزها وجود دارد.

منبع: کوین دسک

طرح کالابرگ الکترونیکی؛ اقدام دولت برای افزایش یارانه

دولت سیزدهم برای ارتقای امنیت غذایی مردم راهبردهای مهم وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را دنبال کرد و آن را در قالب سه طرح جداگانه به مرحله اجرا درآورد. سه‌گانه کالابرگ الکترونیکی، یارانه ارتقای امنیت غذایی کودکان (از ۶۰۰ هزار تا یک میلیون تومان) و طرح یسنا مربوط به مادران باردار یا دارای فرزند شیرخوار (۴۰۰ هزار تومان) طرح‌هایی است که دولت برای افزایش ارتقای امنیت غذایی آحاد مردم، کودکان تا ۵۹ ماه و مادران باردار و شیرده به مرحله اجرا درآورد. هدف از اجرای این طرح‌ها، عدالت در سفره غذایی مردم بود تا بودجه تخصیص‌داده‌شده برای این کار، مستقیم به میان سفره مردم بیاید.

«طرح کالابرگ الکترونیکی» اولین اقدام دولت بود که آنها بنا داشتند از سال گذشته آن را به مرحله اجرا دربیاورند اما به دلیل آماده نبودن زیرساخت‌های مربوط به این کار، اجرایی شدن آن به سال ۱۴۰۲ موکول شد. سالی که می‌توان گفت دولت توانست در تحقق ارتقای امنیت غذایی مردم گام مثبتی بردارد. یارانه نقدی که به دهک‌های یک تا ۹ جامعه تعلق می‌گیرد، در ابتدای دولت ۴۵ هزار تومان بود که اکنون به حدود ۱۰ برابر رسیده است. اما به دلایل متعدد این عدد گاهی بر سر سفره مردم نمی‌آمد و برای مسائلی مانند پوشاک، مسکن و... هزینه می‌شد.

دولت که افزایش یارانه را در راستای کمک به ارتقای امنیت غذایی می‌دانست، تصمیم گرفت با آماده‌سازی زیرساخت‌ها برای طرح «کالابرگ الکترونیکی» شرایطی را مهیا کند که یارانه‌بگیران دهک‌های یک تا هفت درآمدی یارانه خود را صرف خرید سبد غذایی سالم و لازم برای خانواده خود کرده و از این بابت یارانه مضاعف دریافت کنند که به نوعی تشویقی برای خرید خوراک ضروری آنها باشد.

این طرح در گام نخست به صورت پایلوت و در یک شهر کار خود را آغاز کرد. زمانی که نتایج بررسی و موانع و مشکلاتی که این طرح می‌توانست داشته باشد رفع شد، کالابرگ الکترونیکی جای خود را در میان مردمی که یارانه دریافت می‌کردند باز کرد و هر قدر استفاده از آن بیشتر شود، بازنگری در چگونگی بهتر اجرایی شدن آن توسط مسئولان نیز صورت می‌گیرد.

اکنون تمام افراد دهک یک تا هفت درآمدی که مشمول دریافت یارانه هستند می‌توانند از طرح کالابرگ الکترونیکی استفاده کنند. سهولت دسترسی به فروشگاه‌های متصل به شبکه این طرح، دریافت یارانه تشویقی برای استفاده از این طرح و افزایش این اعتبار تشویقی به مناسبت دهه فجر، همگی دست به دست یکدیگر دادند تا مردم به شکل بهتری این طرح را بشناسند و از آن استفاده کنند.

فروشگاه‌های اینترنتی برای خرید کالابرگی

اکنون حدود ۲۰۰ هزار فروشگاه کوچک، بزرگ و زنجیره‌ای در شهر و روستا در دسترس مردم هستند تا آنها بتوانند از طریق کالابرگ الکترونیکی خرید خود را انجام بدهند. در گذشته مردم باید حتما ۲۰۰ هزار تومان از مبلغ کالابرگ خود را از سبد ۱۱ قلم کالا شامل شیرکم چرب، پنیر، ماست کم چرب، تخم‌مرغ، گوشت و مرغ ماشینی، روغن مایع، ماکارونی، برنج، قند و شکر، حبوبات و گوشت که برای این طرح درنظر گرفته شده بود خرید می‌کردند تا اعتبار مضاعف ۱۱۰ هزار تومانی در حساب آنها شارژ شود. با انجام این خرید مبلغ یارانه خانواده‌ها که برای دهک یک تا سه مبلغ ۴۰۰ هزار تومان و از دهک چهار تا هفت ۳۰۰ هزار تومان بود مشمول ۱۲۰ هزار تومان افزایش می‌شد. برای دریافت این مبلغ کافی بود فرد حدود نیمی از یارانه خود را از این فروشگاه‌ها خرید کند.

یکی از خبرهای خوبی که در آستانه سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی توسط «صولت مرتضوی» وزیر تعاون مطرح شد، افزایش اعتبار خرید کالابرگی از ۱۲۰هزار تومان تا سقف ۲۲۰ هزار تومان بود. با این طرح که قرار است به مدت سه ماه اجرایی شود افراد یک سبد کالایی با قیمت ۷۴۳ تومان را به مبلغ یارانه خود خریداری می‌کنند.

پیش‌شرطی که حذف شد تا کالابرگ الکترونیکی جان بگیرد

اعتبار تشویقی که تا پیش از این یک پیش‌شرط برای خرید داشت و فرد باید ۲۰۰ هزار تومان خرید می‌کرد تا مشمول یارانه تشویقی می‌شد نیز برداشته شد تا خانوار بدون اینکه اجباری به خرید ۲۰۰ هزار تومانی داشته باشند، از طرح کالابرگ الکترونیکی استفاده کنند.

برداشته شدن این شرط روند اجرایی شدن طرح کالابرگ الکترونیکی را بهبود می‌بخشد؛ یارانه‌بگیرها دیگر مجبور نیستند حتما سقف خرید خود را به ۲۰۰ هزار تومان برسانند تا اعتبار تشویقی دریافت کنند و نکته مهم‌تر اینکه به واسطه برداشته شدن این شرط، استقبال مردم از آن بیشتر می‌شود و تا پایان سال می‌تواند شاهد رشد استقبال مردم از کالابرگ الکترونیکی بود.

وزارت تعاون برای اینکه مردم از این طرح استفاده کرده و از دولت یارانه تشویقی دریافت کنند، راه‌ها را به خوبی هموار کرد. یکی از اقدامات مهم مذاکره برای پیوستن سوپرمارکت‌ها و سکوهای اینترنتی به شبکه اعتباری این طرح بود. به شکلی که افراد بتوانند بدون خارج شدن از خانه، زمانی که سفارش اینترنتی را از سوپرمارکت‌ها یا سکوهای فروش اینترنت به ثبت می‌رسانند با استفاده از گزینه «پرداخت با کالابرگ الکترونیکی» پرداخت خود را انجام دهند.

افزایش یارانه ۶۱ میلیون ایرانی به واسطه کالابرگ الکترونیکی

دومین قدمی که در همین مسیر به تازگی برداشته شد، افزایش سقف اعتبار تشویقی بود. به این صورت که اگر فردی در گذشته ۴۰۰ هزار تومان یارانه دریافت می‌کرد، اگر این مبلغ را از فروشگاه‌های متصل به شبکه کالابرگ و از سبد ۱۱ قلم کالای ضروری خریداری کند، می‌تواند یارانه خود را به بیش از ۶۰۰ هزار تومان برساند. در گذشته در این سبد کالایی گوشت منجمد گوساله تعریف شده بود که اکنون گوشت گرم نیز به آن اضافه شده است.

نکته مهم طرح کالابرگ الکترونیکی این است که با هدف افزایش یارانه مردم و ترغیب آنها به خرید از سبد کالایی تعریف شده و آنها را در دریافت یارانه نقدی دچار هیچ مشکلی نمی‌کند و فرد با فراغ بال می‌تواند برای یارانه خود تصمیم بگیرد. کالابرگ آمده است تا یارانه افراد را به شکل مضاعف بالا ببرد.

شارژ اعتبار یارانه‌ای در حساب مشمولان

طرح جدید کالابرگ الکترونیکی که به طرح فجرانه شناخته می‌شود، همراه با یارانه نقدی به مدت سه ماه (تا اردیبهشت ۱۴۰۳) در حساب افراد شارژ می‌شود. اگر در هر ماه افراد از این طریق خرید کنند، یارانه مضاعف را دریافت می‌کنند اما اگر خریدی از طریق کالابرگ صورت نگیرد، یارانه آن ماه حذف می‌شود و فرد باید برای ماه دیگر خرید را انجام دهد تا یارانه مضاعف را دریافت کند.

برنامه شبکه ملی اعتبار راهنمای شما در خرید

امکان استفاده از این یارانه به صورت کاملا ساده و در دسترس برای تمام مردم در دهک‌های درآمدی یک تا هفت جامعه وجود دارد و دولت از سرپرستان می‌خواهد حتما از این امکان استفاده کرده و تمام مبلغ یارانه مضاعف را در ماه برای خانواده خود هزینه کنند. وزیر تعاون و معاون امور اقتصادی وی بارها اعلام کرده‌اند برای شارژ اعتبار مضاعف در یارانه‌ها هیچ محدودیتی وجود ندارد و هر میزان استفاده از این امکان افزایش یابد، باعث خرسندی مسئولان است.

بر اساس طرح کالابرگ الکترونیکی، اعتبار یارانه برای همه یارانه‌بگیران در دهک‌های اول تا هفتم جامعه -۶۱ میلیون نفر را شامل می‌شود- آنها می‌توانند با مراجعه به بیش از ۲۰۰ هزار فروشگاه، کالاهای موردنظر خود را خریداری کنند.

مشمولان با نصب برنامه شبکه ملی اعتبار «شما» می‌توانند فروشگاه‌های نزدیک محل سکونت را شناسایی کرده و برای خرید ۱۱ قلم کالای اساسی به این مراکز خرید مراجعه و برای استعلام از مانده حساب کد دستوری #۱۴۶۳*۵۰۰* را شماره‌گیری کنند.

قدم به قدم برای دریافت یارانه مضاعف ۲۲۰ هزارتومانی

سبد کالایی که برای این طرح درنظر گرفته شده است ۷۴۳ هزار و ۷۵۰ تومان قیمت دارد. حجم کالاها به ازای هر فرد ۳ لیتر شیر کم چرب، پنیر ۴۰۰ گرمی، ماست کم چرب دبه ۲٫۵ کیلویی، تخم‌مرغ ۱ کیلو، گوشت مرغ ۱ کیلو، روغن مایع ۱ بسته ۸۱۰ گرمی، ماکارونی یک بسته ۷۰۰ گرمی، برنج ۲ کیلو، قندوشکر ۱ کیلو، گوشت نیم‌کیلو است.

افراد دارای دهک یک تا هفت درآمدی به واسطه طرح کالابرگ الکترونیکی می‌توانند به بیش از ۲۰۰ هزار فروشگاهی که در شبکه «شما» معرفی شده و اکنون فاصله فروشگاه‌های متصل به این شبکه تا منازل افراد حتی به ۵۰۰ متر رسیده است مراجعه کنند و از میان آن ۱۱ قلم کالایی که در سبدی مشخص تعریف شده خرید ماهانه خود را انجام دهند و یارانه تشویقی نیز دریافت کنند. به طور مثال یک خانواده پنج‌نفره در دهک یک تا سه، مبلغ ۴۰۰ هزار تومان به ازای هر عضو خانواده یارانه دریافت می‌کنند که میزان کل یارانه نقدی را به ۲ میلیون تومان می‌رساند.

اگر خرید این خانواده از طریق کالابرگ الکترونیکی و از طریق فروشگاه‌های اینترنتی یا فروشگاه‌های حضوری معرفی‌شده انجام شود، یارانه هر عضو خانواده می‌تواند تا سقف ۲۲۰ هزار تومان افزایش یابد. از آنجایی که شرط سقف خرید ۲۰۰ هزار تومانی نیز برداشته شده، کافی است فرد به فروشگاه متصل برود و یک بسته پنیر کم چرب بخرد و آن را با اعتبار کالابرگی خود پرداخت کند. یارانه آن پنیر به شکل آنی در حساب اعتباری او شارژ می‌شود. به همین صورت اگر خریدهای خود را ادامه دهد تا پایان ماه مشمول یارانه ۲۲۰ هزارتومانی مضاعف برای هر عضو خانواده می‌شود.

ادامه از صفحه ۱۴

آمار ساخت‌وساز نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد ۲۷ درصدی داشته اما هنوز تا وعده‌ها فاصله دارد

در سال حدود نیم میلیون مسکن می‌سازیم

پانیذ رحیمی
خبرنگار

طی دهه ۱۳۹۰ مشکل مسکن یکی از اساسی‌ترین مشکلات حدود ۴۰ درصد از جمعیت کشور بوده که مستاجرند. افزایش پیاپی قیمت‌ها حتی در سقفی بالاتر از قیمت دلار و تورم عمومی و سپس تخلیه این جهش قیمت‌ها در بازار اجاره مسکن، حسابی خانوارهای مستاجر را مستاصل کرده است. بررسی آمارها نشان می‌دهد دو عامل کلیدی در این وضعیت اثرگذار بوده است؛ مساله اول بی‌ثباتی در دهه ۱۳۹۰، مساله دوم کاهش ساخت‌وساز و نبود اراده لازم برای تحریک بخش ساخت‌وساز در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ و نهایتا نبود ابزارهای مالیاتی کارآمد برای جلوگیری از سفته‌بازی در این بازار. این اتفاقات موجب شد مجلس در نیمه اول سال ۱۴۰۰ قانون جهش مسکن را تصویب و به دولت سیزدهم ابلاغ کند. این قانون از دیدگاه کارشناسان واقع‌بینانه نبود و همین موضوع سبب شده در دولت فعلی به‌رغم تمام تلاش‌ها، اهداف اولیه قانون جهش مسکن که ساخت یک میلیون مسکن در سال بوده، محقق نشود. با این حال، آمارها نشان می‌دهد در ۹ ماهه امسال نزدیک به ۹۷ هزار پروانه ساختمانی صادر شده که این به معنی صدور پروانه برای ۳۲۷ هزار واحد مسکونی است. طبق گزارش مرکز آمار، صدور پروانه در پاییز امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد ۲۷ درصدی داشته است. برآوردها نشان می‌دهد تا پایان سال تعداد واحدهای مسکونی مناطق شهری کشور می‌تواند تا ۴۶۰ هزار واحد نیز برسد که این تعداد گرچه اهداف قانون جهش تولید مسکن (ساخت سالانه یک میلیون مسکن) را محقق نمی‌کند، اما در نوع خود نشانگر بهبود ساخت‌وساز بوده و حائز اهمیت است.

بدبینی انبوه‌سازان به ورود تکنولوژی خارجی!

ایرج رهبر، رئیس انجمن انبوه‌سازان مسکن تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تصریح کرد: «احتمالا سرمایه‌گذاری در حوزه مسکن آغاز شده است. معمولا به واسطه ترس از افزایش هزینه پروانه بعد از عید، میزان اخذ پروانه در پایان سال افزایش پیدا می‌کند، در نتیجه سرمایه‌گذاران علاقه‌مند هستند پروانه ساخت خود را قبل از شروع سال جدید دریافت کنند. ورود چینی‌ها و به‌طور کلی افراد خارجی به حوزه مسکن موضوع تازه‌ای نیست و به زمان پیش از نهضت ملی و دوران وزارت رستم قاسمی، وزیر راه و شهرسازی وقت بازمی‌گردد. از گذشته تا به حال تجربه خوبی از همکاری با چینی‌ها نداشتیم. در یک سال و نیم ابتدایی دوران ساخت بزرگراه تهران-شمال چینی‌ها ورود کردند اما بعد به علت عدم توانایی و اختلافات با کارفرما از ایران رفتند و امور مهم و اصلی به دست ایرانی‌ها انجام شد. حتی ترکیه هم به ایران آمد با کیفیتی پایین‌تر از ساخت و سازهای ایرانی‌ها اقدام به ساخت مسکن کرد و درنهایت خلع ید شد.»

رئیس انجمن انبوه‌سازان مسکن تهران تکمیل کرد: «زمانی که حوزه ساخت و ساز رونق داشته باشد سرمایه‌گذاری افزایش پیدا می‌کند و زمانی که شاهد رکود در بازار باشیم سرعت ساخت‌وساز به واسطه قفل سرمایه کاهش خواهد یافت. به بیان بهتر باید سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته به چرخه بازگردد تا سرمایه‌گذاری جدید انجام شود. براساس برنامه هفتم توسعه، باید حداقل ۱۵ درصد صنعتی‌سازی در حوزه ساخت‌وساز صورت بگیرد. ما اکنون هم از لحاظ صنعتی‌سازی در شرایط خوبی هستیم و ۲۷ تکنولوژی صنعتی را در کشور داریم، اما حمایت و تقویت لازمه تداوم این اوضاع است. از لحاظ صنعتی‌سازی ضعف و کمبود نداریم، شاید از کشورهایی مثل کشورهای اروپایی و آمریکایی عقب‌تر باشیم ولی ما حتی تکنولوژی پرینت سه‌بعدی را در کشور تولید می‌کنیم. باید به این نکته توجه داشت که مشکلات تحریم از نظر ورود سرمایه‌گذار و تامین ماشین‌آلات به حوزه مسکن لطمه زده است. برقراری تحریم نه‌تنها امکان ورودی خارجی‌ها به ایران را سلب کرده بلکه امکان حضور ایرانی‌ها حتی در کشورهای همسایه را نیز از ما گرفته است. اخذ ضمانت‌نامه، انتقال پول و... از مواردی است که سخت و تقریبا غیرممکن شده است. خارجی‌ها به سرمایه‌گذاری در ایران علاقه‌مند هستند اما تحریم مانع از این امر می‌شود.»

تکنولوژی ما بالاتر از چینی‌هاست!

ایرج رهبر در ادامه درخصوص مشکل ساخت و ساز در کشور افزود: «ما در کشور مشکل کمبود نیروی انسانی نداریم. ورودی خارجی‌ها همیشه با بهانه ورود تکنولوژی به کشور مطرح می‌شود. در حوزه مسکن تکنولوژی ما از چینی‌ها بالاتر است و از نظر مهندسی در رتبه دوم یا سوم جهان قرار داریم، پل‌ها و سدهای بسیاری نظیر تهران-شمال که مهندسی پیچیده دارند توسط مهندسان ایرانی انجام شده است. از لحاظ سدسازی نیز در جایگاه دوم جهان قرار داریم. از نظر مهندسی و نیروی انسانی و همچنین مصالح کمبود نداریم و فناوری ما کمتر از چینی‌ها نیست. چینی‌ها مدعی هستند که در عرض ۳۰ روز یک ساختمان ۳۰ طبقه ساخته‌اند. امکان ساخت چنین ساختمانی در ایران فراهم است. چنین سازه‌هایی از قبل در کارخانه ساخته می‌شوند، نقشه آن فراهم است و سر کار مونتاژ می‌شود. ساخت این ساختمان یک نمونه نمایشی بوده است. به نظر من در مجموع عوامل بسیاری در تعیین مدت زمان ساخت تاثیرگذار است. اکنون در کشور با مشکلاتی در حوزه‌های مدیریتی، زمین، تامین منابع مالی و... مواجه هستیم، هیچ‌کدام از این مسائل ما به نیروی انسانی داخلی یا خارجی بازنمی‌گردد، همه این بسترها باید ایجاد شود تا سرعت عمل و کیفیت لازم در ساخت ساختمان را شاهد باشیم.»

آموزش نیروی انسانی را جدی بگیریم

فرشید پورحاجت، دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان نیز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درخصوص کیفیت و کمیت حضور چینی‌ها در بخش مسکن ایران اظهار داشت: «شنیده‌ها حاکی از آن است که علاوه بر چینی‌ها، ایتالیا، کره جنوبی و بلژیک نیز قرار است تکنولوژی حوزه مسکن را به کشور انتقال بدهند. اعتقاد ما بر این است که مسیر انتقال تکنولوژی به این شکل که مطرح می‌شود درست نیست. یکی از مبانی مهم توسعه، توسعه در حوزه نیروی انسانی است. بالغ بر ۶۰۰ هزار مهندس در کشور شناسایی شده است، این افراد می‌توانند با حضور در خارج از کشور آموزش‌های لازم را ببینند و تکنولوژی را وارد کشور کنند. اعتقاد من بر این است که ظرفیت و پتانسیل بخش خصوصی و جامعه مهندسی در کشور امکان برنامه‌ریزی مشخص متناسب با نیاز کشور در حوزه تولید مسکن را فراهم می‌کند و شاید ضرورتی به ورود کشورهای خارجی در این حوزه نباشد. این صحبت از سوی دولتمردان مطرح می‌شود و ما به جزئیات آن ورود نکرده‌ایم. باید بدیهیات صنعت نفت را بررسی کنیم و به این سوال پاسخ بدهیم که آیا حجم تولید نفت به میزانی هست که با آن وارد حوزه مسکن بشویم؟ چه میزان از تولید نفت مورد نیاز خود کشور است و چقدر باید صرف صادرات شود؟ حجمی که به صادرات اختصاص دارد قابلیت این را دارد که بخش عمده آن صرف بخش مسکن و ساختمان استحصال و مستهلک شود؟ دولتمردان باید به صورت شفاف به این سوالات پاسخ بدهند. برای قضاوت در این باره زود است و باید زمان بدهیم. علاوه بر این سابقا شرکت‌های ساخت مسکن در کشور فعالیت داشتند که باید آسیب‌شناسی دقیقی درباره میزان تاثیر حضور این شرکت‌ها در کشور انجام شود.»

پای لنگ نظام مهندسی در ساخت‌وساز

فرشید پورحاجت در ادامه گفت: «در سال ۱۳۷۴ قانون نظام مهندسی کنترل ساختمان برای این صنعت وضع شد. امروز نیاز است یک آسیب‌شناسی کلی درخصوص این قانون انجام شود. باید بررسی کنیم که آیا نهادهای متولی که از دل این قانون متولد شدند به تکالیف خود عمل می‌کنند؟ بعد از وضع این قانون سازمان‌های نظام مهندسی در کشور ما ظهور پیدا کردند. آیا این سازمان که به عنوان یک سازمان حرفه‌ای وارد صنعت ساخت‌وساز کشور شد توانست نگاه تخصصی‌تری در حوزه صنعت ساختمان ایجاد کنند؟ آیا این سازمان‌ها توانستند جایگاه قانونی خود را پیدا کنند؟ نهادهای صنفی و بنگاه‌های اقتصادی ما که باید مستند به قانون سال ۱۳۷۴ شکل می‌گرفتند امروز در کشور شکل نگرفتند. این عوامل از ایرادات اساسی و موانع اثرگذاری توسعه فناوری در کشور است.» پورحاجت سپس بیان کرد: «به لحاظ توسعه نیروی انسانی ظرفیتی را در کشور ایجاد کردیم که به نحو مطلوب از آن استفاده نشده، است. می‌توانستیم در راستای توسعه تکنولوژی در کشور به‌طور موثری اقدام کنیم. تولید مسکن در کشور هنوز به سبک و سیاق قدیم انجام می‌شود و اتفاق جدیدی طی ۲۰ سال گذشته رخ نداده است. علاوه بر این علی‌رغم تدوین قوانین خوب در این حوزه، به لحاظ اجرایی به اهداف عالی پیش‌بینی‌شده در این حوزه نرسیده‌ایم. در حال حاضر شرایط سرمایه‌گذاری در حوزه مسکن بسیار پرریسک و پرمخاطره شده است. سرمایه‌گذاری در این صنعت بسیار مهم با هزینه‌های سنگین مربوط به بخش تولید دست و پنجه نرم می‌کند. از سوی دیگر نیز فضای کسب‌وکار در کشور برای بخش خصوصی مساعد نیست.

ممکن است چینی‌ها پیمانکار واسط شوند!

حسن محتشم، عضو هیات‌مدیره انجمن صنفی انبوه‌سازان مسکن استان تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «در شرایطی که در کشور خودمان همه امکانات ساخت، نیروی آماده به کار بیکار و... داریم، منطقی نیست که با کشورهای دیگر برای کار در این حوزه مذاکره کنیم. از جهات کلی مراوده کشورها با هم ایرادی ندارند، ایران می‌تواند خدمات فنی و مهندسی خود را به کشورهایی مثل چین که با آنها ارتباط مساعدی دارد صادر کند. در گذشته ترکیه در مقطعی در تهران دو پروژه را در پرند و پردیس اجرا کرد، اما بعد از آن دیگر موفق نبود، حتی پروژه پردیس نیز به‌طور کامل اجرا نشد و در نهایت ترکیه از حوزه ساخت‌وساز در ایران خارج شد. اکنون چینی‌ها قرار است به این حوزه ورود کنند. آنها قرار است چه کاری بکنند که ما در ایران نمی‌توانیم آن را انجام بدهیم؟ در اینباره باید از دولت سوال شود. اگر چین می‌گفت من کاری می‌کنم که شما نمی‌توانید انجام دهید از آن استقبال می‌کردیم، آن هم در شرایطی که دیگر نیروی کار ایرانی نداشته باشیم. اکنون نیروهای ما بیکار هستند، مصالح ساختمانی داریم، چینی‌ها نمی‌توانند ارزان کار کنند و قرار نیست به ما کمک اقتصادی کنند، آنها جایی را برای ما می‌سازند و قیمت را کمتر از ایرانی‌ها نمی‌دهند و حتما این عدد بیشتر از هزینه نیرو در ایران خواهد بود؛ چراکه هزینه مدیریت و... به دنبال دارد.» وی تکمیل کرد: «دولت خود را دور می‌زند و به جای اینکه به انبوه‌ساز و سازندگان داخلی قیمت متعارف کارشناسی‌شده بدهد، می‌گوید چون نمی‌توانم آورده‌ای برای نهضت ملی مسکن داشته باشم و اینجا باید ریال بدهم، مجبورم با قیمت پایین کار کنم و در نتیجه با این هزینه سرعت هم پایین خواهد بود. دولت با چین قرارداد می‌بندد و نه‌تنها پولی اضافه‌تر از آورده متقاضی دریافت نمی‌کند، بلکه قیمت نفت، معادن، تهاتر کالایی و... را ارزان‌تر عرضه می‌کند، درنتیجه چین هم سهم خود را برمی‌دارد و هم این کار را به ایرانی‌ها به عنوان پیمانکار دست دوم محول می‌کند. این درحالی است که دولت باید خیلی شفاف این موضوع را در مجلس مطرح کند و به جای اینکه به چینی‌ها تخفیف بدهد، این تخفیف را به داخل تخصیص دهد تا هم ساخت‌وساز رونق پیدا کند و هم کار انجام شود. تنها در زمینه انتقال تکنولوژی صنعتی‌سازی می‌توان از چینی‌ها کمک گرفت؛ بر این اساس می‌توان نسبت به بومی‌سازی کارخانجات قطعه‌سازی ساختمان که به افزایش سرعت ساخت‌وساز کمک می‌کنند اقدام کرد. درمجموع به نظر می‌رسد استفاده از نیروی انسانی ایرانی منطقی‌تر است.»

به سمت بومی‌سازی حرکت کنیم

محتشم عنوان کرد: «خوشبختانه در کشور با تکنولوژی‌های جدید آشنایی داریم، ولی خود تکنولوژی را نداریم. در حد ۵ درصد در کشور صنعتی‌سازی انجام شده است. قرار است براساس برنامه هفتم توسعه این عدد به ۱۵ درصد برسد؛ در نتیجه راه طولانی در زمینه صنعتی‌سازی حوزه ساختمان داریم اما باید قدم برداریم، نمی‌توانیم چون عقب هستیم و دیر شده کاری نکنیم. اگر قرار باشد با چین وارد این مقوله بشویم از تکنولوژی چین به ایران استفاده کنیم تا کارخانجات تولید قطعات ساختمان احداث و از آن بهره‌برداری شود تا بتوانیم پایه‌های حرکت به سوی استفاده از فناوری و صنعتی‌سازی را ایجاد کنیم. باید توجه داشت که یکی از دلایل رکود نسبی در حوزه مسکن کاهش نسبی سرمایه‌گذاری در حوزه مسکن است. سرمایه به نوعی در جامعه قفل است و نمی‌تواند جریان پیدا کند. کند شدن گردش نقدینگی مساوی است با توقف پول در بانک‌ها و دادن بهره به بانک‌ها، با توجه به اینکه بانک‌ها امکان ارائه بهره نخواهند داشت این موضوع به دولت محول خواهد شد و دولت نیز نمی‌تواند در طولانی‌مدت این کار را ادامه دهد. اکنون پرداخت بهره به ۳۰ درصد رسیده است. دولت مجبور است اشتباهات گذشته را تکرار کند. پول را آزاد می‌کند، پس از آن چون برنامه‌ای برای تولید ندارد این پول را به بخش طلا، ارز و مسکن وارد می‌کند، اما این نقدینگی مخرب است.» محتشم در پایان دو پیشنهاد به دولت می‌دهد. وی معتقد است تیم اقتصادی دولت باید دو کار عمده انجام دهد؛ در مرحله اول باید در راستای تولید در حوزه مسکن برنامه‌ریزی کند و صرف خرید و فروش و عملا سوداگری نشود. از سوی دیگر نیز دولت باید بداند تا زمانی که قیمت ارز به ثبات نرسد و پول ملی بیش از دو تا چهار درصد در سال نوسان نکند می‌توانیم شاهد رشد اقتصادی باشیم، از رانت پیشگیری کنیم و درنتیجه گردش مالی جامعه به سمت سلامت حرکت می‌کند.

نسبت به حضور چینی‌ها خوشبین باشید

برخلاف بدبینی انبوه‌سازان نسبت به حضور چینی‌ها در بخش مسکن کشور، مسئولان دولتی و شهرداری تهران می‌گویند حضور چینی‌ها در بازار مسکن به جهت ورود تکنولوژی و سرمایه به نفع این بازار است و نباید بدون ارائه تحلیل کارشناسی از اساس با این موضوع مخالفت کرد. مهدی هدایت، مدیر عامل سازمان نوسازی شهر تهران در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس در خصوص جزئیات ساخت خانه توسط چینی‌ها می‌گوید: «تکنولوژی ساخت خانه توسط چینی‌ها به ایران می‌آید و بیشترین محدوده هدف هم بافت‌های فرسوده شهر است.» وی ادامه داد: «برخی اظهار نگرانی کرده‌اند که قرار است چینی‌ها خانه بسازند و کارگر چینی هم بیاورند اما بنده همین جا می‌گویم که چند مهندس چینی می‌آیند و کار را به پیمانکاران ایرانی آموزش داده و آنها خانه‌سازی می‌کنند.» مدیر عامل سازمان نوسازی شهر تهران با بیان اینکه تمام مصالح در داخل کشور تامین می‌شود، گفت: «ممکن است نیاز باشد یک سری تجهیزات از چین وارد شود که این تجهیزات هم خریداری شده و در داخل کشور می‌ماند.» به گفته وی، چینی‌ها از طریق یوزانس منابع در زمینه مسکن وارد کشور می‌کنند و با ساخت مسکن اشتغال‌زایی هم در داخل کشور ایجاد می‌شود. لطف‌الله فروزنده، معاون اقتصادی شهردار تهران نیز درباره دلیل ساخت مسکن توسط چینی‌ها در تهران می‌گوید: «اولا، ما تکنولوژی صنعتی‌سازی مسکن را نداریم. صنعتی‌سازی یعنی اینکه برای ما مسکن‌هایی یکساله می‌سازند و عمر مفید آن از ۴۰ سال به ۸۰ سال می‌رسد، بنابراین باید انتقال تکنولوژی انجام شود. ثانیا، منابع مالی این موضوع نیز توسط چین تامین می‌شود. چه اشکالی دارد که سرمایه‌گذار خارجی جذب کنیم؟ این یک شاخص توسعه برای کشور است. ثالثا، وقتی سرمایه‌گذار چینی می‌آید، از کارگر، مهندس، مصالح و فولاد ایرانی استفاده می‌شود و پول در بخش‌های مختلف تولیدی از این طریق می‌چرخد.» فروزنده گفت: «باید دانست که بخش مسکن، بخشی است که حداقل ۸۰ تا ۹۰ صنعت وابسته را فعال می‌کند. اکنون به همه بخش‌های خصوصی اعلام کرده‌ایم که هرکسی حاضر باشد سرمایه‌گذاری کند، با آغوش باز از او استقبال می‌کنیم. به این صورت که زمین و پروانه از ما و ساخت از آنها، اگرچه اکنون نیز این اتفاق افتاده است.»

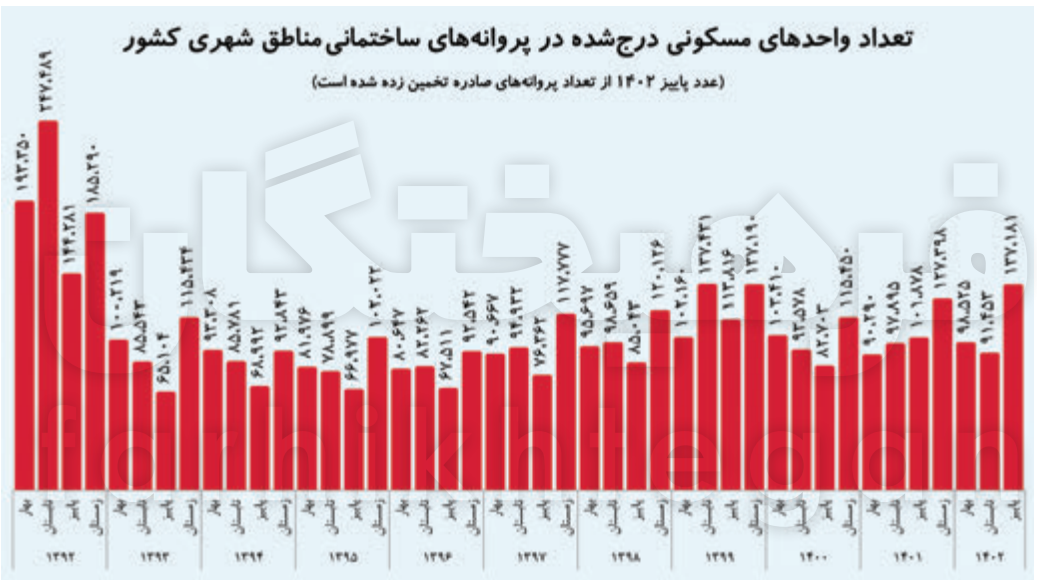

کامودیتی‌ها زیر سایه ریسک ۲۰۲۴

لیلی زواره‌ای
خبرنگار

بررسی وضعیت بازار سهام ایران نشان می‌دهد به غیر از بخش‌های دستوری یا با محدودیت‌های خاص، سایر حوزه‌های بورسی کاملا تحت تاثیر قیمت‌گذاری جهانی محصولات کامودیتی قرار دارند و این موضوع اهمیت بررسی بازار کامودیتی‌ها در سال جدید میلادی را گوشزد می‌کند. به عبارت دیگر بازار سهام کشور یک نهاد یا بازار کامودیتی محور است. به عنوان مثال بیش از ۵۰ درصد ارزش بازار بورس پایتخت به شرکت‌های معادن، فلزات اساسی و کانی‌های فلزی، پالایشگاهی و پتروشیمی تعلق دارد که این شرکت‌ها هم به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از بازار جهانی کامودیتی تاثیر می‌پذیرد. بخشی از تاثیر بلند یا کوتاه‌مدت تلاطم قیمت‌های جهانی محصولات کامودیتی بر سهام این شرکت‌ها در ایران به علت واکنش سرمایه‌گذار نسبت به این دسته از تلاطم‌های قیمتی است. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که بازار کامودیتی، یک بازار نقطه‌ای و لحظه‌ای بوده اما بازار سهام یک بازار آینده‌نگر است.

سال سیاه ۲۰۲۳

قیمت کامودیتی‌ها وابسته به عوامل متعددی است. تغییرات عرضه و تقاضا از جمله محتمل‌ترین گزینه‌هایی است که قیمت کامودیتی‌ها را جابه‌جا می‌کند. عوامل جوی مانند باران، خشکسالی، سرمای شدید و گرمای فزاینده می‌تواند تولید محصولات کشاورزی را متاثر کرده که قیمت غلات و یا نفت و گاز را افزایش یا کاهش دهد. تقویت یا ضعف ارز ملی و همچنین نوسانات شاخص دلار نیز با توجه به رابطه عکس با شاخص کامودیتی‌ها بر این بازار تاثیر می‌گذارد. تصمیمات دولت‌ها در زمینه‌هایی مانند تعیین تعرفه‌ها، تنظیمات قیمت، تسهیلات و ممنوعیت‌ها می‌توانند به طور مستقیم قیمت کامودیتی‌ها را تحت تاثیر قرار دهند. موقعیت جغرافیایی مناطق تولیدی و مصرفی می‌تواند تاثیر بسزایی بر هزینه حمل‌ونقل داشته باشد که بر قیمت کالاها اثر می‌گذارد.

پیشرفت تکنولوژی در فرآیند تولید، استخراج و حمل‌ونقل می‌تواند به بهبود کارایی و کاهش هزینه‌ها منجر شده و در نتیجه قیمت کامودیتی‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. تغییرات روابط بین‌المللی، تحولات سیاسی و تصمیمات دولت‌ها می‌توانند به شدت بر قیمت کامودیتی‌ها تاثیر بگذارند. نرخ بهره هم با تاثیر بر هزینه‌های تولید و سرمایه‌گذاری می‌تواند به طور مستقیم بر قیمت کامودیتی‌ها تاثیر بگذارد.

با توجه به همه عوامل فوق، پس از چندین سال عملکرد قوی، اکثر کامودیتی‌ها سال ۲۰۲۳ را در محدوده منفی به پایان رساندند. هر چند سال ۲۰۲۳ سالی پرچالش برای کامودیتی‌ها بود؛ با این وجود به علت تحولات منطقه‌ای، وقوع جنگ و رشد ریسک جهانی و استراتژی ثبات نرخ بهره فدرال رزرو، طلا عملکرد مطلوبی داشت و به رکورد ۲۱۳۵ دلار در هر اونس رسید. از آنجایی که کاهش نرخ بهره در سال ۲۰۲۴ محتمل‌تر به نظر می‌رسید، سرمایه‌گذاران به دنبال دارایی امن بودند و دلار ضعیف‌تر نیز تقاضا را برای طلا افزایش داد. مس اما به سختی بازدهی مثبتی را در سال ۲۰۲۳ ثبت کرد، زیرا رکود بازار املاک و مستغلات در چین، موجب افت تقاضای جهانی شد. سایر کامودیتی‌ها با رشد منفی به کار خود پایان دادند که به ترتیب عبارتند از لیتیوم، نیکل، گاز طبیعی، سرب، ذرت، گندم، پالادیوم، روی، نفت خام و ذغال سنگ، پلاتین، نقره و آلومینیوم.

طلا با جهش بیش از ۱۳ درصد به دلیل رشد تقاضای سرمایه‌گذاران و خرید بانک‌های مرکزی در صدر جدول کامودیتی‌ها ایستاد. در سه فصل ابتدای سال ۲۰۲۳، بانک‌های مرکزی جهانی حدود ۸۰۰ تن طلا خریداری کردند که چین، لهستان و سنگاپور بزرگ‌ترین خریداران در بین کشورها بودند.

نفت خام اما در سال ۲۰۲۳ حدود ۱۱ درصد سقوط کرد. در سال ۲۰۲۳، ایالات متحده در اواسط دسامبر رکورد تولید ۱۳٫۳ میلیون بشکه در روز را ثبت کرد. ماه‌های پایانی سال گذشته میلادی یکی از پرتنش‌ترین مقاطع زمانی چند دهه اخیر در منطقه خاورمیانه به عنوان شاهرگ حیاتی تولید نفت دنیا بود اما حتی این تنش‌ها و تفاهم اوپک برای حفظ تولید در سطح پایین باز هم نتوانست به روند قیمتی نفت قدرت ببخشد؛ چراکه کاهش تحریم‌های نفتی ونزوئلا برای جلوگیری از تلاطم‌های زیاد و همچنین رقابت روسیه با ایران برای تصاحب بازار نفت چین با ارائه تخفیف‌های قابل توجه، شرایط نفت را پیچیده‌تر کرد. کارشناسان انرژی اعتقاد دارند حتی با کاهش تنش‌ها در ماه‌های آینده هم کاهش قیمت نفت به سختی کنترل شود.

تصمیمی که چین در اواخر سال ۲۰۲۳ برای تحریک بازار مسکن ایجاد کرد باعث شد که سنگ‌آهن و فولاد هم رشد مناسبی را تجربه کنند. قوانین جدید مسکن چین که در پایان سال گذشته میلادی ابلاغ کرد، شرایط خرید را از ابتدای سال جدید میلادی تسهیل می‌کند و به احتمال زیاد صادرات فولاد این کشور کاهش می‌یابد. چین در سال گذشته تعدادی از مهمترین هلدینگ‌های مسکن‌ساز خود را به علت ورشکستگی و کاهش تقاضای خرید از دست داد، حالا سعی دارد در سال جدید بخشی از این خسارت را جبران کند.

امید به ۲۰۲۴

کاهش پله‌ای نرخ بهره توسط فدرال رزرو، داده‌های اقتصادی آمریکا، اروپا و چین و احتمال بازگشت تورم به سطوح بالاتر یا وقوع رکود اقتصادی در آمریکا و در نهایت وضعیت ریسک جهانی به علت درگیری‌های نظامی در منطقه و جهان از جمله مهم‌ترین عوامل موثر برای بازار کامودیتی‌ها در سال جدید میلادی است. انتظارات برای اقتصاد با حرکت تورم به سمت نرخ مورد نظر فدرال رزرو یعنی دو درصد بدون کاهش قابل توجه تولید ناخالص داخلی و آسیب جدی به بازار کار همراهی می‌شود. برای نفت، سیاست گروه اوپک پلاس برای تعیین آینده قیمت این کامودیتی تاثیرگذار است. پیش‌بینی می‌شود بازار نفت در نیمه اول سال ۲۰۲۴ تعادل داشته باشد و در نیمه دوم سال با کسری مواجه شود که این امر باعث افزایش قیمت‌ها از سطح کنونی خواهد شد. یکی از ریسک‌های اصلی در زمینه تامین نفت، تنش‌ها در خاورمیانه و احتمال اجرای سخت‌تر تحریم‌های آمریکا علیه ایران است. این موضوع ممکن است باعث شدت بخشی به کسری‌ها و افزایش قیمت در بازار نفت نسبت به سطح انتظارات شود.

در حالی که کاهش رشد جهانی می‌تواند تقاضای کالاها را در سال ۲۰۲۴ کاهش دهد، کاهش نرخ بهره توسط فدرال رزرو می‌تواند وضعیت را تغییر دهد. در صورت تداوم وضعیت موجود طلا در سال ۲۰۲۴ به بالاترین حد خود خواهد رسید و کاهش نرخ بهره از قیمت‌ها حمایت می‌کند. کالاهای مورد استفاده در انتقال انرژی سبز مانند نیکل، مس، لیتیوم و روی، چشم‌انداز نزولی دارند. مازاد عرضه قابل توجه در نیکل می‌تواند قیمت‌ها را کاهش دهد.

در سال جاری میلادی به دلیل قوانین جدید مسکن چین تولید و صادرات فولاد این کشور کاهشی است. کارشناسان از کاهش ۱۰ تا ۲۰ درصدی صادرات فولاد چین به دلیل تحریک بازار مسکن این کشور خبر می‌دهند. افزایش تحریک بازار مسکن و مصرف فولاد داخلی موجب می‌شود که صادرات فولاد چین کاهشی شود. این خبر به تبع فرصت مناسبی برای صادرکنندگان فولاد ایران محسوب می‌شود چراکه سال گذشته میلادی صادرات فولاد چین، باعث کاهش صادرات فولاد ایران شده بود. تحلیلگران همچنین برآورد کرده‌اند که در خاورمیانه هم رشد ۲٫۳ درصدی مصرف فولاد اتفاق بیفتد. همچنین رشد مصرف فولاد در انگلیس و اتحادیه اروپا هم دور از انتظار نیست. در کل پیش‌بینی تقاضای جهانی فولاد برای سال جاری میلادی نرخ رشد را در مناطق مصرف‌کننده مهم جهان نشان می‌دهد.

فلزات گرانبها احتمالا در سال ۲۰۲۴ به سمت سطوح قیمتی بالاتر حرکت می‌کنند و به نظر می‌رسد قیمت طلا به رکوردهای جدید می‌رسد. پیش‌بینی برای هر اونس طلا حدود ۲۲۰۰ دلار تا پایان سال جاری میلادی ثبت شده است. اکونومیست اما معتقد است که بازارها خود را با جنگ‌های موجود سازگار کرده‌اند و باید در سال جاری بر نفت، اورانیوم و گندم متمرکز شد. پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی جهان کند باشد و همین موضوع باعث می‌شود تقاضای مواد خام اندکی افزایش یابد. با این حال، وقوع شگفتی‌ها نیز منتفی نیست. رویدادهای غیرمنتظره و شدید آب‌وهوایی و وقوع جنگ به طور قابل توجهی بر بازارهای کامودیتی تاثیر می‌گذارند.

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۸۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم